د مصطفی عمرزی په زیار

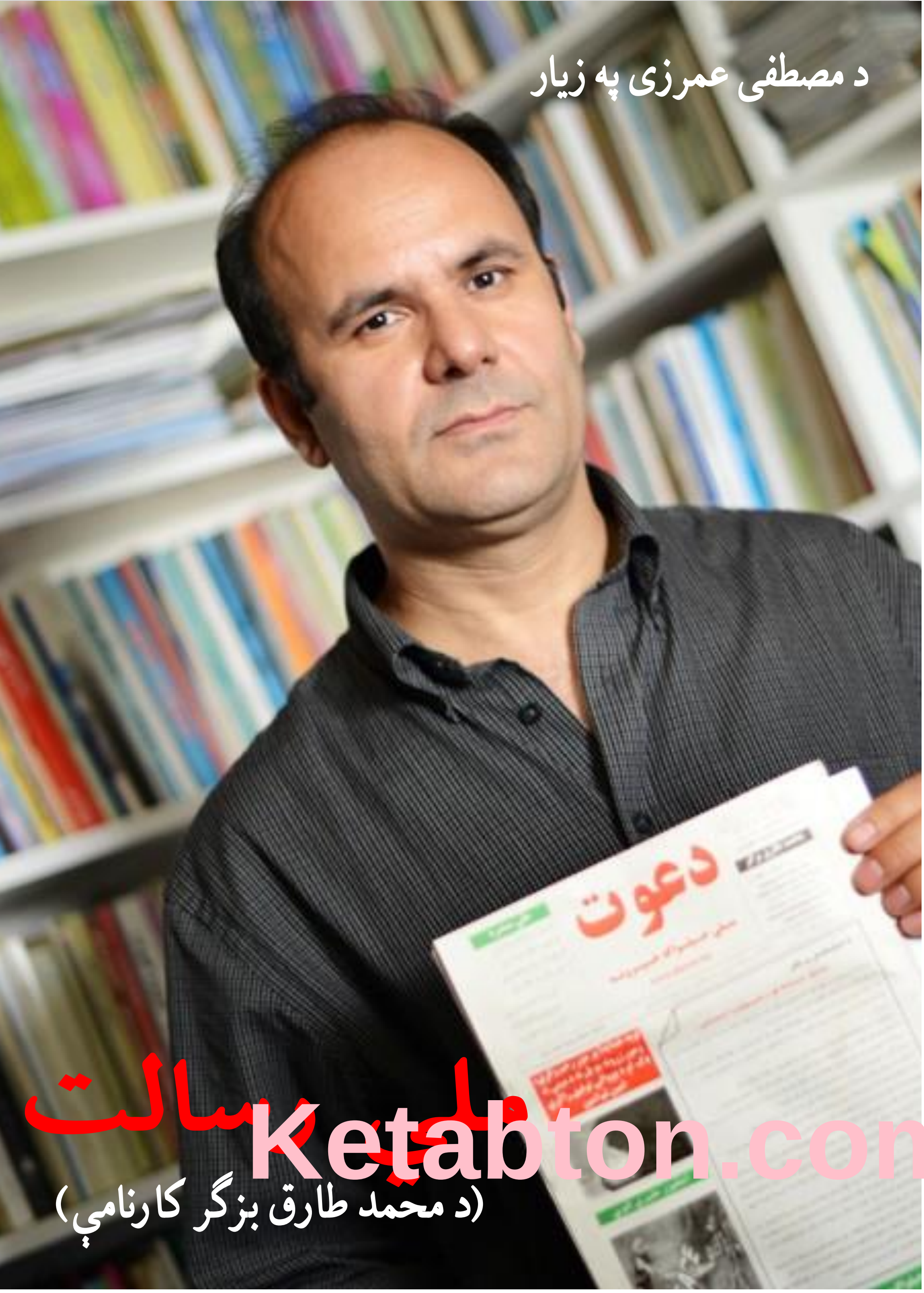

ملي رسالت

(د محمد طارق بزګر کارنامې)

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

د لوی خدای په نامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت نشریې د یو دیرشم کالیزې په ویاړ
به افتخار سی و یکمین سال نشریه ی دعوت

ملي رسالت/ رسالت ملی

(د محمد طارق بزګر کارنامې/ کارنامه ی محمد طارق بزګر)

د مصطفی عمرزی په زیار

2019/۱۳۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتاب پیژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی

راټولونه، تنظیم او بیاکتنه: مصطفی عمرزی

سمونه: م.ع–م.ط.ب

دیزاین: م.ع

ژبې: پشتو او دری افغانی

مخونه: 203

خپرونکې: م. ط. ب

د چاپ شمیره: لمړی

چاپځی: کی یف–اکراین

ټوکې: 1000

کال: ۱۳۹۸/2019

ISBN: 978-82-691395-3-2

د دې کتاب د چاپي، انلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

(c) ketabton.com: The Digital Library

په دی کتاب کې:

۱- رسالت ملی.. 1

لمړی څپرکی/ محمد طارق بزگر... 5

۲- حبیب الله غمخور.. 5

۳- محمد نقیب تره خیل... 21

۴- قدرت الله هیوادپال.. 24

۵- محمد سرور وکیلی... 27

۶- امرالدین سرحد... 28

۷- استاد کم باور کابلی.. 29

۸- پوهنمل رحمت ځواکمن.. 30

دویم څپرکی/ دعوت.. 32

۹- مصطفی عمرزی.. 32

۱۰- سراج الحق ببرک زی ځدراڼ.. 34

۱۱- کاندیدای اکادمیسین استاد محمد اعظم سیستانی....................... 40

۱۲- عبدالغفار جُبیر.. 46

۱۳- قریب الرحمن سعید... 48

۱۴- محمد آصف ننگ.. 51

۱۵- سردار ولی پشتون زوی... 54

۱۶- شاهی سعادت.. 56

۱۷- استاد کاظم بیمار ننگرهاری.. 58

۱۸- شکریه بارکزی... 60

۱۹- داکتر حضرت عمر زاخیلوال.. 61

۲۰- داکتر نبی مصداق.. 63

۲۱- محمد نقیب تره خیل... 66

۲۲- ذاهد جلالی... 68

۲۳- داکتر محمد نواب ویساند... 70

۲۴- دکتور محمد عثمان روستار تره کی.. 73

۲۵- فهیم نظیمی... 75

۲۶- بیکسیار... 76

۲۷- داکتر جمشید سمون.. 79

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۸- اجمل روهی..83
۲۹- سرلوڅ مرادزی...85
۳۰- دکتور استاد سید خلیل الله هاشمیان.................................87
۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکر.......................................89
۳۲- داکتر عبدالصمد حامد..93
۳۳- هلمند پردیس..95
۳۴- استاد صباح...97
۳۵- استاد ابوبکر ساپی..102
۳۶- محمد امین بسمل...103

دریم څپرکی / پیغامونه...106

۳۷- ولي الله ملکزی...106
۳۸- استاد عمر پاځون..108
۳۹-داکتر صلاح الدین سعیدی...109
۴۰- نجم شینواری...110
۴۱- عظیم الدین علیمی..111
۴۲- استاد صباح..112
۴۳- داکتر لطیف یاد..113
۴۴- عاشق فنا..114
۴۵- ف. هیرمند..115
۴۶- انجنیر فضل احمد افغان..117-116
٤٧- د ادیسی ادبی ټولنی پیغام...118
۴۸- نیک هدایت ځاځی..120
۴۹- محمد ایاز نوری..121
۵۰- استاد محمد اسمعیل یون...123
۵۱- د زلمو پاځون ټولنه...126
۵۲- محمد یوسف هیواددوست...130

څلورم څپرکی / د بزګر څیره...132

۵۳- در مستند نارویژی «پناهنده»..132
۵۴- در مطبوعات غربی...136

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی.................................148
۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.........150
۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن...................153
۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی...154
۵۹- ستایش نامه ها...155
پنځم ځپرکی/ د دعوت نوستالژی...163
شپږم ځپرکی/ د انځورونو البم...186
معرفی مصطفی عمرزی..200

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسالت ملی
(مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان های بی طرف بوده اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان ها را بسیج می کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله ای از آدرس ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می گفتند. در این میان، آدرس هایی که با دیگران/ بیگانه گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقایی عمل می کردند که آرامش خاطر را در کنار روس ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان هایی را می گرفتند که دنبال تفهیم مسئله ی ملی می شدند.
رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می آمدند، در دستان بسته ی شاه مرحوم، ریسمان هایی را می دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه ای از تکفیر شمرده می شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه های غربی و شرقی تمویل می شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، ممثل منافع شوروی بود و جهاد افغان ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان پابرجا که مسئله ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان ها را متحد می کرد که در هجرت می زیستند.
نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحیَد بودند. تورق تاریخ آن روز ها خلاف برداشت های چپی و راستی، محرز می کند محرکه گیریان تنازع، مُهره های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهر ها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه ی جنگ، صلح کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آیینه ای متصور بـود کـه خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزگر، بخشی از علایق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست کـه در دیـار هجـرت، در پشـت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یـاد افغانسـتان مـی انداختنـد. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.

تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادنـد و در سـوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سعی ای بـود کـه در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.

تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربـانی، منـافع و مصـالح ملـی، قربـانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چنـد منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.

امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنـا بـر ایـن، روشـنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پـی آمـد تجـاوز شـوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایثـار بیشتر می کشاندند.

کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربـه در انظـار بزرگـانی کـه ایـن جریان(دعوت محمد طارق بزگر) را بهتر از من می شـناختند، بـه نقـاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی مـی کـردم از منظر احاطه ی من بـه تـاریخ، بخشـی از رسـالت ملـی یـک افغـان را تاریخی کند، اهمیت دارد.

راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک تـرین هـا (به لحاظ سن) تا بزرگ تر ها (به لحاظ دانـایی) مسـتندی از زنـده گـی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیسـتند. بخشـی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شـاهد بـودم، ضـم مهـم اسـت؛ پشـت جبهـه ای کـه از پاکستان تا فراسوی مرز ها، افغان هـای دردمنـد را در سـوگ وطـن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد مـی آورد تـا در فـراق کاشـانه عـزا

(c) ketabton.com: The Digital Library

بگیرند، اما یاد شان نرود سرنوشت مملکت در گرو افکاری ست که یکی با دعوت دیگری از زنگاره های باد و بوران تاریخ می زدودند.
تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت دیگران، صورت حال صفای افغان هاست. در این کوشش در هجرت سعی می کردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.
روایت سیاسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ویژه افغان های مهاجر بود، اما ویژه گی بسیاری آن ها با ترسیم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دایم حرف می زد.
محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هایی که به مناسبت های دعوت، پیرامون او و نشریه اش نوشته اند، حضور محسوس تاریخی دارد. بر این اساس ترجیح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم که بسیاری در شمار افغان های مهاجر، خیلی بهتر از برداشت من از کارنامه ی او می دانند: قیمت سال ها ایثار و دردسر فرهنگی در دیار هجرت، چه قدر است؟
راویان کتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح کرده اند. کار من در این اثر، بیشتر تنظیم نقش ها، نگاره ها و نوشته هایی بود که گزیده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمین آبایی و اجدادی نیز شمرده می شوند.
آشنایان دعوت و دوستان بزگر با شرح ماوقع بخشی از گذشته ی ایثار یک فرزند باوجدان این کشور، راه گشایند تا در این مثال، بازخوانی تاریخ غیر سیاسی افغان ها هم که رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهیم کند: نیاز به گردآوری و تنظیم تاریخی داریم که در برگ های زمان هجرت در هر جا که قدوم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.
در این کتاب، گزیده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشایند تا از عواطف، درک و احساسات ملت که در حاکمیت های کمونیستی، تنظیم و ملایی، اما حق حیات ما را فراموش نکرده بودند، به پیام هایی ملحق شوند که از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سیاسی، زیر فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزگر می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیاز ها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدا، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شوونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزگر، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محور ها (امثال دعوت و بزگر) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی

۱۱/ ۸ / ۱۳۹۷ش

آپارتمان های مارکیت ملی

کابل- افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

لمړی څپرکی:
محمد طارق بزگر

د محمد طارق بزګر د دعوت جریدې
او ویب پاڼې مسوول مدیر لنډ ژوندلیک
حبیب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې شکلي شعر په لوړېنې سره زموږ د دې ځوان او هڅاند فرهنګي شخصیت، لیکوال، او ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر لنډه پېژندګه پیلوم.

د وطن د شرف سپریم نه وېرېږم
که د تورو ګذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوړي کولي دې وي د نورو
د وطن د فاع کښې زه ګولۍ د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم

د ښاغلي محمد طارق بزګر زموږ تکړه لیکوال او فرهنګي څېرې ۲۳ کلن فرهنګي او ولسي چوپړ یادغونډې ته ئي ډالۍ کوم.

د پیل خبري:
درانه لوستونکي خبر دی چې د سویډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کې زموږ دځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولنې)) لخوا د ځوان فرهنګي څېرې د علمی او فرهنګی چوپړ د درنښت په ویاړ د روان کال د دسمبر پر لسمه یوه درنه غونډه رابللې ده.

یا خو ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب ځوانه فرهنګی څېره ده او یا خو لا موږ تر اوسه دې کچې ته نه یو رسېدلي چې د خپلو شخصیتونو ژوندلیک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنګی دوست د پېژندلیک د ماڼۍ ډبره کښېږدم.

پدې پوره باور لرم چې د بزګر صاحب ژوندلیک به تر دې چې ما لیکلئ څو ځله اوږد او لوستل به ئي زموږ ځوان نسل ته ګټور وي. سره

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دې چې د ښاغلي طارق بزګر صاحب د کار او فرهنګي چوپړ سره به ډېر هیوادوال اشنايي ولري، خو د دې لیکنې نه زما موخه داده چې له یوې خوا مې د هغه زیار او زحمت ستاینه کړې وي او د بلې خوا مې لږ او ډېر د دې درونډ شخصیت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سویډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنګي ګټورو کارونو چې موخه ئې له یوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پیوند کې روزلو اړتیا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو یو شمیر هیوادوالو ملاتړ مې سم دواره احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنګي کارونو او پدې برخه کښې د ګټورو ګامونو پورته کولو ته زیاته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پایله کښې پر دې بریالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړي ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سیاسي او ادبي شخصیت ارواښاد ګل پاچا الفت په ویاړ نړیوال علمي سمینار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمینارکښې د ډېرو فرهنګي، علمي او سیاسي شخصیتونو تر څنګ د دې منلي او هڅاند فرهنګي شخصیت سره معرفي شوم. زموږ دوستی او د ګران هیواد افغانستان لپاره ګډه فرهنګي همکاري او هڅې تر نن ورځې پوري دوام لري.

دا چې په سویډن کښې د ژوندو فرهنګیانو، ادیبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاینې او هڅونې، د ملي او وطني چوپړ د درناوي او ارزونې په ویاړ یو په بل پسې درنې غونډې جوړېږي، زما او ټولوافغانانو لپاره د ویاړ ځاي دی.

دې ټکي ته مې پدې خاطر ګوته ونیوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنګه چې اړینه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعنې بڼه لري په موږ افغانانو کې د خپلو ژوندیو څه قدر نسته. کله چې خداي نخواسته مړ سي، یوه نیمه ورځ ئې ویر وکړو او بیا د ابد لپاره رانه هیر سي. هغه د محترم ننګیال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو.))

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دې ناخوالو سره پدې وروستۍ لسيزه کښې د ځوانو فرهنګيانو او روڼ اندو په هڅو او تلاښونو د فرهنګي ټولنو په مټ معقوله مبارزه روانه ده. د همدې ملي او معقولو تلاښونو په پايله کښې دا دي اوس د دې پروسې شاهدان، يو چې نه يوازي له هيواد نه بهر بلکې د داسي ستاين غونډو لمن تر افغانستان پوري هم غزيدلې ده.

اوس د ژونديو ليکوالو، اديبانو، شاعرانو، ژورناليستانو او فرهنګيانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کيږي او د هغوئ د ستاينې په موخه علمي او ادبي درنې غونډې جوړيږي او د همدې غونډو د جوړېدو په درشل کښې زموږ د ټولنې د ژونديو وياړونو ستاينه کيږي او هغوئ نور هم علمي او ادبي چوپړ ته هڅول کيږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه يوازي فرهنګي شخصيت دی بلکې يو کارنده ژورنالست او تکړه ليکوال هم دی. د دعوت جريدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم ليکل سوی، چې د ده د پوهي او وطني مينې ښکارندويه بېلګه ئې ګڼلاي سو.

ښاغلی محمدطارق بزګر نه يوازي د بيلابيلو مقالو په ليکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ايزو رسنيو په أسمان کښې د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې ئې نه يوازي دا چې د خپلو ليکوالو او سياسي څېړونکو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسولي، دا دي اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جريدې د نشرېدو تر څنګ دعوت ويب پاڼه پرانيستې او له دې لاري هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمي او ادبي ليکنو د نشر پوره امکانات برابر کړي دي.

ماته رامعلومه ده چې په بهر کې د يوې چاپي رسنۍ د کار پرمخ بېول څومره ستونزمن کار دی، خو وياړ ئي پدې کښي دی چې د همدې رسنۍ په مټ ليکوال او ولس يو د بل په حال خبرېږي. ماته د بزګر صاحب هڅې او تلاښونه له نږدې معلوم دي او د ده د دې فرهنګي چوپړ په ملي ارزښت پوهيږم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پر ټنډه ليکل سوی چې مياشتنی خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووايم چې په دعوت کې خپاره شوی مطالب دومره عالي او بډاي وي چې په يوه او دوو مياشتو کې نه زړېږي.
زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هيواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، نېکې مشورې او معلومات ترلاسه کړل شي.
زه نه غواړم پدې ليکنه کښې چې د بزگر صاحب ژوندليک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جريدې پر فعاليت او ملي ادبي ارزښت باندې ډېرې خبرې وليکم. دومره غواړم ځرگنده کړم چې دعوت اوس يوازې داسې خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبياتو په پياوړتيا کښې وياړلئ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستې د افغانستان د سياسي، اقتصادي، فرهنگې او ټولنيزو پېښو د څو کلن تاريخ په کتابتون او أرشيف او د ورځنيو مسائيلو په اړوند د افغان ولس د نظرياتو او عقايدو د انعکاس په ډگر بدل سوئ دی.
طارق صاحب د ليکوالۍ او فرهنگې چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنگ د افغانستان د سياسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکی په توگه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي گټو او هيوادوالو د هوسا او بسيا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنگې ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلاښونه کړې دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ ځکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپايي هيوادو کښې جوړ سوی، فعاله برخه اخيستې؛ په کومو کې چې د گډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هيوادو کې د فرهنگې ټولنو په نوښت علمی او څېړنيزو کنفرانسونو، سمينارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخيستنې ده. دا خو لا پرېږده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرگردانيو سره د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د خپرېدو تر څنگ دا دی اوس د يوه پښتو ژبې تلوېزيونی چينل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه ستړې کېدونکی تلاښونه کوي.
زه محمدطارق صاحب ته پدې وطنی او ملي فرهنگې چوپړ کښې د لازياتو برياو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمځی رانغاړم او غواړم درنو

(c) ketabton.com: The Digital Library

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښې د دوي دغه فرهنگی چوپړ دبڼ د مالیار، تکړه لیکوال او ژورنالست وروپېژنم.
زېږېدنه، یا دې نړۍ ته سترگې غړول:
د پښتو ژبې دغه پېژندل سوې څېره او ژورنالیست محمد طارق بزگر لـه نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نړۍ تـه پـه ۱۳۴۵لمریـز کـال د کنړ ولایت د نرنگ ولسوالۍ اوسېدونکی ارواښـاد عبـدالقیوم بزگـر پـه یـوه منوره او متدینه کورنۍ کښې دنیا ته سترگې غړولي دي.
ارواښاد عبدالقیوم بزگـر د کابـل پوهنتـون د حقوقـو او سـیاسي علومـو پوهنځی نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شـاه او داوودخـان پـه رژیمونـو کښې مختلفې دولتي دندو په کار گمارل سوئ دي او هغه ئـې پـه پـوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولي دي.
ښاغلي طارق بزگر لومړنۍ او منځنۍ زده کړې د کابل ښـار پـه مختلفـو ښوونځیو کښې سرتـه رسـولي دي. نومـوړي لا د کابـل ښـار د نـادریې لیسې پـه یولسـم ټـولگۍ کښـې پـه زده کـړې مصرـوف و چـې دی پـر افغانستان د شوروي اتحاد د یرغل په وړانـدې د مخالفـت لـه مخـې پـه ۱۹۸۰ کې له کابل نه د پېښور په لور هیواد پرېښېدو تـه مجبـور سـو؛ پـه داسې حال کې چې کورنۍ لا په کابل کې اوسیده.
د نوموړي په وینا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کـړو سپارښـتنه او هڅول کیده، ځکه خوئې عالي تحصیلات د پېښور په اسلامیه کـالج او د پېښور پوهنتون نه په سیاسي علومو او اسلامیاتو په برخه کښې عالي او مسلکي تحصیلات په برۍ پاي ته ورسول.
په کوزه پښتونخوا کښې تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کـال د یوازې د ناروی هیواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چـې په ناروی کښې ئې د ښاغلی طارق بزگر په اړه لرم دلته ئي هـم د نـاروي دلوړو تحصیلاتو په موسسه کښـې (Bodø High School Norway) انترنیتی ژورنالیزم ولوست او تر هغه وروسـته ئي دکـانبرن (Canburne University) په پوهنتون کې د ژورنالیزم په برخه کښې تحصیل کـړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایی چې تر څو ژوندی وی زه بـه تـل یو زده کوونکی یم.
لیکوالي او فرهنگی چوپړ:

(c) ketabton.com: The Digital Library

بزګر صاحب وايي لمړۍ ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرايطو کښې د مقالوپه ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پوري د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کښې په پښتو، دری، اردو او عربی ژبو خپرې شوي دي. طبيعی ده چي تر اوسه ئي له نېکه مرغه د قلم رنګ نه دئ وچ سوی او ګوتې ئې د قلم شوررولو او ماغزه يې د تحليل او مسائيلو د څېړلو پوره او غښتلئ توان لري. پر دې خداي ورکړي استعداد دې نور هم برکت وي.

د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نسوای ماتولاي. همدا دليل وو چې پس له ډېر زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپی رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپروني چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پوري کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو ګڼو کښې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پوري رسېږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبې سره مينې او محبت د د ې ټاټوبې اوسېدونکو ته د انساني چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکې ټولنې د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنګی رښتياني او ګټور چوپړ دعوت ورکړی. دې خپروني هيڅ کله خپل نظر او عقيده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنګی بهير پر مينه والو نده تپلې، بلکې د خپل نظر د څرګندولو تر څنګ ئې تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنګی او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پوري رسولي دي.

دعوت خپروني او دعوت ويبپانه کښې د ورلېږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسوولیت د محمدطارق بزګر پر غاړه دی، خو په دعوت جريده اودعوت ويبپانه کښې د نظرياتوخپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د عوت قلمی همکار دنده او مسئوليت دی. اړينه ئې بولم څرګنده کړم چې د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انګليسي اوناروېږي ژبو ليکنې خپروي.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزوني په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارګانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پېرزوينو څو ټکی د بېلګې په توګه

(c) ketabton.com: The Digital Library

را اخلم، تر څو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارگانو او خپله ښاغلی بزگر صاحب د ژورنالستیک او فرهنگی خدمت د ارزښت او رول په هکله تر یوه بریده معلومات پیدا کړي.

ښاغلی ډاکټرصاحب نبي مصداق لیکي:

تاسو د ډېرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښې ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نیک نوم وگټلو. اوس چې هماغې جریدې تر څنگ ډېر اصلاح شوی او ښایسته ویب پاڼه هم پر مخ بیاېږي ډېر د خوشالۍ او افتخار ځای دی. ځکه مونږ دا دی درې لسیزې کیږي چې د نړۍ په هر گوټ کې خواره شوی یؤ. دعوت جریدې ته د انتظار پر ځای، د ویب پاڼې له لارې د افغانستان په پیښو هره ورځ خبرېږو.

زمونږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وايي:

نشریهء دعوت به مثابهء یک نشریهء ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهایت مفید و ارزنده ای را انجام داده است.

تکړه لیکوال او ژباړونکي رحمت آریا صاحب د استاد صباح سره همغږي لري لیکي:

دعوت د خپلې ناپېلۍ او بې پرې تگلارې پر بنسټ د افغاني- پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستړي کېدونکو هلو ځلو له لارې پیاوړې لاس ته راوړنې لري او ویاړ یې د افغانانو د ټولنیزو فرهنگي بنسټونو پرځلانده تندي د ځلانده ستوري په توگه ځلیږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانگړې توگه د افغانستان ناورین ځپلي ټولنه چې د ټولنیز ژوند هرگوټ یې د درو تېرو لسېزو خونړیو جگړو په ترخ کې په ژورو گړنگونو اوښتی دی.

جگړې نه یوازې زمونږ مادي شتمنۍ لوټ کړې، بلکه زمونږ معنوي ارزښتونه یې را دړې وړې کړل. نیواکگرو او ښکیلاکگرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهؤ خو د ډېرې خواشینۍ ځای دا دی چې دغه نړونه نه یوازې پردیو وکړه، بلکه یو شمیر ککړو افغان لاسونو هم پردیو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تیل ور توی کړل چې ان پردي په خپله ورته هک پک پاتې شول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرگوره! د دعوت ويبپاڼه يوه له هغو رغښتگرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې ورانۍ په بيا جوړونه کې شپه او ورځ نوښتگرې خولې تويوي.

په وروستيو وختونو کې د دعوت ويبپاڼې انځوريزه مخښه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخښې په پرتله يې لا ښکلا وموندله.

کانديدای اکادميسين او تاريخ پوه محمداعظم سيستانی صاحب هم د دعوت ستاينه کوي وايي:

دعوت با چاپ، نشر و توزيع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگی خود را در جهت آگاهی دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترين تحولات اجتماعی و سياسی متعلق به کشور جنگ زدهٔ افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائی که من می بينم، اين رسالت را به نحو تحسين برانگيزی ايفا کرده و می کند.

ښاغلی پوهاند دوکتور مجاوراحمدزيار صاحب د دعوت دشلمې کاليزي په مناسبت خپل ليږل سوی پيغام کښې ليکي:

زه پر خپل وار د دغې ټولمنلي مهالنۍ شلمه کاليزه گران او هڅاند رسنوال دوست محمد طارق بزگر ته نيکمرغه او ښه وايم. ټولمنلتيايې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکوکې نغښتې چې يوخوايې د درو خپرنيو (پښتو، پارسي او انگليسي) ژبو په کارونه د قلمي همکارانو او لوستونکو کړۍ ښه ترا غځولې او بل يې له ټولو رسنيزو اړونو سره سم هرې اندپوهې او ليدتوگې ته خپله غېږ تل پرانېستې پرې ايښې ده. په دې توگه يې د هغو لنډ اندو بنسټپالو او بېلتونپالو د بېځايه نيوکو پلمه له منځه وړې چې گډ تاريخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سياسي، اندپوهيزو او ژبتوکميزو او بيا د بهرنيو بادارانو له گټو وټو ځاروي.

د ژوند په داسي ناخوالو کې يې ډير کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دريغه مينې او محبت په احساس سره دا دي شل کړه.

مطبوعاتي کار او ديوې ملي خپروني پرمخ بيول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسي وينو لړلی، لړزانده او د رنگونو په بازار

(c) ketabton.com: The Digital Library

کې د زړه خوږ غواړي چې څوک دي شل کاله ور باندې ووهي او ځان ته لوی ویاړ تر لاسه کړي.
زموږ پیاوړی لیکوال په استرالیاکې مېشت افغان ښاغلي هدایت الله هدایت صاحب، خپله ارزونه پدې ډول زموږ او تاسو سره شریکوي:
محترم بزګر صاحب!
تازه ستاسو د دعوت ویبپاڼه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او بډایه سوې او په افغاني حلقو کې یوه مطرح او درنه پاڼه ګرځېدلې ده.
تاسو ګران د دعوت په خپرونو کې د بیان و آزادی او وطني رسالت ته مو ښه پوره میدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالني استازیتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو ګران یې و ورځنیو ملي غوښتنو او پښتنو ته کوی او هغه واقعیتونه چې تاسویې په دعوت کې منعکسوی، نو ستاسو پاڼه یې د زیات قدر وړ ګرځولې ده.
د کابل پوهنتون استاد کاظم بیمار صاحب لیکي:
د دعوت جریده او بریښنا پاڼه د تاسیس د ورځې څخه بیا تر نن پورې د ګران هیواد افغانستان او هیوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه لیار کې مخ په وړاندې روانه ده او د حقایقو په نشر او خپرولو کې یې هیڅ وخت دریغ نه دی کړی او د هیچا او هیڅ قدرت تر تاثیر لاندې نده تللي او هیڅکله یې ځان په ژبني، قبیلوي، مذهبي او سمتي تعصبونو او تبعیضونو ندی ککړ کړی.
دعوت، بیطرفه جریده او بریښنا پاڼه ده؛ مګر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هیواد د ملي مصالحو او د وطن د تمامیت مسوولیت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسیدلو لپاره یې تل ملي څیرې او ملي مبارز شخصیتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي ګټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.
له امریکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بیا وایي:
دعوت رښتیا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړیکه وه او ده چیرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنګان وي.
د افغانستان له پلازمېنې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزان صاحب لیکي:

(c) ketabton.com: The Digital Library

د پښتو په رسنيز بهير کی دعوت ځانګړی ځای لري. ښايی د اوسنيو ټولو پښتو خپرونو او خپرنيزو بنسټونو سرلاری يی وګڼو. زه د زړه له تله خوښ يم چې زموږ فرهنګي او قلمی ملګري په دی توانيدلی چې د خپلی ژبی لپاره يی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لايی هم ورته ملا تړلي چې تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي.

ښاغلی عمر پاڅون ليکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهيسې په اړيکه کې يم. دعوت د لاس په ليکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډير زر يې ټايپ ته لار وميندله چې په ډير لنډ وخت کې کمپيوټر ته ننوت چې چاپي جريدې سره يې يوه د دعوت ويبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت يوه جريده نه بلکه يوه ميډيا ده چې نن په زرګونو لوستونکي لري.

دعوت نه يواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکه بهرنيانو ته هم په انګليسي او ناروېژي ژبو په زړه پورې ليکنې وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډير بهرنی لوستونکی او ليکونکی لری.

انجنير فضل احمد افغان له کاناډا نه پدې هکله خپل نظر د لوستونکوسره پدې ښه شريکوي:

زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړيکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپی او ورځی مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دين، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم.

محمد اياز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنير فضل احمد افغان دخبرو پخلی کوي وايي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار وو او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنۍ د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده چې هلته ملي خاين ور نشي ورټکولای.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ارزونې کړدۍ لمځۍ د ګران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صالح پدې ټکو رانغاړم چې

(c) ketabton.com: The Digital Library

وايي: بزگرصاحب! دعوت شل کړه. هغه وړانـدي ليکـي، دعـوت هغـه خپرونه ده چې په تېرو دوو لسيزو کې يې د افغان ولس ملگرتيا کړې او که نورو دې ولس ته ټوپک او ټانـک ډالـۍ کـړي دي، خپرونـې ورتـه پوهـه، مينـه او وروروليي ورکـړې ده. د نېکمرغـۍ ځـای دی چـې دې خپرونې دوې لسيزې عمر وکړ. ډېرې خپرونې خو داسې دي چې تر يو څو گڼو وروسته يې بيا څرک نه لگېږي، خو دعوت برېښـنايي نـړۍ تـه هم لار خلاصه کړه او د نړۍ هر گوټ ته يې ځان ورساوه، چـې پـه دې برخه کې د ښاغلي محمد طارق بزگر هڅې د ستاينې وړ دي؛ چـې پـه دومره بوخت ژونـد کـې يـې شـپه او ورځ پـر ځـان يـوه کـړې او دغـې خپرونې ته يې ژوند ورکړی.

غواړم دا خبره وکړم چې ماد دعوت جريدې او ويبپاڼې په اړوند د ځينو پوهانو نظرياتو ته يوه ځغلنده کتنه پدې خاطر وکـړه چـې دغـه نظرونـه پخپله د ښاغلي طارق بزگر د لنډ ژوند اوږد داستان بيـانوي، پـه لوسـتلو ئي لوستونکی ته له ورايه څرگندېږي چې ولـې مـوږ د ده قـدر کـوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولوچې د خپلو فرهنگيـانو، اديبـانو، پوهـانو او عالمانو په نظرياتو او هڅو ځان خبر کړي.

په علمی غونډو او سيمينارونو کې برخه اخيستل:

لکه څرنگه چـې د ليکنـې پـه پيـل کښـې مـې اشـاره ورتـه وکـړه، بزگـر صاحب پر هغو کنفرانسونو او غونډو سربېره چې په اروپـايي هيـوادو او امريکا کښې د افغاني فرهنگی ټولنو په نوښت جوړې سوې په يوشـمير نورو هغـو نړيوالـو کنفرانسـونو کښـې هـم برخـه اخيسـتې؛ کـوم چـې د دولتونو او نړيوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلگې په توگه:

۱/ د ۲۰۰۶ کال د اپريل پر ۲۵ او۲۶ د ((اکو سيستم د بوټو څخـه ونـه د ساينس نظر او چلنجونه او د اکو سيستم او د غربـت مخنيـوی)) ترنامـه لاندې د ملگروملتو د سازمان لخوا علمي کنفرانس او ورکشـاپ چـې د ډنمـارک هيـواد د کوپنهـاگن پـه ښـارکې د دې هيـواد د بهرنيـو چـارو وزارت په مټ جوړ سوی وو.

۲/ د ۲۰۰۷ کال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمـې پـورې د قـانون ايښـودونکو ټولنـو لـه خـوا د G8 (۸ سـتر صـنعتی هيوادونـه) اجنـډا د

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګلونو په نه وهلو سره د ګازونو د تولید کمولو اجندا ترنامـه لانـدي د برلین په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونډسداګ) کې.

۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهایم ښار کې د ملګرو ملتونو لخوا کنفرانس ((پـه نـړۍ کـې ټـول ژوندي موجودات او په ځانګړې توګه د هغوی ژوند کول او اوسیدل)) (۲۰۱۰ او تر هغـه وروسـته). پـه دې کنفـرانس کښـې د ۸۰ هیوادونـو د چاپیریال ساتنې لوړپوړو چارواکو برخه درلوده.

۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په ګدانسک ښارکې د میډیا ۲۴ لخوا چې مرکز یې په سویس کې دی، د فنلند هیواد د بهرنیـو چـارو وزارت پـه مـالي مرسـته د ((د اوبـو د بیځایـه مصرـف مخنیوي)) ترنامـه لانـدي ورکشـاپ او کـانفرانس چـې د ۱۷ هیوادونـو ژورنالسـتان وربلـل شـوی وو او د ژورنالسـتانو د شخصـې روزنـې او معلوماتو له پاره جوړشوی وو.

۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نیټې پورې د ملګروملتو او د ناروې د حکومت له لوری د ((ټولو ژوندي موجوداتـو سـاتنه او د دوامـدارې پرمختیا له پاره کارکول)) تر نامه لاندي د نـاروي هیـواد ترونـدهایم پـه ښار کې علمي کنفرانس.

د دې پورته یادو شویو کنفرانسونو تر څنګ په ډېرو افغاني غونډو کـې چې په امریکا، انګلستان، جرمني، نـاروې، سـویډن او نوروهیـوادو کـې جوړې سوي، فعاله برخه اخیستې ده.

د بزګرصاحب سره نړیوالو راډیوګانو لکه بی بـی سـی پښـتو او فارسـی، امریکا غږ پښتو او دری، ازادی رادیو، د فرانسې نړیوالـه راډیـو فارسـی، المان غږ دویچـې ویلـې پښـتو رادیـو سره پـه سـلګونو سـیاسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزګر صـاحب سره د افغانسـتان د ورځنیـو سیاسي، پوځی حالاتو په اړوند ډېـرې مرکـې سـوي چـې پـه نـارویژي اخبـارونو، راډیـو او تلویزیونونـو برسـیره پـه یـو شـمیر افغـاني مجلـو، اخبارونو او ویبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوی دی.

د ښاغلی محمد طارق بزګر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انګلیسي، نارویژي باندي پـوره پـوهیږي؛ خـود دې ژبـو ترڅنـګ یـوه اندازه په عربي ژبه هم پوهیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو پـه اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، درى، اردو، انګليس او نارويژي ژبو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزګر صاحب وايي د کتابونو ټولولوسره له ډير پخوا مينه او علاقه لري. همدا ډول پـه زرګونو انځورونو، ويډيوئې کسټونو، سى ډي او کسټونو چې پـه ټولوکښې د افغانستان پـه اړونـد معلومات راټـول سـوى د بزګرصاحب د کـورنۍ کتابتون يوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنګي فعاليتونو په څنګ کې پر څو کتابونو کـار کـوي چې ځيني يې تقريباً بشپړ او يو شمير به ئې وروسته د چاپ جوګه شي.

د بېلګې په توګه:

۱/ نارويژى پښتو ډيکشنرى چې تـر اوسه((۲۵۰۰۰)) لغتونه پکښې راغونډ شوى دى.

۲/ پښتو((۱۰۰۰)) لنډۍ د انګليسي له ژباړې او تشريح سره.

۳/ پښتو((۱۰۰۰)) متلونه د انګليسي له ژباړې سره.

۴/ د دعوت د خپروشوو ليکنو او مرکو کتابونه د کلکسيون په بڼه.

دولتي دندې:

بزګر صاحب زما ديوې پوښتنې په ځواب کې راته وويل: اوس د ناروې د دولتي ټلويزيون (nrk) سره په ځينو پـروژو کـې برخه اخلم او کـار ورسره کوم. د دې تر څنګ د ناروې د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توګه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تليفون لـه ليـارې کلـه ناکلـه ترجمه هم کوي.

ستاينليکونه:

بزګر صاحب دخپل فرهنګي چوپړ په درشل کښې د امريکا پـه شـمالي کليفورنيا کې افغاني کلتوري ټولنه، پـه جرمنـي کښې د افغانستان د کلتورى ودې ټولنې، په امريکاکښې نور ټلويزيون او سويډن د مالمو په ښارکښې د دوستۍ فرهنګى ټولنې لـه خـوا پـه ستاينليکونو سره نـازول سوى او درناوى ئې سوئ دي.

کورنۍ ژوند:

ښاغلي بزګر د يوې پوښتنې په جواب کښې راته وويل چې درې ورونـه او څلور خويندې لرم. هغه زياته کړه دوه ورونه مې ډاکتران او يـو بـل

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورور مې د عربي ژبې او ادبیاتو څانګه کښې لوړې زده کړې لري او پدې برخه کې کارکوي.
د افغاني دود او دستور له مخې مې د بزګر صاحب د پتمنو خویندو د ژوند د څرنګوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه یم چې هغوئ هم د تعلیم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښې خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.
بزګر صاحب واده کړی او د ګډ کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خداي څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵کلن، لور یې اغلې مینه جانه ۱۴ کلنه، اباسین جان ۱۰کلن او کشری زوی ئې سمون جان یونیم کلن دی.
ماته له بزګر صاحب سره په اړیکو کښې دا څرګنده سوې چې بزګر یو پټ خولی، مؤدب انسان په توګه هیڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورګډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډېر دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډېرو ساده او خوږو کلیمو جواب وايي. یوخوږ مجلسه سړی دي.
هغه یوله هغو علمي او فرهنګی څېرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقیو، ژبني، مذهبی او منطقوي توپیر سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم یوځاي ورسره ګډون کړی، د یوه درانه او صابر نظر خاوندپه توګه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښې ئې په ډېرو ادبیانه جملو او له فرهنګی اخلاقو نه په ډکې روحیې سره د اړونده مسلې په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په یادېږي چې د یوشمیر په اصطلاح پوهانو او لیکوالو په څیر دې دیوال ته سرټمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او یا د ترېبون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په یوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو څښتن په توګه پر موږ ټولو هغو چې پېژنویې د یوه درانه شخصیت په توګه ګران او د قدر وړ شخصیت دی؛ ځکه خو پدې ډاډه یم چې بزګر صاحب به زموږ په ټولنه کښې دیوې وتلې او زړه وري فرهنګی څېرې

(c) ketabton.com: The Digital Library

په توګه د تل لپاره د افغان ولس په څنګ کښي د درناوي وړ شخصیت پاته وي.
ښاغلي بزګر د خپل نه ستړي کېدونکي زیار او زحمت پـه پایلـه کښـي زیات علمی، ادبي او فرهنګي اثار د دعوت خپرونـي لـه لاري زمـوږ د جګړه ځپلی هیواد راتلونکو نسلونو ته دیوې علمـي او ادبي پـانګي پـه توګه په پنځوسو هیوادو کې د افغانسـتان د اوسـنیو او راتلونکـو حـالاتو مینه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پټې خزانې او زموږ د هیواد د لیکوالو او سیاست پوهانو له معقولو نظریاتو او اندېښنو نه څنګه او په کومه ښه د هیواد د روښـانه راتلـونکې په موخه استفاده کوي.
دعوت ویبپاڼې اوس د افغان ولس په ځانګړې توګه زمو د پوره پوهاوی په موخه په یو ډیر عـالي ابتکـار لاس پـوري کـړئ؛ هغـه دا چـې پـدې وروستیو کې زموږ د هیواد یو شمیر پوهانو سره په دوامداره توګه مرکـې خپروي. زه پدې باور یم چې له دې لاري به دعوت وکولای سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظریات او وړاندیزونه په ښه توګه ور ورسوي.
د هیواد پداسي نازکو شرایطو او ترینګلو حالاتوکې چې زمـوږ ولـس د یو سخت ازمون پر ډګر ولاړ دي، دا ملت د دوستی په جامه کښي د بېلا بیلـو زبرځواکـو د دښـمنیو او ډول ډول دسیسـو لـه سـختو سـېلابونو او توفـانونوسره مخـامخ دی، اړینــه ده چـــې د هیـــواد د داسي ځوانــو شخصیتونو درناوی وشې او هغوي د ټول افغانستان په ګټه نور هم مـلي چوپړ ته وهڅول سي.
زه دیوه افغان په توګـه د ځـوان نسـل سره د افغـاني مینـې او د دوئ پـه وړاندي د مسوولیت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د لیکنو په وسیله ور په یاد کړم چې تاسو پیـاوړي پوهـان، لیکـوال او څیړونکي لرئ؛ د هغوئ عزت که بل څوک نـه کـوي، تاسـو ئي بایـد د خپلو عادي ساده او لږو امکاناتو په لرلوسره وکړئ. هغه دا چـې د دوي په ویاړ او د دوي پر لیکل شوو اثارو باندې ځانونه پوه اوبیا د بحث پـه نامه یو په بل پسې غونډې جوړي کړئ او پدې غونـډو کښـې دوي تـه بلنه ورکړئ او د دوئ نه وغواړئ چي ستاسو سره پر یـوه کمبلـه او یـوه

(c) ketabton.com: The Digital Library

چوتره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پيرزوينو ونازوي.
د خپل هيواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتي او نالوستوب به زموږ ټولنه تر يوې بلې پېړۍ پوري هم د گاونډيانو او نړيوالو د اقتصادي، سياسي، ټولنيز او فرهنگی ستم او تيري لاندې وساتي.
په گران او سوځېدلي افغانستان کښې د علم، پوهي او خپل منځی مينې او محبت زياتېدو لورته د پياوړو گامونو د پورته کېدو اوخپل هيواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصيت د ستاينې او هڅونې په هيله.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ريښتني شخصيت

محمد نقيب تره خيل

محمد طارق بزگر له تنکۍ ځواني پـدې بـاور وه چـې تفکـر د معرفـت او معرفت د هدايت او هدايت د رضايت، قناعت او د ريښتنی شخصيت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پيسو گټلو پر ځای د علم گټـل خـوښ کـړل. معرفت هاغه د معنويت واټ ته هدايت کړ، هدايت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنگ وي. او بل که د قـدرت پـه وخـت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بيا مستي او هوس زېږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله يې ظلم او استبداد زېږيږي.

هر څومره چې د ټولنې منوره او حاکمه طبقه رياکاره، خودخـواه او جاطلبـه کېږي، بيا هم هغومره فتنه او فساد زېږوي، څنگـه چـې همداسـې پـه افغـان ټولنه کې وشول اولا هم کېږي. يو شمير کسانو په دا ۴۰ کـالو کـې د هېـواد دننه او بهر په لس هـاوو گوندونـه- تنظيمونـه پـه سـل هـاوو ادبي- فرهنگـي کولتوري ټولني د هيواد، اسلام، انسـان او قـوم پـالني ترنامـه لانـدي جـوړې کړی دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوئ د ثـروت، شـهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سياسي دفترونه د اسلاميت، انسـانيت او قوميت پلورنې هټۍ گرځولي. له همدې لاملـه د ارزښـتنو پلـورل د اکـثرو افغانانو عادت شوی. له ټـولنې حيـا کـډه شـوی او بېشرمـي پـه کـې معـاف شوی. همدا د ارزښتونو سـوداگر پـه جـبر او ظلـم ثـروت او قـدرت ترلاسـه کوي. بيا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کيږي. د سلطنت له مرگ سره يې د شخصت مرگ جوخت وي.

دا منلې او عملي شوې وينا که انسان قدرت تـه پـه گونـډو نشي- ثـروت تـه خامخا تسليميږي. بزگر هـم د ابـراهيم ابـن ادهـم غونـدې د خپـل مضـبوط ايمان پر باور او د نفسي سپېڅلتيا په قوت پورتنې وينا د خپل ځان په اړونـد باطله کړې.

ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پـر مقصـد د مکي معظمې پر قصد پرېښود. ډېـر کلونـه وروسـته د بحـر پـه څنـډه ادهـم خپلې څېرې او شړېدلې جامې گنډلې، پـر آس سـپورکس يـې تـر څنـگ تېرېږي، ورته ځير گورې پېژني يې چې زه خو د دې سلطان يو وخت وزيـر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وم. ورکښته کېږي او ادب يې کوي، ورته وايي اِې سلطانه! ولې دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصيبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وايي، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهيم ستنه بحر ته گذاره وي، بيا غږ کوي، راکړه ستن مې، يو زر کبان له اوبو سرونه اوچتوي او د سرو زرو ستنې په شونډو کې نيولي وي. وايي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شېبه وروسته هم هغه ستنه يو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، يو يهودې هلک له خپل سپي سره ورپسې په تعقيب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تميږي. خو څه وخت چې ابراهيم د ناستو کسانو خواته رسيږي، دا هلک پرې داسې غږ کوي: اې بوډا! دا ستا ږيره ښکلې ده، که زما د سپي لکۍ؟ هاغه ورته وايي زويه! که مې دا ږيره د خدای لپاره نه د ريا لپاره پرې ايښې وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکۍ دې ښکلې ده او که په جنت کې يم بيا نو زما ږيره ښکلې ده، هلک ډومبې خجالتيږي، بيا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کېږي.

بزگر صيب هم د ناروې په هستۍ او د ځوانۍ په مستي کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ريښتني خدمت په نسبت بابيزه وگڼل. تر څنگ يې د حق په پلوې او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنيز سنگرجوړ کړ. يقيناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقيقت لار موندلې وي. د دعوت رسنۍ د بزگر ريښتينولي او يومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهيم د ادهم اولادې ته د پلار ميراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصيت مشروعيت د سلطنت له درباره اخيستی وه. نو د سلطنت له بايللو سره جوخت بېشخصيته هم شول، خو ابراهيم چې يو سر او دوه غوږه نوم ورکې مکې ته راغلی وه، او د پوهې په رڼا د عقيدې په مضبوطتيا د نفس په سپېڅلتيا د مهره بانه او عادل زړه په لرولو يې خپل کوچني او لنډ عمره شخصيت ستر او تلپاتې کړ. د دې تر څنگ يې آن د کورني مړ شخصيت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقيقي شخصيت ښه ښيي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د بزگر شخصيت دعـوت دي او دعـوت د پـوهۍ او کولتـور مرکـز نـن هـم ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی طارق بزګر چې زه يې پيژنم

قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلې بزګر له ډېر وړوکوالي پيژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.

ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی يې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننګونو تيريږي په داسې حال کې دي چې د قلم جهاد او غورځنګ د ټوپک او زور له غورځنګه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلي بزګر د دې سنګر ډېر تکړه او سپيڅلي مبارز دی.

زه ښاغلي بزګر له ډېرې زمانې راپيژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د ليکنې چم يې راښودلی دی او تل يې هڅولی يم. اوس هم چې کله په ټليفون سره غږيږو، نو له کورني احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې يو څه وليکه. هيڅکله يې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهيږم يا دا څه چې دې ليکلي دي غلط يا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هيڅکله نشم رسيدلای او د دوی په وړاندې ليکنه به لکه لمر ته چې شمع ږدی، خو تل يې هڅولی يم. لارښود مې دی ځکه چې تل يې افغانستان لومړی ساتلی او هيڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغېزمن شوی او دا درس يې راکړی چې بچيه! تل دا هېواد لومړی وګڼه. د اشخاصو او شخصي ګټو لپاره ملي ګټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې يې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پېژندل او له خپل اولاد يې کم نه يم ګڼلی. زما په ښه تربيه او روزنه کې يې فعاله ونډه اخيستې ده.

افغانان تل په درانه خوب ويده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپوږمۍ لنډه ښکاري او د مريخ او نورو سيارو غمونو پسې يې راخيستی، موږ خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له دريېمې برخې زيات نفوس مو بيسواده دی. له سياسي او ټولنيزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو ببولالې وايي او ملت لدې خوب څخه راويښولو لپاره هم ډېر خلک نه ګرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې يا يې لدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

خاورې پښې سپکې کړي او یا دلته د خپلو جیبونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچیانو ساتلي دي. زموږ د تاریخ یوه لنډه داده چې تل یې رزمي او جنګي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امیر کروړ دی، بایزید روښان دی او آن نږدې سید جمال الدین افغان، پر دې یو هم داسې مؤثق او تاریخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته باید دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راویښولو لپاره نه ستړې کیدونکې هلې ځلې کوي.

له کومې ورځې چې مې لیک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهیسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکی یې یم. تل یې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم یې خوړلی دی. په نننې سیاسي چاپېریال کې چې نړیوالو د افغانانو سیاسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته راړولو په خاطر په سلګونه راډیوګانې، ټلویزونونه او خپرونې پیل کړي دي، له هر وخت زیات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسیږي.

ښاغلي بزګر مې خپل دی. د کورنۍ غړې مو دی او زه ویاړم چې په کورنۍ کې داسې ننګیالي لرو. زه نه غواړم چې ووایم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته یو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وایم، چې زه نن څه یم په هغې کې د بزګر صاحب ډېره لویه ونډه ده، او د ژوند تر اخیري سلګۍ به یې زه احسانمند او منندوی واوسم، او دلته زما له لیکنې هدف هم شخصي درناوی او مننه ده، او هم د دې ملت د یوه خوار غریب بچي په حیث مننه چې دې ملت د مفکورو په روښانولو کې یې نه ستړې کیدونکې هلې ځلې کړې دي.

له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزګر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره یې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره یې خپله پوهه او احساس راتلونکې نسل ته لیږدولي دی، چې ښه بیلګه یې د ځوانانو دې ټولنې دا احساس دی چې خپل ننګیالي ونازوي.

په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزګر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را میدان ته شي او پخپله ورته یوازې آسانتیاوې برابروي او شاته یې دریږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې ورته لاډېرې برياوې غواړم، او ښه متيقن يم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی يې درويشت کاله وړاندې تهداب اېښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره يې د ثواب او سرلوړۍ يوه دوامداره او تلپاتې سرچينه پرېښې ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر ګران ښاغلی د قدر وړ بزګر صاحب!

محمد سرور وکيلي

زما د مينې او وروړګلوۍ ډک سلامونه او پېرزوني ومنۍ!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه ياد دي،چي له دې خپره وني سره سم په ډېرو بهرنيو هېوادو کي نورو خپرونو هم پيل وکړ، خو ډېرو يې سقوط وکړ او ځينو يې چي شاته ګوندي پلوي اقتصادي تکيه لرله
د سياست له مخي د هغې سياسي تکيي څخه يې مالي مرسته ترلاسه کول او ترلاسه کوي يې؛ نو بېخي ډېر لږ يې پاته دي؛ خو د دعوت خپرونه يوازي او يوازي ستاسو په عالي ابتکار، زيار او مالي لګښت مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.
ماچي د دعوت په خوږې خپرونه کي کوم شی ليکه نو مي تل پر پښتنو ليکوالانو د اړغ کاوه، چي د دعوت له خوږې خپروني سره مرسته وکړۍ، ځکه دا مالي بار پريوه کس باندي ډېر دی او دا خپرونه زموږ ده؛ خو تاسو د دغو ټولو ربړونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چي نن او سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل پښتني غيرت او ژورناليستۍ واک په يوازي سر تر دغه ځايه را ورسوله. تاسو رښتيا هم چي د قدر وړ او د ستايني وړ ياست. خدای(ج) دي له هري بلا، افت، ناروغۍ او خوارۍ نه وژغوره. امين!

په ادبي درنښت

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمد طارق بزګر ته!

امرالدين سرحد

منډې يې وهلې يو پښتون په کلي کور کښې
دا يې وويل: چې لر و بر سوځي په اور کښې
ماتړی اوريدلي په غوږو مې يو خبر دی
نوی راختلی ښکلی ستوری لکه لمر دی
راشی زمونږ انګړ ته په جرګو په مرکو شو
موټی شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډيرو واوريدلي دا خبري خونده وري وې
لاره يې روښانه لر و بر يې دا منلي وې
خلکو ورته وويل مالومه دی نن لاره کړه
فکر دی کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دی مونږ ته بيان شو وويل: دا مې قسم دی
وينه کی ده مينه دغه ځان مې د وطن دی
دعا وشوه د خلکو چې «بزګر» دی ژر په کار شی
جوړ دی کړی «دعوت» چې ويجاړ کلی زمونږ ښار شی
خپلو غمځپلو ته خدمت، ضمير مجبور کړ
ژوند د زمانی او حوادثو دئ مدير کړ
اوس نو مونږه لولو د «عوت» د زړه کيسي
تير شو يو لوی عمر په «بزګر» خوږي ترخي
تل دی د «دعوت» ډيوه روښانه وي
وړانګې يې تودي مخ يې ځلانده وي

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش مردی که قلم را نفروخت!

(بزرگداشت جناب بزگر و رسانهء دعوت)

استاد کم باور کابلی

همرنگ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردی ز گرامی یادگاران
بر خرمن ناکسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگاری
پاکیزه و ناب همچو باران!
کم زاد خجسته ای چو «طارق»
گیتی، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بیند!
آزاده گی اش، زیان نه بیند

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ګرانې ملي فرهنګي څېرې طارق بزګر نمانځغونډې ته زما پيرزوينې

پوهنمل رحمت څواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل يوه شعر پيلوم:

لکه تيږه د بيابان تل په يو حال يم
ونه، نه يم چې بدله په موسم شم
سر به هيڅ د مريتوب چاته ټيټ نه کړم
که سوری سوری په غشو د رستم شم
وا به نه وړم د ښايست له پرستشه
که لاهو په اباسين يا په جېلم شم
که غمونه د جانان همدا کانې کړي
وچ صورت به لکه کړکې د چلم شم
خپله وينه مې ښښلې ده مظلوم ته
که په ژوند چرته ملګرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوېدن کې د زلمو پاڅون ټولنه له يوې وتلې او نامتو فرهنګي او ملي څېرې محمد طارق بزګر او د هغه د فرهنګي کار او زيار ستاينه او يادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړی ټولنې ته کور ودانې وايم چې ښه انتخاب، پر ځای انتخاب او پر وخت يې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته يې غونډه رابللې، چې خدای ذاتي دروندوالې هم وربخښلې او په يوازې ځان کلونه ستر ملی خدمت او دروند تاريخي رسالت سرته رسوي.

تر کومه ځايه چې زه ګران بزګر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظريات د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له ډېرې درنه ملي - فرهنګي څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنګ بدلولو، ځان کږولو، لار چپولو، ځان درنولو او وخت تېرولو د دې وروستې مهال په دې دريوو لسيزو کې ډېرې ستری فرهنګې ستې وښويدې، بدرنګې شوې، له ملي ګټو په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګ شوې او له موسمونو سره هم رنګې شوې، خو فکر کوم طارق بزګر تر اوسه له تېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلې او د خپلو ملي- اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترڅنګ ولاړ دې.
دې دا دوه لسیزې اخبار، د سوداګرۍ او ګټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پاڼې په هسې ببولالو نه رنګوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاریخي او جنګځپلې هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپین ته سپین، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وایې. دی په همدې لاره روان دې. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره یې یوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مریان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالي او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېګڼې لپاره شوګیرونه ګالي، زیار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتیا هم د زیاتې ستاینې او درناوي وړ دې.
زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو ستړیاوو، شوګېرونو او ملي فرهنګې هڅو ته د تعظیم او درناوي لاس په ټټر ږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سیدجمال الدین له ټاټوبې راټوکېدلې دغې فرهنګې څېرې ته د سترو ملي فرهنګي کړنو د تر سره کولو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دویم څپرکی:
دعوت

رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون دیگری بود که در ورایش فداکاری و ایثار، بار دیگر وجاهت و حیثیت یک ملت با پیشینه را آشکار می کنند. در آن سالیان، هرچند واژه گانی که بار معنایی «درد» داشتند، در روایت حال مردم، جزو ادبیات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبوری ایستاده گی، از حافظه ی تاریخی محروم نمی کند. جبهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و میهن، به ایثار می کشیدند.

مقاطعی اند که در بُرش آن ها گاه بُریده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو میراث های پُرشکوه تاریخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هایی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ریسک کرده بودند.

دشواری رویایی با یک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر این، بسط مفاهیم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جبهات، طیف دیگری از افغانان مجاهد را تشویق می کرد تا با کار فکری، فرهنگی و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هایی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزگر را به جا نمی آوردم. از روی تصادف، یافت نشر مضامینم در سایت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت میدیا ۲۴» شد، مرا با یکی از سرد و گرم چشیده گان سالیان ایثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من با شهرت «بزگر» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خـانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت مـا، آزمـون دیگـری سـپری شـود کـه در تنـازع فرهنگـی آن، ثقلـت و دشـواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته هـای فکـری ام را تقـدیم مـی کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شـان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصـل مـی دانـد، بیشـتر مـی شـود، در بسـتر مطمـئن ایـن حـدود بـه خانواده ی بزگر ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت مـی مـانم و بـرای بزگـر هـا توفیـق بیشـتر مـی خـواهم کـه پیشـه ی آنـان(بزگر) در زمینه ی ملک و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغز ها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشـیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خپروني نهه ویشتمي کالیزې په ویاړ

سراج الحق ببرک زی ځدراڼ

دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز او د دعوت میډیا څلرویشت ویبپاڼې مسئوول مدیر یوه وړه ارزونه ډله ییزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل گرځیدلي دي.

ډله ییزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دی. موږ هره ورځ د راډیو، ټلویزیون، اخبار، میلفون، لیپ ټاپ او د انټرنیټ نړۍله لارې د رسنیو تر اغیزلاندې یو. ډله ییزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سر چیني په څېر خپل رول لوبوي.

رسنۍ د انسانانو په سیاسي اند جوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري. سیاست پر رسنۍ او رسنۍ پر سیاست باندې نېغ په نېغه اغېز لري. سیاست او رسنۍ پر یو بل باندې په دوه اړخیزه توگه اتکأ لري.

ژورنالیست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسئوولیت ور په برخه کړل شوي دی. لیکوال او رسنوال د ولس غږ او سترگې دي. د خبریال یا ژورنالیست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبریال د خپلې ژورنالستیکې دندې په تر سره کولو کې څه رنگه خپلې موخې تعقیبوي، څومره پاک انساني نیت او څه ډول ملي احساس لري.

په دې کې هیڅ شک و شوبیان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنیزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو لیکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودې ټولنو او اکاډېمیکو بنسټونو او همدارنگه د اکاډېمیکو روڼ اندو، سیاسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړې دولتي چارواکو تر منځ د سیاست، اقتصاد، روغتیا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډگر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سیاسي فکرونو تر منځ اړیکې، د تاریخي پېښو، تجربو، د ازمیښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې یو ستر پلټ فورم او یو ویاړمن مرکزي رول لوبوي.

د دعوت خپروني محتویاتو او منځپانگې په ستره لمن کې تل د انسانیت، افغانیت، اسلامیت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکمیت، ملي گټو، د بیان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلې کوډکسونو ته جدي پام کېږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت هره ګڼه د افغانستان ملي ګټو په چوکاټ کې دې ټولمنلي ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئوول احساس کړي او یا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.

دعوت خپروني د هر ډول کرکې، تعصب، تبعیض او پارووونکي لیکنو څخه ځان لرې ساتلي دی. د د عوت په اخبار کې هر افغان ته چې د ملي فکر خاوند وي، له کرکې، تبعیض او تعصب څخه پاک وي، د افغانستان ملي ګټو، ملي اسلامي ارزښتونو او ارمانو ته ژمن وي، نه یوازې ځای شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډیر څه لري.

د عوت میډیا څلرویشت ویبپاڼه:

اټکل له پینځه سووکلونو راهیسې اخبار په نړۍ کې شتون لري، د وخت په تیریدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتیاو کې په پر لپسې توګه بدلونونه راغلي دي.

د نړۍ ډله ییزو رسنیو نوې پرمختګونو ته په کتو سره داسې بریښې چې په نږدې راتلونکې کې به چاپي رسنۍ په ځانګړې توګه چاپي اخبارونه د خپل ژورنالیستکي کیفیت سره سره له منځه ولاړل شي. له بل پلوه د مولتي میډیا یا ډله ییزو رسنیو شونتیاوې چې د انټرنیت له لارې په بریښنایي ډیجیټل بڼه خپریږي، د ژورنالیزم کیفیت ته نوې چانسونه ور په برخه کړي.

تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنیو کې اخبارونه تر ټولو کره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چینې ګڼلې کیږي. اخبارونه له ډیر پخوا څخه خلکو ته د لارښووني او د اعتبار وړ خبرې سر چینې ګڼلې شوي دي.

د یوه اخبار یا مهالنې ځانګړي راز په دې کې نغښتي دی، کله چې اخبار کوم مالومات یا ټولنیز ارزښتونه خلکو ته وړاندې کوي، لوستونکي هڅه کوي په دغه ټولنیزو ارزښتونو کې د خپلوي یو ګڼه احساس ومومي. له دې سره د اخبار لوستونکی په راتلونکي کې د ټولنې د لوړې پرګنې یا ممتاز قشر- سره په فکري ډګر کې ځان ګڼه محسوسوي.

د دعوت میډیا ویبپاڼه بېلابېل په زړه پورې سیاسي او ټولنیز علمي مالومات خپروي. دا ویبپاڼه اوس په سلګونو، زرګونو لوستونکي او

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې ويبپاڼه کې د سياسي او ټولنيزو مسايلو تر څنگ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.

د دعوت مهالنې سره زما پېژندگلوي:

کله چې په ۱۹۸۸ کال کې د دعوت اخبار په خپرونو پيل وکړو. د هيواد په دننه او بهر کې د چاپيدونکو آزادو خپرونو کچه څښته ډېره ټيټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هيواد کې خپرونې پيل کړې وې. زه هغه مهال يو کال مخکې تر دې نيټې د خپل گران هيواد له پلازمېنې کابل څخه پيښور ته او بيا المان ته تازه کډوال شوي وم، په لومړي ځل يو دوست ما ته د دعوت اخبار يوه گڼه په پوسته کې راوليږله. په ليک کې داسې هم ليکلي و، کله چې تا دا اخبار ولوست بيا بيرته راوليږه او يا يو بل افغان ته يې د لوستلو لپاره ورکړه.

د المان د کډوالۍ په لومړيو کلونو کې زما سره د اخبار د گډون پيسې هم نه وې. اټکل درې يا څلور کاله ورسته مې د دعوت په اخبار کې گډون وکړو او بيا مې خپله قلمي همکاري هم ورسره پيل کړه.

زما په اند، دعوت خپله منځپانگه، محتويات او کاري کيفيت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي گټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ټرمينالوجيکي ارزښتونو، ملي او سياسي سېمبولونو ته دعوتوي.

د دعوت مهالنۍ علمي څېړنيزه ليکنې، تاريخي ادبي مضامين، د افغان لوړ پوړې سياسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصيتونو، د نظر خاوندانو خبرې اترې، مرکې، د اقتصاد، روغتيا او چاپيريال په هکله هر اړخيزه مالومات، په ځانگړي توگه د افغانانو د لسيزو ناورينونو او خونړې جگړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د يووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولنې بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړيوالو منلي شوي معيارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هيواد پالنې او د هيوادنۍ مينې يوه بله ډيوه گرځيدلې ده.

دعوت، ډيرې علمي، سياسي، تحقيقاتي، څېړنيزه او تحليلي ليکنې خپروي، د بيان او د آزاد فکر ژمندويي کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحيې او سياسي وېښ شعور د پنځيولو او جگيولو هڅې کوي. په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ټولیزه ټوګه دې ټکو ته په کتو سره د دعوت خپلواکه رسنیو مرکز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي یووالي، تلپاتي سولې او ملي امن نظم ته را بولي.
د دعوت مهالنۍ زما ځکه خوښیږي چې یوه بې پرې او ناپییلې خپرونه ده او د هیڅ یو سیاسي ګوند او هیڅ یوې ډلې تپلې ته پروپاګند او تبلیغات نه کوي. دعوت ملي ورورولۍ، سولې او ملي پخلاینه لپاره نه ستړي کیدونکي هلې ځلې کوي.
ډیره د خوښې خبره ده، چې دعوت خپرونې خپل ۲۹ کلونه د افغان کډوالو په چوپړ کې تیر کړي دي. د دعوت خپرونې اروپا، امریکا، اسیا، افریقا او استرالیا پورې خپلو مینه والو ته رسیږي.
د دعوت مهالنۍ او د عوت میډیا ۲۴ ویبپاڼې مسوول مدیر کاري فعالیت ته له لرې یوه لنډه کتنه:
بزګر صیب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، میلمه پالنه، د خوښې او خپګان سره مل ژوند لري. بزګر صیب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سربیره ښایي په اټکلي او اوسط ډول د دعوت اخبار د لیکلو، ډیزاینولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستي له لارې لیږلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دریو نه تر څلور ساعتونو پورې کار کړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو په ورځو کې ضرب کړو. موږ ته پته لګیږي، چې بزګر صیب د دعوت اخبار چلولو ته د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړیا کار کړي دی.
د دعوت اخبار کې مو دا هم لوستلي، چې بزګر صیب د افغانستان د سیاسي مسایلو د څیړلو، د افغان غمیزې او جګړې د حل لارې چارې لټولو په موخه ډیرو هیوادونو ته د سیاسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرګونه کیلو متره لرې سفرونه کړی دي.
زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نیوکو مستحق یواځې هغه څوک کیدای شی، چې دی د کډوالۍ په شرایطو کې د رسنوالۍ دنده لا نوره ښه او بهتره ترسره کولې شي.
د دعوت مهالني ډیزاین او تخنیکي چارې همدرانګه د څرنګوالي په برخه کې ښایي د ځینو په سترګو کې کمزور تیاوې شتون ولري. دا باید

(c) ketabton.com: The Digital Library

په یاد ولرو،چې اوس د دعوت مسئوول مدیر نور یو بې تجربې او غیر مسلکي سړی نه ګڼل کیږي.

زه هیله من یم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعالیت په دوامداره توګه وساتي او په ټولو افغانانو په ټینګار سره غږ کوم، چې د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډیره اړتیا لري.

د دعوت د معتبرې مهالنۍ د فعالیت، پایښت او بنې په اړه یو وړاندیز:

د دعوت خپروني مسئوولین که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړیوال ډیجیټل ډله ییزو رسنیو پرمختګونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چې د خپلې خپروني بڼه یوې چاپي مجلې ته واړوي. دغه نوې میاشتنۍ مجله باید په هره دوه یا دریو میاشتو کې په یوه ښکلي ډیزاین کې چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کې سیاسي، فلسفي، اقتصادي، روغتیایي، چاپریال ساتني، ټولنیز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامین د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي لیکنې څېړنې او ارزوني خپرې شي. د دعوت مجله باید څان ته خپل لیکوال ومومي، څو د هرې مسلکي څانګې په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د یوې څانګړي موضوع په اړه نوې علمي لیکنې وکړي او د دې لیکنو امتیاز یواځې او یواځې د همدې مجلې سره محفوظ وساتل شي. مجله باید په ډېر ښکلي ډیزاین او رنګه انځورونو کې خپره شي. مجلې ته په پیل کې یوه ارزانه بیه وټاکل شي، دغه نوې مجله باید د افغانستان او د نړۍ په ګوټ ګوټ کې د افغانانو په کولتوري مرکزونو کې وپلورل شي. دا مجله باید د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډېر شپیګل، امریکایي مجله ټایمز او د جیوپولیټیک مجلې ته ورته وده وکړي.

د دعوت خپروني نوویشتمي کالیزې په ویاړ:

زه د یو لو ستونکي په ټوګه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او بریاوې لوړې ارزوم او د زړه له کومي یې ستایم. حالاتو ته په کتو سره فعالیت ډېر مثبت او عالي ارزوم، د امتیاز څښتن او درنو چلوونکو ته د دې خپروني د ۲۹ مې کالیزې د رارسیدو په ویاړ مبارکي وایم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زما په اند د چاپي رسنيو څېړنيزخبريال بزګر صيب اوسپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ځکه دي، چې په کډوالۍ کې يې دغه رسنيزه بنسټ په خپل وس او توان سره په سمه او بريالي توګه مديريت کړي او تر ډيره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

ښاغلي بزګر ته د وياړ او خوښې ځای دې چې دعوت مهالنۍ وکولای شول د ډيرو اقتصادي ستونزو او لږو مالي مرستو سره سره د افغانانو د ګډوالي په اوږده تاريخ کې د خپل بې پرېوالي تګلارې پر بنسټ د يو ملي تاريخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهر کې د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک ګرځيدلی دی. د دعوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندې يا د افغاني ټولنې لوړ پوړي پرګنې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو ګډ کور ګڼي، ځکه يې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم ګټلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به مناسبت۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر

کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستانی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸-۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجلهؤ دعوت وسایت دعوت میدیا، صرف کرده است. ۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورندۀ شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساختهء وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می‌آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

(c) ketabton.com: The Digital Library

می کند واگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از درِ خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسَان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصهٔ زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند. مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آیندۀ جامعه معرفی کرد.

جوانان نیزعلاقمند اند تا از کرکتر و کارنامهٔ آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کژی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطندوستی از آزمون زمان موفقانه عبورکرده باشند،

(c) ketabton.com: The Digital Library

نخبه گانی استند که مایۀ افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمرهء خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نکونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزگر، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزگر، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

کُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پرآب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایهء حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزگر، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانوادهء منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی به دنیا آمد و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

(c) ketabton.com: The Digital Library

همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شـنید و آموخـت. بزگـر وقتی قدم به سن جوانی گذاشـت و نزدیـک بـود صـنف یـازدهم لیسـهٔ نادریه کابل را تمام کند و بقیهء پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متاسفانه که تجاوز اتحـاد شـوروی برکشـورش، او را از آغـوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هـزاران تـن دیگـر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور رفت. در آن جا دروسش را ادامه داد و در رشتهء علوم سیاسی و اسلام از اسلامیه کالج و پوهنتون پشاور لیسانس گرفت و در حـالی کـه ۲۱ یـا ۲۲ سـال عمـر داشـت، بـه کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور نـاروی بـه حیـث یـک مهـاجر افغـان از حمایت های اجتماعی و فرهنگـی کشـور نـاوری برخـوردار شـد، و در رشـتهء کمپیـوتر و میـدیا و کمیونیکیشـن (مطبوعـات و ارتباطـات) بـه تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشتهء ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربهء زیات بـوده و در عرصهء ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کـرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشتهء ژورنالیزم خـویش را تقویـت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صـدد برآمـد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون عـلاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعـی، خـود را بـا دانـش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سـال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجلهء ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته اسـت که کار نشراتی مجلهء دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دیـد آن را بـرای هموطنـان نزدیـک خـود ابتـدا در کشـور هـای

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود بپردازد.

به تدریج علاقه مندان دعوت در کشور های دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.

با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.

آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینك از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسوول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحیث یك افغان وطندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمـر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ښکلي مجله او ښکلي پاڼه

عبدالغفار جُبير

د ((دعوت)) مجلي او ويب پاڼي مؤسس ښاغلی مشر ـ ورور محمد طارق بزگر صاحب هغه څوک دئ چي د لومړي ځل لپاره يې زما لومړی اثر (ما ولي اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لګښت سره په ۲۰۱۰ ميلادي کال کي چاپ شو، که زه په لنډو کي درته ولیکم:
((ښاغلي بزگر صاحب زه ليکوال کړم.))
ما له نن څخه ۸ يا ۹ کاله مخکي دعوت ويب پاڼي ته ليکني لېږلي، چي کله به مي يوه ليکنه ولېږله، د دوهمي ليکني لپاره به بزگر صاحب تشويق راکړ، او وبه يي هڅولم چي بله ليکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي ساينسي ـ څېړني ۱ ټوک) هم د ده په کوښښ په سويډن کي تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزگر صاحب ته دي الله جل جلاله په دنيا او آخرت کي پوره عوضونه ورکړي. (امين)
د ښاغلي محمد طارق بزگر صاحب ښکلي ويب پاڼه چي مخکي د (افغان سباوون) په نامه او بيا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره يوه هر اړخيزه او معلوماتي ويب پاڼه ده. موږ تر هر څخه مخکي همدغه ښکلي پاڼه اقلاً په ورځ کي څو څو ځلي ګورو؛ دا ځکه چي داسي ليکني پکښي شتون لري، چي په نورو ويب پاڼو کي نشته او بې بېلګي دي. اسلام، سياست، ساينس، سپورت، تاريخ ، د نړۍ هيښونکي او هر ډول ليکني، کتابونه او ويډيو ګاني پکښي شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولي پيغام، د نېکمرغۍ ولولي، د سکون ټکور، د پرمختګ لاري چاري او داسي نور اړين توکي پکښي پراته دي، نه يواځي د هغو افغانانو ولولي او احساسات منعکسوي چي په لويديځ کي اوسېږي بلکي د ګران هيواد افغانستان ورځنۍ تودي پيښي او ناخوالي هم پکښي رانغښتي دي، چي همدا د دي ښکلي پاڼي يوه ځانګړتيا ده. د بزگر صاحب په دي نړيواله پاڼه کي علاوه له دي څخه چي افغاني او اسلامي ليکني خپرېږي بلکي ازادي ليکني هم سته، چي کېداى سي همدغه ليکني په ډېرو ويب پاڼو کي شتون ونلري، چي مطلب مي دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دئ چي بزگر صاحب خپله یو تکړه نړیوال ژورنالست دی، نو تر ډېرې اندازې پورې د ژورنالیزم د اصولو مطابق د بیان ازادي یې هم پلې کړېده

دعوت خپرونه:

موږ زښته ډېرې مجلې لوستې او یا یې هم لولو، هم خارجي مجلې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله یوه بې مثله، معلوماتي او هر اړخیزه مجله ده.

بزگر صاحب موږ د ((دعوت)) مجلې هره گڼه را لیږي. کله د لیکوالانو، ادیبانو، پوهانو او علماء داسې گڼه گوڼه جوړه سي چې بیا موږ دغه مجله فوتو کاپي کړو او بیا یې تر ملگرو او دوستانو پورې رسوو، چې له دې ښکلې مجلې څخه موږ هر څه لکه: سیاست، افغانپوهنه، ادبیات، تاریخ، ساینس او نور.... رازده کړېدي. که زه په دا هر څه په یوه جمله کې را ونغاړم نو زه ویلای سم ((د دعوت مجله او ویب پاڼه یو نړیوال دائرة المعارف دی.)) الله جل جلاله دې و بزگر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چې همدا ملي ویاړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وگڼي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹م پسرلی

قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پیچلیي، د ناورینو او نانندریو ډک تاریخ کـي، نـژدی ۲۹ کلـه مختـه د نـومبر پـه میاشـت کـي، د دعـوت تـر نامـه لانـدي، محترم طارق بزګـر، د خپلـو او د خپلـو مینوالـو د احساسـاتو د بیـانولو، څرګندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخـه د عـامو ولسي ـ وګړو د خبرولو په خاطر، د فقـر او بي وطنـۍ پـه فضـا کـي، د نـاروي د هارایښ څخه، میاشتنۍ خپرونه پیل کړه. دا پـه داسي حـال کـی چـي نـه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومـره وده ورکـړل شـوي وه او نـه د اوس پـه څیر د لیږد رالیږد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوتري او یـا تیلیفـوني سـهولتونه شـتون درلـود. یـواځنی وسـایل چـی تـري ګټـه اخیستل کیده د فکس ماشـین او یـا هـم د پوسـتي خـط وه. د فکـس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چي محترم بزګر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترڅنګ د شپي تر ناوخته پوري په پوسته کي راغلي لیکونه، شـعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او ټایپ کول او بیا به یـی پـه خپلـه میاشـتنۍ خپرونه کي د خپریدو لـه پـاره امـاده کـول. هغـه وخـت دغـه څیړنیـزه سیاسي ټوله به لمړۍ چـاپ او بیـا بـه ټولـو مینـه والـو تـه د پوسـتی لـه لاري ور لیږل کیده، چي پوستي مصارف به یی هم پخپلـه د دعـوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترګو شي چي د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورتـه کولو کی لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپـل ولـس او د ولـس منوري طبقي ته د خپلی سیاسي ټولی (دعـوت) ورلیـږل د خپـل ځـان لپاره یو چلینج ګڼلی و په دي خاطر یی د خپلي هغه پانګی څخه، چـي د خپلو متو په زور یی ګټله، ډیره برخه د دعوت په چـاپ او بیـا د دي سیاسي او ټولنیزی ټولي په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوي توری تیاری سره مخ و. دهیواد پـه سـیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشـت حـاکم و. پـه سـلګونه زره انسـانان د وخت د بیرحمه حاکمانو د تیریو له لاسه د خـاورو خـوراک ګرزیـدلي

(c) ketabton.com: The Digital Library

وو. ولس مو په مختلفو گاونډیو او اروپایی هیوادو کي د مهاجر په نامه پاشل شوی و. میندی بوري شوي وی، ناوي کونډی شوي وي او کوچنیان یتیمان شوي وو او په پردیو هیوادو کی د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي څنگه یی زړه غوښتل همغسي لوبی یی پري کولي.

د هیواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چي د بهرنیو رادیوگانو خبرونه اوریدل هم مرگوني جرم گرزیدلي و. ولس د خپل هیواد په اړه د هیڅ نه خبر نه و. نه د انټرنیټ سهولت شتون درلود او نه د سپوږمکیو استانیتاوي میسري وی ترڅو ولس تري د خپل هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغیړنو او د نانندریو نه ډکو حالاتو کي د دعوت میاشتنۍ د ولس د یو شمیر منورینو له پاره د رڼا او مشال حیثیت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظریات د ولس د نورو پرگنیو سره شریک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ایښوونکي هم د ټولو تهدیدونو او گواښونو سره سره بیا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه میاشتنۍ د ټولو اقتصادي او ټولنیزو ستونزمنو شرایطو سره یو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنیټي دوران کی یی د دعوت ترنامه لاندي پاڼه هم پرانیسته چی د هیواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه یی په انگلیسي او نارویژی ژبو هم خپروني پیل کړی.

دعوت هم په انټرنیټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاریخي اوږده موده کي د هیواد د مطبوعاتو د یوه ځلانده ستوري په څیر وځلید، په خپرونو کي یی ورځ تر بلي د علمیت او د انسانیت او حق په لور د بللو وړتیا نوره هم زیاته شوه او ډیر ژر یی د انټرنیټي خپرونو له لاري په نړیواله توگه د هیوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تأسیس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډیر ستر او تاریخي گامونه اخیستی، د هیواد د ملي گټو او شتمنیو یی دفاع کړی، د وطن او هیواد پالنی روحیه یی غښتلی کړي، او ولس یی د پردیو او پردیپالو، د استعمار او استثمار، اشغال او نیواک په مقابل کی د یوه واحد دریځ په لور رابللی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

تر هغي چي ما د دعوت خپرونی لوستي اويا مي يی انهر نيتهي ليکنـي تعقيب کړي، په هيڅ يوه کي يی هـم د هيـواد سره د مينـي او د خپلـو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه اخوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نښي نه دي څرګندی شوي، بلکه پـه يـوه متحـد پليـټ فـارم د ولس د راټوليدو درونـد مسؤليت يی په غاړه اخيستي او تـر اوسـه پـوري دغه درونـد مسؤليت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ايښوونکي مسوول مدير، محترم محمد طـارق بزګـر ته د دغي ملي خپـروني د ۲۹مـي کليـزي پـه مناسـبت د زړه لـه کـومی مبـــارکی وايـــم او د الله تعـــالي نـــه ورتـــه پـــه دي اړه د لا زيـــات توفيق غوښتونکي يم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۹ کاله دعوت وشو، خو
زمونږ د وېښتابه کار څنګه شو؟

محمد آصف ننګ

۱۳۹۶ د تلې میاشت، کابل:

۲۹ کاله یعني د یو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاني دعوتي او د وېښتابه او د اذهانو د تنویر ماموریت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن میاشتني مجلې او بیا د اقتصاد میاشتني مجلې د مدیر مسوول په حیث مسوولیت درلود، راته معلومېږي چې د ټولنې د بیدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې دروند، له مسوولیت او زحمت ډک مزل، چې ښاغلي محمدطارق بزګر او ټیم یې پوره ۲۹ کاله طی کړی، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدردانۍ وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلې شخصیت قلم او پیام پیاوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړې چې د غفلت له خوبه راوېښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختګ له کاروان سره دې دوی هم سیال شي.

دعوت خپرندوی مرحلې:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه یې په څو مرحلو کې څېړلې شم:

(۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغونې او تحمل پیامونه پکې کم چلېدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختګ او د نظام جوړونې په هکله بحث کول، ډېر اوریدونکي او خریداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې یو روڼ آندی قشر-وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ایفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پیامونه کم او د وطن او وطن پالنې پیامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بیا هم د وطن او وطنپالنې سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د لیکوالانو قلم نه چلېده. محدودیتونه هم پریمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن لیرې و خو مخاطبین یې په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ایران، پاکستان او غربي هیوادونو کې تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونـو کې د وطنپالنې تر څنګ، خپله بې طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره یې ښې ډېرې مقالې خپرې کړې.

(۳) تر سپټمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زمونږ په تـاریخ کـې د بـدلون او تحول تر ټولو عمده مرحلـه ده. پـدې مرحلـه کـې د افـراط تـر حـده د دیموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کې دوه درې پدېـدې د بحث وړ دي. اول دا چې رسنۍ غږیزې او چاپي ډېرې شوې، بیا یو څو کاله وروسته پسې بصري رسنۍ او تلویزونونـه ډېـر شـول. پـدې رسـنیزه وسایلو کې خو شوقي او تفریحي برنامې ډېرې دي، خـو د خردمنـدۍ، بیدارۍ، تعقل، تربیت او هدفمنده ماموریت ته د ولس د توجیه کولو او بسیج کولو پیامونه پکې ډېر کم خپاره کیږي.

پدې حاضر دور کې خواله رسنۍ، تویټر، فیسبوک او... هم پرې اضـافه شول، چې د پیامونو د مدیریت او سانسور سلسـله یـې ختمـه کـړه؛ بـې بندوباري یې وزیږولـه، د حـق او باطـل، د سـهي او غلـط او د ګټـور او مضر پیام او خطاب تفکیک یې مشکل کړ.

بل دا چې پدې مرحله کې د چاپیزو رسنیو، یـا پرنـټ میـډیا، نقـش ډېـر کمزوری شو. د خبر د نشر سرعت زیات شو او هر څه پـه ډیجټـل بڼـه واوښتل.

پدې حاضر دور کـې دعـوت او بزګـر، دواړه ښـه چلیـدلي. د تـیرو ۱۶ کلونو تسلسل مې په چابکه توګه وکتو، واقعـاً ډېـر عـالي پیامونـه خپـاره شوي، د اعتداله پر کرښې تګ شـوی، ابلـه بـازاري او اپلـت پیامونـه او مقالې قطعاً ندې نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کې د سولې غوښتونکې، چاپیریال او محیط زیست، معادن، منابع، اقتصـاد، سیاسي اصلاحات، وده او انکشـاف، پوهنـه، زراعـت او هـر ډول تنـوع څخه ډک نشرات شوي دي.

د بزګر صاحب په اړوند رسنیو کې د هنر برخه هم ښـکلې اثـار لـري. د محلي نایابه موسیقۍ کلیپونه، تصویري هنر، جالب عکسونه او... .

د دې ټولو معنا دا چې دعوت د عصر پـه ژبـه ښـه پـوهیږي، اعتـدال او معقولیت ښه ساتلې شي او د وخت له تقاضاوو سره سم مزل کولی شي.

سپارښتنې:

(c) ketabton.com: The Digital Library

سپارښتني مي هم مختصره دي. ويپ پاڼې کې دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توګه هغه کتابونه چې ژباړې ته ضرورت لري. د امريکا او اروپايي سياست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه يې ترسره شي او بيا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سياسي بصيرت په برخه کې به مهم نقش ولوبوي.

بل دا چې که دعوت د مهالنۍ يا فصلي مجلي په حيث په عصري او رنګه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنيو صنعت او د مطالعې کلتور به ادامه پيدا کړي.

ډير خلک انټرنيټ ته لاسرسی نلري، او يو زيات شمير خلک په پوهنتونونو، انستيتوتونو او مکتبونو او مدرسو کې دي. دوی بايد له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چې خدای مکړه بيا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې ځو پوهنتونونو را شروع شول او ځلويښت کاله يې دوام وموند؛ وطن يې هم رنګ کړ او دوه ميليون وګړي پکې شهيدان شول؛ ځکه نو تاکيد کوم چې مجله دې هم خپره شي.

زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مينه وال يم، چې له دعوت مې ډېر څه زده کړي؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنياد حق لري چې امتنان يې وکړم.

له چلونکي ټيم، مشرتابه او د ليکوال غړو له ډلې څخه يې... رښا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپيڅلو زحمتونو بدله په دنيا او آخرت کې درکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترګي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کي روڼي کړې. ستونزي، بې وطني، پردیتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجي د هري ورځي مهال وېش وو.

۱۹۹۴ع کال زما د پاره ځکه خوښ کال دئ چي زه په لومړي ځل په اول نمرګۍ سره دریم ټولګۍ ته بریالی سوم، او په ټوله ښوونځی کي به فاتحانه او مغرور ګرځېدم. دا ابتدایه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښین اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کي وه، چي اوس د جمالدین افغان لیسي یا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه يادېږي. دا چي د دې تعلیمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملګرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئې ځارونکي تل د همدې ادارې وه. یوه ورځ یو ځارونکی له یوه بهرني سره ملګری ټولګۍ ته راغلل او زموږ ښوونکی ته ئې د بهرني تر مخ د یو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دودیز سبک له مخه د پښتو کتاب د یوې پاڼي د متن ویلو وویل؛ چي باید په لوړ ږغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وویل. بهرني فکر وکړ چي ده لکه چي همدا څو پاڼي یاد کړي؛ په لاس کي ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئې راته وویل چي له دې مجلې څه ووایه! ما چي د مجلې پر تندي لومړۍ کرښه وویل، ټولو ته ئې خوند ورکړ؛ کرښه کي لیکل سوي:

((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وایي.)) نوري پاڼو کي هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چي به ئې وښوول، لکه بلبل داسي به وږغېدم.

وروسته څو نور ټولګیوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جګېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چي تر ښوونکي پوري د ټولو خولې اوبه ورته کولې.

ښوونځی، کلي او کور کي اوازه وه چي سردار ولي ته ئې انعام کي (کتاب) ورکړی، هغه هم یوه بهرني! ځکه مو کتاب باله چي هغه وخت کي موږ مجله او کتاب نسوای سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنداري ارزښت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سينګار ډول ساتل.
کلونه تېر سوه، يوه ښوونکي مي راته وويل چي هغه ستا سره مجله د ځو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورين تندی ورکړه، خو مجله مي بيا ونه مونده او ښوونکي به راته وويل چي زه به بيا بله درته راوړم.
اټکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغواړم، خو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت

(ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هیواد
نلری د یوې لارښود په حیث خپل رول لوبولی دی)

شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پر بنیاد د خپل ژوند لارې ټاکي او د خپلو معلوماتو په رڼا کښې خپل ژوند تیروي. ویښ انسانان، قومونه، ولسونه، او ملتونه تل کوښښ کوي چې معلومات یي د حقایقو پر بنسټ ولاړ وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کامیابه، سرلوړي، پر خپلو ځانونو معتقد او خپلواکه ژوند کوي.

که په تیرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه یو له بل سره پرتله کړو نو په ډیره اساني سره به ووینو چې هغه ولسونه چې د غلطو معلوماتو ښکار شوي دي نو یا خو یي نوم او نښان ورک شوی دی او یا د تباهي ښکار شوي او د ذلت او د بل واکی په تورو شپو کښې د محتاجی ژوند تیروي.

که چیرې مونږ د افغانستان دې تیرو څو لسیزو ته یوه کتنه وکړو نو پدې به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمونږ تر غوږونو تر ننه پورې رارسیږي ترینه تر څومره د پردیو ګټو دپاره استفاده شوې ده او څومره زمونږ د تباهی او بربادی سبب ګرځیدلی دی.

د دغو ټولو حقایقو په نظر کې نیولو سره باید ووایو او دا ومنو چې معلومات او رسنی زمونږ د ژوند او مرګ سره تړلي دي. دا باید ومنو چې سپیڅلي ژورنالستان همیشه د خپلو پرګنو او ملتونو ګټې له خپل ژوند څخه برترې ګڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښې ویني. نو ځکه په ډیرو ځایونو او حالاتو کښې دغه سپیڅلي انسانان د ظالمانو، وحشتګرو او د بې ضمیره انسانانو د توطئو ښکار شوي، په زندانونو کښې غورځول شوي او ډیرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.

ښاغلي محمد طارق بزګر هم یو له هغو سپیڅلو ژورنالستانو څخه دی چه خپل ټول عمر یي د خپل جنګ ځپلي ولس ته قرباني کړی دی او د خپل ملت اواز یي په هر ځای، هر وخت او هر حالت کې ژوندی ساتلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دا یوازی نه چي یوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډيرو هغو پيغلـو او ځوانانو لپاره چي خپل هیواد نلری د یوې لارښودې پـه حیـث خپـل رول لوبولی دی.

کله چي زه د لسو کالو په عمر کي له خپل ټاټوبی افغانستان نه له خپلي کورنی سره وشړل شـوم او بیـا وروسـته د اروپـا او امریکـا ښـارونو کـي سرگردانه او له خپل ټاټوبي او ولس څخه نا خـبره گرځیـدم نـو همدغـه دعوت او د دعوت پر څير نورې ملي خپروني وې چه ما تـه او زمـا پـر څير میلیونونو نورو ځوانانو ته یي د خپل هیـواد کیسـي کـولي او زمـونږ زړونه یي له خپل ټاټوبي سره پیوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکتـه مـونږ یـواځي دا نـه چـي د خپل هیواد له حالاتو خبريږو بلکه د دغه معلوماتو پـه رڼـا کـي د خپـل هیواد او خلکو د سوکالی له پاره هلې ځلې کوو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، هیڅکله د چا د تاثیر لاندي
نه دی تللی او نه به ولاړ شي

استاد کاظم بیمار ننگرهاری

د دعوت جریده د خپل تاسیس له ورځې څخه بیا تر نن ورځې پوري د گران هیواد افغانستان د آزادۍ، سوکالۍ، خپلواکۍ او آبادۍ لپاره ډیرې هلې ځلې کړیدي او کوي یې. دعوت هر مشر۔ او کشر۔ رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسې په ملکونو گرځیدلی، او د هغوی افکاریې راټول او بې له تشبثه یې نشر کړیدي.

د دعوت وظیفه د هیواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چې دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو ویاړي، ځکه چې د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د تو طئو رسوا کول او له منځه وړل دي.

دعوت هیڅکله د چا د تاثیر لاندي نه دی تللی او نه به ولاړ شي. دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کې قیام کړیدی او په دغه لار کې بې له ویرې مخ په وړاندې روان دی.

دعوت، کورنی او بهرني دښمنان رسوا کړیدي او هیڅکله ته یې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه یې چې لیدلي هغه یې رسوا کړیدي. دا وزینه جریده د هیڅ فاسد حاکم او جنگسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال یې په میړانه او مردانگۍ رسوا کړیدي.

دعوت د روسي سور استعمار په مقابل کې په میړانه وجنگید او د خپل ملت په راویښولو کې یې پراخه ونډه اخیستې ده، او تر هغه وخته وجنگید تر څو چې سور استعمار په شا تگ ته مجبور شو.

دعوت د گاونډیو هیوادونو لاس وهنې غندلي، او په تیره بیا د ایران اخوندي نظا م ته یې په هیواد کې د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړیدي، همدارنگه، هم یې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډیورند د کرښې په شا وخوا د اغزن سیم په ارتباط د پښتنو د حق خودارادیت موضوع په کلکه ذکر کړیده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د پښتونستان د مسئلي د حل کلک ملاتړ او د فخر أفغان باچا خان د مشي او پالیسۍ سخت پلوی دی. په ګران هېواد افغانستان کي د خویندو او میندو د حقوقو په هکله یي هم کلکه مبارزه کړیده، او یو وار بیا یي وطنوالو ته دا ثابته کړیده چي دعوت به همیشه د عدالت پلوي وي او په دغه لار کي به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.

په هیواد کي همیشه د ملي مبارزینو پلوي کړیده او د نیشلیزم او وطن پرستۍ غږ یي او حرکت یي ژوندی ساتلی دی. او هر کله یي چي بې روا او بي عدالتي لیدلی ده هغه یي رسوا کړیده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکی ابتکار او منډې ترړي دي چي دعوت لا هماغسي ـ ځوان او د خپلو هیوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله یي د هیواد تکړه شاعر ګل پاچا الفت صاحب داسي وايي:

سرګردان وي په جهان هغه مړونه
چي د خپل وطن غمونه یي په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کي په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زيات ارزښت لري، نو ځکه پري مونږ وياړو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

میرمن شکریه بارکزۍ د دعوت
د ۲۹مې کلیزې په ویاړ

ش. بارکزۍ:

زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ. ډېر وخت نه کيږي چې زه ووايم چې د دعوت لوستونکي يم. اول غواړم چې مبارکي يې تاسو ته ووايم؛ ځکه چې هر ادبي او کلتوری فعالیت د هېواد نه د باندې ډېر سخت دی، ډېرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې يې هم لري، خو بهر ډېر دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چې په هره صفحه کې يو نوی نوم او يو نوی فکر سره اشنا کيدم. سربیره پردې چې هغه پخواني ليکوالانو، شاعرانو او سیاستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډېر د خوشالۍ ځای دی. اوس مې پريږدئ چې لږ رښتيا هم ووايم.

بی بی سی فارسي چې وينم، کله ناکله فکر کوم چې ولې دا د ايران خلک هر چيرته چې دي د پوهنتون استادان دي يا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مگر ستاسو نشريې دا راته وښودله چې نه، موږ يې هم لرو، خو متاسفانه داسې چينلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوی خپل نظريات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چې نوي ځوان ليکوالان ستاسو د نشريې له خوانه معرفي کيږي. دا زما له پاره ډېر د خوشالۍ ځای دی يا کيدای شي چې زه ډيره د خارج نه ليرې وم، دننه وطن کې وم نو ډېر به د دې نه خبره نه وم چې زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنۍ د هيواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم يو کلکسيون د افغانستان د گټو او ملي شتمنيو، څيرو او ملي څيرو نه دی چې بايد درنښت يې وشي او بايد خلکو ته وروپيژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو يې کوئ.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپروني ۲۹مي کليزې په مناسبت

ډاکټر حضرت عمر زاخېلوال

ژوند څومره په څغاسته تيرېږي، لکه پرون داسي مي په ياد شي چي په پېښور کي د دعوت د خپروني د بنسټګر او مسوول ښاغلي محمد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زی چي زما ډېر نږدې دوست او ملګری و ماته د دعوت د جريدې د لومړنيو ګڼو څخه يوه کاپي راکړه. په هغه وخت کي ما د افغاني جريدو سره چندان علاقه نه درلوده، ځکه اکثره يي تنظيمي وې چي يا په خپلو تنظيمي لاپو ټټاکو او يا هم د جنګ او جګړو په ترويج، تشويق او تشديد څرخېدې، د هېله مندی مطالب په کي کم و. زما په څېر يو زلمی کډوال ته چي لا تر اوسه يي زده کړې نيمګړې او راتلونکی يي نامطمين مګر هيلي زياتي وې ناهيلونکي وې. مګر د دعوت په جريده کي مي برعکس هغه څه پيدا کړل چي مايي لوستل غوښتل:
د آزادی او بي پرې خبرونو تر څنګ ازادې شنني، خپلواک نظريات او د داسي ملي شخصيتونو سره مرکي چي د کډوالی په چاپېريال کي په نظر نه برېښېده مګر نومونه يی آشنا او هېلي ورته زياتي وې.
په ټوله کي جريده په ملي موخو څرخېده لکه سوله، ملي يووالی، ملي شناخت، ملي حاکميت، دې موخو ته شته ګواښونه او فرصتونه او هېواد د يو لا ستر ناورين څخه ساتل.
په ۱۹۹۱ ميلادي کال کي زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کي نه انټرنېټ و نه ازرانه موبايل تيليفونونه او يا د اړيکو نورې اسانه وسيلي. له افغانستان څخه د شوروي پوځونه وتلي وو او د شوروي اتحاد په نسکورېدو سره د غرب لپاره په افغانستان کي نور د علاقه مندی څه نه و پاتي؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلويزونو او نه هم په جرېدو، اخبارونو او مجلو کي په خبر يا مضمون ارزېده. مګر په افغانستان کي خبرونه ډېر او اکثر يي د اندېښني وړ وو.
د ډاکټر نجيب د حکومت وروستی سلګی وې او د جهادي تنظيمونو او سيمه ايزو استخباراتي ملاتړو يی د قدرت پر سر د خونړي پړاوو

(c) ketabton.com: The Digital Library

تياری نيولی. په داسي وخت کي همدومره چي په گران هېواد کي پيښي دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېريوالی او بې خبري.

نو د هېواد د حالاتو سره د نږدې پاتي کېدو لپاره مي د دعوت د جرېدې سره اړېکي اړيني وبللې. ښاغلي بزگر صاحب ته مي ليک او خپل ادرس ولېږه چي په پيرزوينه يي له هغي وروسته د دعوت جرېدې په مسلسله توگه راستولې او په دې توگه يي د گران هېواد د ترخه تاريخي پړاو سره نږدې وساتلم.

زه د دعوت خپروني د ۲۹مې کاليزې په مناسبت څخه په گټې ښاغلي محمد طارق بزگر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه يواځي ما سره د دوی د ځانگړي پيرزويني بلکې همدارنگه د هېواد د تاريخ په ډېر حساس پړاوو کي د مطبوعاتو په ډگر کي د دوی اغيزمن تاريخي مسوليت او رسالت د ښه ادا کولو له کبله د زړه له کومې مننه کوم، د لاسته راوړنو يي ورته مبارکی وايم او د هسک څښتن څخه پدې او د ژوند په نورو چارو کي لا زيات برياليتوبونه او سرلوړی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

درې لسيزې جهاد مو مبارک شه

ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او کـه هېـر شـوي مـې نـه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شـوې وو. پـه هغـه وخـت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چـې د استقلال جريدې او د څو نورو تر څنګ به له پېښور څخه خپرېـدې. په لندن کې د ستميانو ورځپاڼـه (اميـد) تـر هغـه وختـه او تـر څـو کـالو وروسته پورې داسـې نشرـيات درلـودل چـې نـه ورتـه افغانسـتان، نـه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلـود. د دوی همفکرانـو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کـې چـې لا هـم جنګ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.

نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايد او وروسته له ليليسټروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چې پـه افغانسـتان کـې د روان جنګ او داخلي پرديپالو په خلاف خپل مضمونونه ورولېـږي. دعـوت له کوچنيوالولي نه په بيړه ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديپـالو پـه مقابـل کې د پوهاند هاشميان د آيني مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و ګرځېده. محمد طارق بزګر چې د دې جريدې د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعـوت چاپـاوه او د پُستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپـا تـه اسـتوله. پُسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی بـه هرومرو د خپلې کورنۍ د آزوقـې ډېـره برخـه د جريـدې پـه نشرـولو او پُستولو باندې مصرفوي.

د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعـوت د لاسي ليـک نـه چاپي ليک ته ورسېده او د پُسـتې پـر ځـای د انټرنېـټ لـه لارې لا هـم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.

څو کاله وړانـدې محمـد طـارق بزګـر پرېکـړه وکـړه چـې يـو انټرنېټـي تلوېزيون منځ تـه راولي؛ څـو د نـړۍ پـه ټولـو برخـو کـې افغانـانو تـه د دعـوت لـه جريـدې نـه لا ښـه او پـر وخـت خبرونـه او پروګرامونـه ور

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورسوي. د دې لپاره موږ ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروګرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له ايډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي تلوېزيون کې داخل کړي.

زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او ققفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته پکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونګرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.

محمد طارق بزګر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي-هر ورځني کړاوونو تر څنګ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه ګرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنګ د پوهاند هاشميان (آينهء افغانستان) له مجلې نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېرى او را پاتي کړاونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوې سرچينې له روسانو سره په لس کلن جنګ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درګومې کړاونو باندې له هر نظره څېړني شوې دي.

زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزګر صيب تر څنګ پوهاند هاشميان ته هم د دوی د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

(c) ketabton.com: The Digital Library

هېرېدونکي مقامونه گټلي دي. خدای ج دې له دوی دواړو سره ښه وکړي او بزگر صيب ته دې الله ج توفيق ور کړي چې د دعوت ځينې تاريخي فايلونو مواد د کتاب په بڼه هم راته چاپ کړي. زه حاضر يم چې له کابل څخه د داسې مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هيلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت
نهه ویشتمه کلېزه دې مبارک وي

محمد نقیب تره خیل

ښاغلئ محمد طارق بزګر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وایـي چـې باعزته خلک با اخلاقه با صبره باحوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملګري کې وفادار پاتي کېږي.

زه له ۲۰۰۱یوم کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزګر صیب سره د تلیفوني اړیکو سربېره دوه درې پلا کښېناستلي سره هم یـو. احساسـاتي جذباتي او د باجګېرۍ خبري چـې هېـواد، ولـس، قـوم، ژبـې، دیـن تـه خدمت کوم هیڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په یاد خـدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصـیت یـې د فضـلیت، تقـوا او د ښـو اخلاقو ثبوت دي.

کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:

که څوک له چاسره پدې نېت ښـه کـوي چـې یـو وخـت بـه یـې بـدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مینه کوي چې خلک مې وستایي، دا هم اخلاقي عمل نـه دی. اخلاقـي عمـل هغـه ده چې د ځان د خوښي او ګټې عمل په کې نه وي.

د صبر او حوصلي په اړوند به له بزګر صېب سره د شـوي عمـل یادونـه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزګر زمـا د پوښـتني پـه ځـواب کـې داسې وویل:

افغان کولتـوری تـولني کـولن کـې غونـډې تـه بللـی وم. د دعـوت یـو ګډونوال ته مې یادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د ګـډون روپـې دی راکړي. ویې ښیه! ښاپسته ځنډ وروسته راغې. له یو ملګري سره ولاړ وم. د پنځه ګون اېرو لوټ یی راګذار او پر ځمکه ولوېد. را وامې خیست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځای پنځه ګون ورکـړی، هاغـه هـم د سوالګر په څېر.

هو؛ د قناعت نښه یی دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره یـی نه د چا ملاتړ او نه یی د چا مخالفت کـړی. د وینـا تـر حـده عمـل یـی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کړی او د سوسیالیزم او امپریالیزم د یرغلگرو د هغوي د گوډاگیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله گرو په ضد د دعوت سنگر جوړول یی د زړه ورتوب نښه ده.

پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامې ورېدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یی کولتوري ټولنۍ په بلجیم، جرمني، هالنډ، انگلیند او د اروپا په نورو هېوادو، امریکې او استرالیا کې جوړې کړې غونډې یی وکړې، مجلې یی راوویستی، سایټونه یی جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یی ټولنې، سایټونه او مجلې شلې شنډې او شاړې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاېنان، جنایتکاران او فاسده اداري یی نومولې. سره لدې چې د ښاغلې بزگر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دي او د پېژندگلوی امکانات یی هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپیڅلتیا په وړاندې هېڅ وگڼل نو ځکه د پرگنو ترڅنگ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ باندې تل پاتې وفادار لري چې هر رېښتني افغان د دعوت له سنگره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووایی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دې سل کلن شي

زاهد جلالي

د دعوت خپروني له نامه سره لـه ماشـومتوبه اشـنا يـم. هغـه مهـال زه د هجرت ديار د نوښار سيمه کې د جلوزو پـر سـړک پـه يـوه کمـپ کـې اوسېدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزګر صاحب تر کليو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بيا چې ځوان شوم، انټرنټ سره اشنا شوم، ليکني و ژباړې مې پيل کړې، دعوت انټرنټي پاڼه يو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کـې د سترو ليکوالو ترڅنګ نشرېدې.

له دعوت سره زما اشنايي اوږده شوه او تر دې ځايه راورسـېده او لا پـر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښـکاري. يـوه دا چې له هماغه پيله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبې د سترو ليکوالو ليکنې هم په کې خپرېدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نګـارګر، هاشميان، څيرکيار او نورو سترو ليکوالو او پوهانو سره يې آشنا کړم.

د دعوت پاڼې بله ځانګړنه د دې ازادي او خپلواکي ده. نـن سـبا خـو د هرې رسنۍ پـر تنـدي د ((ازاده او خپلواکـه)) شـعار ليکـل شـوی، خـو تقريباً هره رسنۍ د يـوه جهـت لـه لـورې تمـويلېږي او د نـورو نظرونـو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نـه ده. دعـوت کـې رښتيني ازادي شته. زه تل دوستانو ته وايم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای يې دعوت دی.

د دعوت تر شا ايکي يوه سته ده او هغه طارق بزګر صـاحب دی. بزګـر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً يـو محـترم او د پراخـې سـيني او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلينو د مجلې مسوول، بزګر صاحب راته څـو وار پـه خپلـه ويـلي چـې د محصـلينو د مجلې د دغې ګڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د يـوه کتـاب د چـاپ لګښت يې په خپله غاړه اخيستی، تر څو د سيد جمال الدين په اړه دغـه

(c) ketabton.com: The Digital Library

لیکل شوی کتاب په ټېټه بیه د خلکو لاسونو ته ورسېږي او د هغه په اړه پوهاوی زیات شي.

بزگر صاحب، فرهنگ دوسته سړی دی او د خپلو وطنوالو د علمي پرمختگ له پاره یې پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي.

بزگر صاحب راباندې گران دی. له زړه یې احترام کوم او هیله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په څیر نور نوښتونه هم وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د خپروني او ویبپاڼې په هکله یو څو ټکي

ډاکتر محمد نواب ویساند

وروستیو نږدې څلورو لسیزو پرله پسې غمیزو او ناخوالو، افغان ټولنې ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زیانونه واړول. نیم ژوبله تولیدي بنسټونه یې په بشپړه ډول ویجاړ، کاري بشري ځواک یې له هېواده د یو زیات شمیر په کار پوه کسانوپه وتلو سره وپاشه او د ټولنیزو رسنیو (میډیا) چارې (چاپي، انځوریزې، غږیزې)، چې د دولت د درې ګونو قواوو (اجرائیه، مقننه او قضائیه) وروسته په سیاسي، ټولنیزو، کولتوري او اقتصادي ډګر کې د سمې او په واقعیت ولاړ راپورونو په ورکولو سره، چې د یوې څلورمې قوې په توګه د ټولنې د پرمختګ او ربښتني ولسواکۍ (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانګړې اغېز درلودلای شي، هم ټکنۍ کړ.

خو د خپروني ګټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هیوادونو کې میشتو خورو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هیوادنۍ مینې له مخې د پردېسۍ په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوریزو او غږیزو خپرونو له لارې د خپلو شونتیاوو، وخت او شرایطوته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.

د دعوت میډیا، چې په پښتو، دري او انګلیسي-ژبو خپروني لري او اوس یې ۲۹ یمه کلیزه لمانځل کیږي، د یو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهي سمبال، با تجربه ژورنالیست او په خپلو خلکو او هېواد مین شخصیت ښاغلي محمد طارق بزګر له خوا د پراخه هلوځلو او زیار وروسته په کار پیل وکړ. په دغه تیرو کلونو کې یې نه یواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډګر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تیریدو سره یې د یو لړ نوښتونو په راوستلو د ویبپاڼي ښې او جوړښت ته داسي ښکلا ور وبښله، چې د خپلي ځانګړني له کبله د ډېرو معتبرو ویبپاڼو په منځ کې د پام وړ او زړه راښکوونکی ځای لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت میډیا، نه یواځې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسي یوه پـه زړه پـورې سرچینه وګرځېدله، بلکه د ټولنېز ژوند د بېلابېلو فننو پورې تړلي علمي او اکادمیکو مالوماتو خپرول، چې د وګړو د مسلکي پوهې د لوړولـو او د ټـولنې د پرمختـګ سره مرسـته کـوي، ځـانګړې ارزښـت لـري.

لوسـتوال پـه ډېـره اسـانۍ سره کـولای شي هـم خپلـه دعـوت خپرونـې او ویبپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه ګټه پورتـه کـړي اوهـم یـې د نورو همفکرانو سره شریک کړي.

دعوت میډیا، د کلتوري او فرهنګي ارزښت درلودلو ترڅنګ، په خپـل وار د افغان ټولنې د واکمنـانو لـه خـوا د پـټ سـاتل شـوو کمزوریـو پـه راسپړلو، ناخوالو او بې عدالتیو په ګوته کولو او د پردیپـالو او مـلي ګټـو ضد څېرو په افشا کولو او همدارنګه د نـورو منفـي پدیـدو پـه وړانـدې مبارزې ته د ټولنې د رښتینو بچیانو په راویښـولو او هڅولـو کـې رغنـده رول لوبولی دی.

زمونږ له بېداره بخته، له هغې راهیسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسـونه د انټرنیټـې تکنـالوژۍ د نړیـوال کېـدو لـه برکتـه سره نـږدې شـوي او نښلوشوي دي، د د عوت میډیا هم پـه خپـل وار د ننـۍ نـړۍ مهمـې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نږدې او لېرې پرتو سـیمو اوسـیدونکو تـه د خپلو خپرونو له لارې رسولي دي.

خو له بـده مرغـه زمـونږ د هېـواد یـو زیـات شـمېر بـې وسـوه افغانـان د اقتصـادي او امنیتـي سـتونزو لـه املـه نـه شي کـولای د خپـرو شـوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وګړو (انټرنیټ تـه د نـه لاس رسي له کبله) په څېر ګټه پورته کړي.

د دعوت میډیا له لارې نه یـواځې د هېـواد او نـړۍ د روانـو حـالاتو پـه هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېـواد کـې د سرتـاسري سـولې د ټینګښـت، د اداري فسـاد د لـه منځـه وړلـو، د ورځـېزو چـارو د ټیکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکـو وړانـدیزونو د خپرولـو اغیـز یـې هـم لـه پامـه نـه شـو غورځولای.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې د دعوت میډیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپرونې د کلیزې مبارکي وایم اود لا ډیرو بریاوو په هیله یې.

وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکوال یا څېړونکي په نوم یوه جلا کړکۍ، چې د تیرو خپرو شوو لیکنو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړینې موضوع د ژر پیداکولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د نهه ويشتم خپرنيز کال په مناسبت

دکتور محمد عثمان روستار تره کی

د افغانستان د جګړې د پيل نه راهيسې، مهاجر افغانان چه د نړې په مختلفو هيوادونو کې يې تيت او پرک ژوند له سره تيراوه د لاندې دوه دليلونو په بنست يوې اغيزمني مطبوعاتي کميونيکيشن لاسوند ته اړتيا ليدل کېده:

ــ خپل منځي اړيکي د تامينولو په مقصد

ــ د وطن د حالاتو نه خبرتيا

دغه اړتيا د افغانستان نه د باندې افغاني ميډيا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړ.

د کډوالتوب په لمړيو کلونوکي د نړې په ګوټ ګوټ کې بې شميره خپرونو په کار پيل وکړ چه زياتره يې د بهرنيانو له خوا تمويل کيدلې. د وخت د تيريدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزونې د فلتر نه تير شو؛ يوازې هغه خپرونې پاتې شولې چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

ــ د تمويل ډاډمنې سرچينې

ــ مسلکي مديريت

ــ تکړه قلمی همکاران

ــ د لوستونکو هرکلې.

د افغان مهاجرينو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لړو خپرونو څخه ګڼل کيږي چه د نوموړې معيارونو په بشپړيدو، توانيدلې نهه ويشت کاله عمر وکړي.

دعوت د هيواد د اوږدې غميزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاريخي شخصيتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پيکه کولو او ورکاوي طوفان را الوتی وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مينو افغان شخصيتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او ګډ وطن د ساتنې او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د خپل عمر په اوږدو کی د افغانانو او په ځانګړي توګه د افغاني کډوالو په منځ کی د نظر د تبادلې د باوري وثیقې په توګه پیژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمینه برابره یې کړې ده. د ژبې، قوم، سیمې او مـذهب د تعصبونو په وړاندې د ټینګ ملي مورچل د دریځ نه د مقـابلې جوګـه شویده او د افغانـانو د سـیاسي شـعور د ودې پـه اسـتقامت یـې اوچـت ګامونه پورته کړیدي.

د پیژندل شوې قلمي همکارانو سره اړیکې، په پښتو، دري ژبو خپرونـې او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړۍ د مهمـو وروسـتي خبرونـو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د یو ستندرد اخبار بڼه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توګه د دعوت چلونکو ښاغي بزګر ته د دعوت د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت مبارکي وایم او ورته د هیواد په خدمت کې د لازیاتې هڅې او زیار هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو کی لوی رول لوبولی دی

فهیم نظیمی

ما د ښاغلی بزگر صاحب سره ډیر کلنونه پخوا په یـوه میلمسـتیا کـی پـه لندن کی ولیدل او په تصـادفی توگـه اشـنا شـوم او لـه همغـي ورځـي د دعوت ویبپاڼی او مجلی دعـوت سره هـم اشـنا شـوم. د هماغـه وخـت راهسی د ښاغلی بزگر صاحب ورځپاڼه زما د هیلو، نظریـاتو د خپرولـو، وطنوالو او نړیوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسـیله گرځیـدلی ده. د ده مسـلکی پوهـه او هانـد او زیـار د دی باعـث وگرځیـدل چـی نومـوړې ورځپاڼه چاپی او رسانه یی خپرونی وکړي او ډیر زیـات مینـه وال پیـدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز د افغانانو د ملی روحیی او سـتراتیژیکو روابطو په ټینگولو او نړی والو ته د افغانستان د حقیقت او واقعیتونـو پـه رسولو کی لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کیږي چی ښاغلی محمد طارق بزگر صاحب او د ده ټـیم شپه او ورځ په پوره ایمانداری او مسلکی مهارت او لیاقت کـار او زیـار ایستلی او لـوی مطبوعـاتی او ژورنالیسـتیکي خـدمات یـې پـه پښـتو او انگلیسی ژبه وړاندی کړي دي، چی خـورا زیـات د قـدر او سـتایلو وړ دی. د ده دا ټولی لاسته راوړنی په ډیرو کمو اقتصادی امکاناتو تـر سره شوی او لا هم روانی دي.

دعوت ورځپاڼـه او مجلـه، انترنیتـی سـایت او فیسـبوکی خپرونـی اوس جهانی شهرت موندلی او خـورا ډیـر مینـه وال لـری. زه فهـیم نظیمـی د ښـاغلی بزگـر صـاحب د زیـار، هانـد، لیاقـت او مسـلکی پـوهی او د وطنپالنی د عالی روحیی په درلودلـو لـه کبلـه و ده تـه د زړه لـه کـومی مبارکی وایم او ویـاړم چـی ښـاغلی بزگـر صـاحب او د ده ټـیم دا ټـول صفات په تیرو څو لسیزو کی د عمل په دگر کی افغانانو او نړی والو تـه ثابت کړي دي. د لوی خدایه ورته د لا بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د انسانیت

بېکسیار

کابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمینارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانګو وه چې زه ترې رابېل شوم.
د حمزه بابا دغه شعر چې وایي ((یو شور یې د شهرت و چې شوم پېښن په پېښور))، هغه وخت په رښتیني مانا کابل ته مخاطب کېدای شوای. ما تازه تازه شعر اومشاعرو ته مخه کړې وه، له کتاب او اخبار سره مې جوړه راغلې وه، ادبي بنډارونو او شب نشینیو داسې په غېږ کې اخیستی وم چې ستړیا او بې خوبي مې هډو پیژندله نه.
پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هیجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډک محفل کې له ډېرې مستۍ د دوکړیمار دوکړه وچوي. اروایي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرګ، شیدو وچېدو یا کومې ناروغۍ له وجې په درې میاشتني ماشوم د مور شیدې بندې شي. په پارسۍ کې دغه ماشوم ته شیر سوخته وایي.
هو البته یو څیز چې له کابله بیا تر پېښوره، او بیا د پېښور په هغه ټوله موده کې تر هر څه زیات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستیا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې ګوندونو، سازمانونو، ایزمونو، له ګوندونو جلاشویو ډلو او له ډلو جلاشویو ټپلو ته. یو کس به چې یوازې یو دوه ورځې ځان در سره لږ خوږ را خوږ کړ او لږ په ادب او احترام به یې در سره ستړي مشي، خواره مشي وکړه نو دریمه ورځ به یې ضرور دیوې ډلې، ټپلې، نظریې او عقیدې دعوت در مخکې کاوه.
څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترینګلی شو، یاني له بده بد تر. په پېښور کې که له یوه همژبي او هموطن سره د بنډار او ناستې امکان و، یا د کوم اردو یا تنظیمي اخبار د کتو او یا په قصه خوانۍ کې د مرګ منظر، ادم خان درخانۍ، غم غلط، د بیلتانه ټپې او دې ته ورته کتابونو د لوستو امکان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله کابلیان یو عجیب مالګین طنزي ډیالوګ لري:
ـ ولوېدې؟
ـ هو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ـ ژوبل شوې؟
ـ نه.

اوس نو زه داسې لوېدلی وم چې د خوږو بیان یې نور هم په ناسور زخم د مالګې پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه یو همژبی، نه یو کلیوال، نه یو دښوونځي یا پوهنځي ملګری، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشیني، هېڅ هم نه، ابی مړه تبه شلېدلې.

د نهیلۍ، غم، درد او کرب په دغسې توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو اروایي حالاتو کې، د اروپا په دائیم الدائیم تورو ورېځو، یخونو، بارانونو او ځول کې چې ښایي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسې یو دوه ګامه ژوندون لنډول
د اروپا زنده ګي څه زنده ګي؟

څه ګورم چې یوه ورځ بیا یو ((دعوت)) را غی. اول خو لکه هغه چې وایي، مار خوړلی له پړي وېرېږي، لږ غونډې ووېرېدم. ماوې که د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسې راغلل، خو چې مې پرانیست او ومې لوست، کیسه بل ډول وه.

دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره ټوپیر درلود لکه بېخي له کومې بلې سیارې او د ځمکې له کومې بلې جلا کرې چې راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ایزم دعوت و، نه د کوم ګوند، نه د کومې ډلې او نه د کومې ټپلې.

دغه دعوت د افغانیت دعوت و، دغه دعوت د اسلامیت دعوت و، دغه دعوت د غیرت، ننګ، ناموس، حیا او د وطن د مور د پړوني دعوت و.

دغه دعوت د هغو مهاجرو خویندو، میندو د لوپټې دعوت و چې: چایي پلو لیدلی نه و.

اوس د جمرود په غاښې ځي سر تور سرونه.

لدغه دعوت څخه یوه تر سکونه وطني وږمه راتله، چې پکې د ممانړو، ګور ګورو، ښېځو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاني خټکیو، بغلاني هندوانو، قنداریو انارو، جوزجاني پستو او خوستیو جلغوزو رنګونه او خوندونه لکه د ګوتې غمی پکې را ټول شوي وو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

لدغه دعوت څخه د روس او روس پلوو خلاف د افغان فیلسوف ګل پاچا الفت دغه ناره بې لـدې چـې د هـرې ګڼـې پـر تنـدي لیکلـې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

یو پټ غلی احساس دی چې ارام مې نه پرېږدي
په اور مې کړوي لکه چې خام مې نه پرېږدي
جرئت مې زیا توي دومره په ځان یمه پوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام مې نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درې لسیزو په اوږدو کې مدام د پاکستانیزم، ایرانیزم، عربیزم، روسیزم او ډېرو نورو ایزمونو خلاف د ربتینو او پـه وطـن مینـو افغانانو د مبارزې تود سنګر و، دی او وي به ان شاالله.

د دغه دعوت په هکله یوه بله خبره هم د استاد الفت پـه وینـا: وخـت د اعتراف دی ګونا خپله درته وایمه!

پدا دومره کلونو کې مې یوه افغانۍ، یوه انه، یوه حبه د دعوت چلوونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومه شعري ټولګـه یـا د هیلـې مجلـې کومـه ګڼـه مـې، هغـه هـم د چـا پـر لاس ور لیـږلې وي والله اعلـم؟ خو ښاغلي بزګر د دعوت هره یوه ګڼه، نه یوازې یوه ګڼه بلکـې د یـوې ګڼې څو څو کاپیاني هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخـامخ د پوست له لارې ماته را استولې دي، او خدای خـبر چـې زمـا پـه شـان به یې په لسکونو او سلګونو نورو ته هم استولې وي. زه له خپله اړخه او تولو هغو ملګرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت ګڼـې رسـولې دي د دعوت کلیزې په ویاړ ښاغلي محمد طـارق بزګـر، ډاکـتر محمـد فریـد بزګر، د بزګر ټولې کورنۍ او د افغاني رسنیو پراخې مجموعې ته مبارکي وایم. پاکه ربه د انسانیت دغه چغه همداسې رسـا لـرې او ازانګـه یـې د افغاني رسنیو په ټولي کې مه کموې. امین، ثم امین!

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دعوت سره د ملګرتوب له پیله تر نن

ډاکتر جمشېد سمون

له هماغه پیله مې چې دوه اونۍ وړاندې ښاغلي او ملي ژورنالیست درانه ورور محمد طارق بزګر راته په نږدې راتلونکي کې د دعوت د ۲۹ مې کلیزې او په هکله یې د نظر او یا څه لیکلو پوښتنه مخته کښېښوه، له آره نیت دا ؤ چې د بڼې او منځپانګې له مخې به له ما سره د دعوت چاپي بڼې په شتو څو ګڼو او همدارنګه د دعوت وېبپاڼې په هکله، چې لوستونکی او مینه وال یې یم، خپله ارزونه کوم، خو له یوې خوا د خپلې لټې له امله چې تل د نن کار راڅخه سبا او بل سبا ته پاتې وي او له بلې خوا ورځینی فزیکي مصروفیت د دې لامل شول چې له پورتني درانه پېټي اوږه سپکه او په دې هیله چې د دعوت ۵۰۰۰ تیراژ درلودونکي چاپي خپروني او په شپه او ورځ کې د کم و ډېر ۱۰۰۰۰ لیدونکو دعوت وېبپاڼې څېرمنه او بې پرې ارزونه به نورو دوستانو هرومرو کړي وي، له دعوت سره د خپلې ملتیا او پر دعوت د روږدېدو کیسه تېره کړم.

پوره یوویشت کاله وړاندې کله چې شمالي ټلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ایستای شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسې او ښوونځي د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول.

د طبي زده کړو د وروستي کال وروستۍ میاشتې مو وې، زموږ د ټولګیوالو لخوا، د کابل طب انستیتوت او په تېره بیا د وروستي کال د محصلینو د زده کړو د بیا پیل کېدو هلو ځلو، له ((مشرـ ملا صاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعو څه ګټه نه درلوده او ځواب به بیا هم هماغه د راډیو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان ته انتظار ؤ.

یو عجیب و غریب ترینګلی او نا هیلی حالت منځته راغلی و، ټول ټولګیوال مو کورونو ته ستانه شول. ښایي ډېرو به ځان ته بوختیاوې پیدا کړې وې، یو له بله چنداني نه خبرېدو، د اوس په څېر د اړیکو وسایل نه ول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

له خپل مسلک سره د بې کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکتر صاحب روح الله ساپي او ډاکتر صاحب جان محمد اپريدي په هڅونو او ټينګار مې په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.
د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته وويل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترګې پر دعوت خپرونې ولګېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کړکيو هندارو ته سرېښې او که هسې له کړکۍ سره پراته ول.
له دولس- ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملګرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خبره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بې خوندو، پيکه، بې مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د څښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خبره د فکر باز يې د دوی پر ځانګو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر څو محدودو په لوړ معيار، بې پرو او کره چاپي او غږيزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه-نيمه ګڼه د ((شمشاد)) او بيا راوروسته ((هيلې)) مجلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو.
د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنګي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپېيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانګې يې خوند راکړ، ډاکتر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بې له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوې وي؟
هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم ببرته پوښتنه وه، راغبرګه کړه: ((ولې دعوت دې پخوا نه ؤ لوستی؟ طارق بزګر نه پېژنې؟ د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه رالېږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

(c) ketabton.com: The Digital Library

انجنیر صاحبان اوسېدل، شاید انجنیر صاحب نجیب دلته ورته راوړي وي.))

څه موده وروسته چې د خپلي سپېڅلي روږدتیا او د ځینې کتابونو او ضروري موادو د پېرودني لپاره د پېښور په کتابپلورنځیو گرځېدم، نو د خیبر بازار په ((سعید بک سټور)) کې مي په دعوت خپرونه بیا سترگې روڼې شوې. هلته د کتابپلورنځي یو کارمن ؤ، ښه ښکلي غټه تکه توره ږیره یې وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجې دی هم د برې پښتونخوا (افغان) ښکارېده، د نورو په پرتله یې له برنو سره په ښه چلند کې جوت توپیر لیده محسوسېده. ما ورته ویل دغه دعوت خپرونه تاسې ته څوک راوړي؟ ویل ولې، خیر خو به وي؟ ما وې هسې، پوښتنه مي کوله چې ځنگه کولای شم ویې وینم، صوفی صاحب چې زما په بې خطرۍ پوه شو نو ویل ((دا خو ډاکټر صاحب بزگر راوړي، که غواړې زه به یې د دفتر د ټلیفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلې او ورسره ملاو به شې.)) د ټلیفوني اړیکې په مټ مي د پېژندگلوۍ تر څنگ له ښاغلي ډاکټر صاحب محمد فرید بزگر څخه د دوی د کارځای په ((آبدره روډ)) کې د ORA دفتر پته هم واخیسته او په همدا لومړي لیده کاته کې یې د مینې او زښتې مهربانۍ د ځرگندولو تر څنگ د دعوت خپرونې په څو وروستیو گڼو او همدارنگه د ORA او KOR نادولتي موسسو د گڼو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره وقدرولم.

راوروسته به هم، چې کله د لويې پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکټر صاحب بزگر د ORA له دفتر، د هېوادمل صاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پیرمحمد کاروان، استاد باجوړي، عبدالهادي هادي او احمد تکل د بي بي سي د تعلیمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نوید د ((لیکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسیا سافټ)) له دفترونو مي خامخا د تازه خپرونو د ترلاسه کولو لپاره د کتنې او دورې هڅه کوله او تل د دوی له مهربانیو برخمن وم.

مسکو ته له کډوالي سره مي هم له نېکه مرغه د دعوت خپرونې له پازوال، نوموتي ژورنالیست او مهربان اجتماعي شخصیت ښاغلي محمد طارق بزگر سره تر دې دمه بې اړیکو پاتې شوی نه یم. د دعوت په پېرزوینو ترې خوښ او منندوی یم. رب (ج) دې یې زموږ له پراخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوره څخه نه کموي، فکر او قلم يې همداسي سپيڅلی، تانـد او منلـی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹مه کلیزې؛ د ویاړنې یوه پلمه

اجمل روهي

څه باندې دوه لسیزې وړاندې، کله چې زه هم د زیات شمېر نورو افغانانو په څېر جلا وطنۍ ته اړ شوم، د برخلیک څپو زه د جرمنې خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصلۍ دوره په اروپا کې تېره شوې وه، خو داسې یو هېواد ته راتګ، چې ژبه دې نه وي زده او وګړي یې انګریزې ژبې ویلو ته هم لېوالتیا نلري، ځینې ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تګ نه تر کاروموندنې پورې ټولې چارې ور سره تړلې وې.
هغه مهال، چې د نن په پرتله ټکنالوجي دومره پرمختللې نه وه؛ د انټرنیټ او ډېش انتانونو نه شتون هم موږ له دې نه محروم کړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لویه خوشالي به دا وه، که کوم چا ته به زموږ لیک رسیدلی و او د هغوی لخوا به ځواب را ورسید او یا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راورسیدې. د جلا وطنۍ په همدې کلونو کې، ځینې ورځپاڼې یا بهتره ووایم جریدې تقریباً په منظمه توګه رارسیدلې او تر لوستلو وروسته به لاس په لاس کیدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلګې مې چې په یادې دي: «وفا» چې بنسټ ګر یې ارواښاد پروفیسر ـ رسول امین او سرمحقق زلمی هېوادمل یې مدیریت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزګر په مدیریت، «آئینه افغانستان» د ښاغلي سیدخلیل الله هاشمیان په مشرۍ او «مجاهد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل په مدیریت.د دغو ورځپاڼو په لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېوادنۍ مینه خړوبیدله او هم به اپډیټ کیدلو.
څرنګه، چې سږ کال د «دعوت» **۲۹** کلیزه ده، نو زه به هم د دغه رسنۍ (ورځپاڼي او ویبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کې پنځیدلی نظر وړاندې کړم.
زما په اند د هرې بریالۍ رسنۍ په هکله چې خبرې کیږي دا په حقیقت کې د هغه رسنۍ د مدیر او کارډلې د بریالیتوب په هکله خبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

که څه هم د لیکوال د شخصیت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځیني بیا له دې نظر سره مخالفت لري او وایي، چې کیدی شي یو څوک ښه شخصیت ونلري، خو ښه آثار یې وړاندې کړي وي.

له نیکمرغه زه د «دعوت» بنسټګر او مسوول مدیر ښاغلی طارق بزګر پېژنم، له نږدې مو بنډار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابیږي، چې هم درونډ شخصیت لري او هم درنه او بریالۍ رسنۍ چلوي.

یو څو ټکي د ګران بزګر صیب په هکله:

ډیر اجتماعي او د اړیکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلګه یې د ۲۹ کلونو پرله پسې ژورنالیستیک کار، له حسد او دښمنیو نه لیرې او بس هسې خوږ انسان.

یو څو لنډ ټکي هم د «دعوت» په هکله:

هیڅکله یې ژېړ ژورنالیزم ته مخه نکړه؛ د پیسو او نورو امتیازاتو لپاره یې څوک بې ځایه ټارګیټ او سپک نه کړل. تل یې ملي ګټې په پام کې نیولي او په هېواد کې د خیانت، فساد او ملي خائینیو پر وړاندې یې د مبارزې بیرغ تل اوچت ساتلی.

ګران بزګر صیب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کلیزې او بریاوو مبارکي وایم، الله دې همداسې لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د ملي ګټو او بيان ازادۍ په تله کې!

سرلوڅ مرادزی

د دعوت د ۲۹مې کليزې په وياړ!

تر نورو خبرو مخکې اړينه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کليزه او په راوروسته کې د دعوت بريښناپاڼې ښېګڼېزه او برياليۍ چلونه قدروړ او منلي شخصيت محمد طارق بزګر، د هغه همکارانو، او بيا ليکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپرونې او بريښناپاڼې سره همکاري لري او اړيکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووايم.

له هېواده ليرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپېريال او نيشت امکاناتو، د خپرونې د وسايلو او تخنيک د تيارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزګر صيب ۲۹ کلن قلمي او پوهنيز زيار چې مهالپير يې تر ننه پورې د يوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه يوازې د ستاينې او قدروړ دی بلکې د هېوادپالنې يوه داسې غوره بېلګه ده چې ځوان نسل يې بايد هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپرونې ټولو ګڼو ته لاسرسی نه درلود او يوازې ځينې مې لوستې او بريښناپاڼې سره له پيله اړيکه پالم، خو سړی ويلای شي دواړه، د دعوت خپرونه او هم بريښناپاڼه د هېوادپالنې په ګاڼه سمبال او د ملي ګټو په بيان، ملاتړ او ساتنه کې په تول پوره دي.

د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او بريښناپاڼو پريماني او ارزاني ده، خو ملي ګټو او د بيان ازادۍ سره د بريښناپاڼو او خپرونو چلند يو راز نه دی. يو شمېر يې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته ګټه رسوي او که د ژورناليزم نور ارونه او ځانګړنې ورسره غوټه شي چې زما د څانګپوهې له انګېره بهر دي، خبره نوره هم درنه او پېچلې کوي.

ملي ارزښتونو او ګټو ته ژمنتيا او د هغو ساتنه او همداراز د بيان ازادي هغه دوه وزرونه دي چې که يوه خپرونه يې ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژوندۍ پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له يادو ښېګڼو څخه يوه يې پېکه او يا دواړه يې پيکه او يا يې هيڅ ونه لري، څوک يې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزي. همدا لامل دی چې ځينې خپرونې ژر

(c) ketabton.com: The Digital Library

مري او اوږد ژوند نه لري او ځيني نورې لکه دعوت بيا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.

زه د دې دعوه نه کوم چې د دعوت خپروني به په يادو برخو کې کومه نيمګړتيا ونه لري، خو تر کومه چې زه يي ارزولای شم، په واړو ډګرونو کې په بريا پلونه اخلي او د لا بشپړتيا او پرمختيا پړاوونه وهي.

دعوت د افغان ټولو قلموالو او ليکوالو د ليکنو او لوستلو خونديځ دی. دعوت د کيڼلارو، ښيلارو، منځلارو او ګڼلارو ليکنې په پراخه ټنده خپروي او تر خپلې وسې پورې يي د بيان ازادي ژوندی ساتلې ده. تر اوسه زما هيڅ ليکنه چې ښای ځينو به يي د دعوت تګلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهنې خپرې کړې. همداراز زه ليکنې، خپلو بېلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسي په موخه نورو بريښناپاڼو ته هم ليږم، خو د ځينو نورو ترڅنګ دعوت په ډېر ورين تندي دا ليکنې خپروي چې ترې مننډوی يم.

يو وخت ما بلې بريښناپاڼې ته ليکنه لېږلې وه. په ليکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه ليکلې وه، نوموړې بريښناپاڼې چې نوم اخيستل يي اړين نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنګليد په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص يي د ارواښاد تش يوه کلمه قدرې هم پيرزو نه ده!

په پای کې د ملي ګټو او ارزښتونو خبره يو ځل بيا دلته رااخلم. زه خو وايم خپرونه دې د ملي هويت، خپل تاريخ او رواياتو په منځپانګه بډايه وي. که نور ورځچاري رنګارنګ مطالب خپريږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.

د خپروني په تګلار کې ملي ګټو ته ژمنتيا او په خپرونو کې د داسې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپرونې سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مينه زياتوي، هغوی د هېوادپالنې په روحيه روزل کيږي او په دې لامل د خپرونې ځلا او ښکلا لا زياتوي. د دعوت خپرونې چې په دې ګاڼه تر ډېره سمبالې دی، دې ټکې ته يي نوره پاملرنه هم رااړوم!

دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابرياوې غواړم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

خجسته کتاب دعوت

دکتور سید خلیل الله هاشمیان

جریدهء وزین دعوت اینک ۱۶ ساله می شود و در مسیر این مدت به مدیریت مسئول شخصیت مبارز، آقای محمد طارق بزگر، موقف ملی و مبارزهء ملی خود را برای احیای افغانستان آزاد، دموکراسی ملی، رفع و دفع هر نوع تبعیض و تاسیس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمی تحت اشغال قوای اجنبی قرار گرفته، جریدهء مبارز دعوت پیوسته به ضد اشغال اجنبی شعار داده است.

جریدهء مبارز دعوت همیشه از اتحاد ملی حمایت نموده و از حکومت دست نشانده نقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزیه طلبان دست به کار شود، زیرا تا زمانی که جنگ سالاران تجزیه طلب، ولایات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملی تامین شده نمی تواند.

جریدهء دعوت از اظهار حقایق هراس نداشته واقعیت ها را بی پرده بیان می کند، چنان چه در شمارهء مسلسل ۱۶۲ می خوانیم که در دورهء «حاکمیت متزلزل و فاجعه برانگیز مسعود- ربانی که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلاً ۵۰ فیصد عمارات ملکی و رسمی در کابل تخریب شدند... به استناد یک منبع معتبر خارجی، در فروری سال ۱۹۸۳، بین احمد شاه مسعود، عبدالرشید دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنیت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکمالاتی روس ها به جانب کابل تامین کند....»

جریدهء دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملی پشتو توانسته است در بین طبقهء وسیع دانشمندان پشتو زبان محبوبیت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زیاد به زبان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ملی دری، موازنه بین دو زبان را نیز نگه داشته و از لحاظ ژورنالیزم مانند پلی، فاصله بین امریکا، اروپا، آسیا را به هم نزدیک ساخته است.
تمنیات نیک خود را برای دوام و موفقیت این جریدهء مبارز ملی و برای صحتمندی و سعادت شاغلی محمد طارق بزگر بدین وسیله ابراز می کنم.
پیروز و جاویدان باد مبارزهء ملی به ضد ارتجاع داخلی و به ضد اشغال کشور توسط لشکر اجنبی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د کتاب په بڼه
پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنۍ خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدیخوا په ناروې کې د ښاغلی محمد طارق بزګر په سروالۍ خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.

د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کیدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکی ښاغلی بزګر دی چې له کډوال کېدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.

د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کډوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بیلو هیوادونو په تیره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډیر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کډوالان نه وو چې د ژوند ښه کولو د پاره به د خپل پروګرام له مخې له وطن نه وتلی وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کډوال شول نو ځکه د کډوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواك کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتلله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلی. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پیښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه ګڼه مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

(c) ketabton.com: The Digital Library

تاريخي ضايعه ده؛ ځکه چې په دغو خپرونو کې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعګانو انعکاس کړی و. په هغو کې د افغان کارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال ښيي چې افغانان به د شتمن ليکلي کلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينګه کيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره کې عامه او شخصي کتابتونونه چور شول، او ډير کتابونه يې وسوځول شول. په هغو کې زما کتابتون هم راځي چې له انګلستان او امريکې نه مې ډير کتابونه ورته راوړي او بيا د کابل د زاړه ښار د کتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او کتابګوټي راټول کړي وو. زما په کتابتون کې يو شمير اثرونه بېجوړې وو؛ لکه د برتانوي هند حکومت د استخباراتو د ځانګې يوه خپرونه چې د افغانستان د وخت د لويانو په هکله وه، او بيا ما د خپلې څېړنې درې کلنې مودې په بهير کې له ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومات پرې ورزيات کړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې په نيم تخته يې پاڼو کې شنه پښتي لرله او اضافي ليکنې يې په انګريزي کې زما په قلم دي شايد بل ځوك لوستلی ونه شي.

په کابل کې د طالبانو تر پرزيدلو نه وروسته د خپرونو يوه لويه ازاده دوره پيل شوې ده، خو د دغې دورې خپرونې دننه په وطن کې د لوستونکو د پاره دي. په داسې حال کې چې له افغانستان څخه د باندې په لويديځې او عربي نړۍ کې د دوو لکو په شاوخوا کې افغانان اوسيږي. له ښه مرغه د دغه افغانانو او داسې هم په وطن کې دننه افغانانو د پاره اوس هم په باندينيو هيوادونو کې خپرونې کيږي؛ لکه په امريکا کې "آئينه افغان" د ډاکټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، په کاناډا کې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، په جرمنې کې "ګوربت" د ښاغلي محمدآصف په همت او "اسه مايی" د ښاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريکې کې "کيوان افغان" د ښاغلی رحيم وحدت په مشرۍ او په ناروې کې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزګر په سروالۍ، دغه خپرونې هم ملي دي او هم يې د عمر کولو توان ښوولی. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخت ايستلی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کیږي او یا ملي نه دي، لکه د "امید" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې یوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کیږي.
لکه چې ړومبی مې وویل چې شپاړلس کاله کیږي چې دغه خپرونه د ښاغلی بزګر په زیار راووځي په باندینیو نااشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ایستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ایستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منډه لولي. بې له دې چې ځیر شي لیکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زیار ایستلی وي. په دغه اړه ښاغلی بزګر یو مثال کېدلی شي. دئ د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش یوه برخه د دعوت په ویستلو باندې لګوي. له دینه جوته ده چې د ښاغلي بزګر د دعوت د خپرولو هڅونکی قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ایستل د پیسو د پاره نه وي او نه هم دا د پیسو ګټلو لار ده، هغه هم په باندینیو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه ځرګندیږي.
دعوت د هیواد په دواړو رسمي ژبو خپریږي، خو د پښتو پله یې درنه او افاده یې هم معیاري ده. په هره ګڼه کې یو یا ده لیکنې په انګریزي هم لري، خو د دعوت غټه ځانګړتیا د هغې د لیکنو څنګه والی دی. لیکنې یې نږدې ټولې د افغانستان د پیښو په تېره د سیاسي پیښو په اړه تحلیلي دي، مهمې نړیوالې جاري پیښې یې هم په مخونو کې راوځي. په لیکنو کې یې په موضوع ګانو باندې بحث کیږي نه په فردونو باندې. هو، د فردونو کړه وړه او نظرونه او سیاستونه به پکې ډانډس کیږي او ټکول کیږي، خو پخپله هغوئ په سپکه نه یادیږي. دعوت د مدني اصلونو مراعات په ټینګه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصلونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په لیکنو کې د فرد حیثیت هر څوك او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کړه او فکرونه سپیڅلي نه کڼل کیږي، هغه سپړول کیږي یا یې قدر کیږي یا بېرحمه نیوکې او وارونه پرې باندې کیږي. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئولیت ګڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعګانو په ښو او ناوړو خواو

(c) ketabton.com: The Digital Library

باندې خبر کړي چې هغوئ او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. پـه دې حسـاب د دعـوت ليکنـې نـه ننـداره ييزي، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحليلي ليکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډير علاقه مندان، خوښـونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمـي مرسـتيالان دي چـې د وطـن د پيښو د بېلو بېلو اړخونو پـه اړه پخـې ليکنـې وراسـتوي او مرسـته ورسره کوي. دوئ په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زيات عمر کولو توان ورزياتوي. نو دعوت د يوې ګڼې موخې په لور په لويدځې نـړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ يوه ځرګنده، لوړه او ګټـوره بيلګـه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان ليکوالانو به يوه بل باندې پيژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم ګمان نه کيږي چې حتی د دعوت ليوالانو په هم د هغه ټولې ګڼې ساتلې وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حـال کـې د خپرونـو سـاتل اسـان نـه دي. نـو ښاغلی بزګر وړانديز کړی چې د دعوت غوره ليکنې د کتاب يا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوسـتونکي هـر وخـت چـې وغـواړي ترينه ګټه واخلی. دا يو بل ښه ګام دی چې ښاغلی بزګر پورته کړی. پـه دغه کار سره به د دعوت د غوره ليکنو ارزښت او پايښت نور هم يقيني او ګټورتوب به يې زيات شي. په دغه ګټور کـار کـې هـم زه د ښـاغلی محمد طارق بزګر برى غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت او محمد طارق بزګر

ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحیم

ګرانه وروره بزګر صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسې ته زړه لـه کـومې تبریـك وایـم چـې د دعـوت درنده خپرونه د خپلو لیکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډك تاریخ او په ځانګړې توګه د تیرو دیرشو کلونو په ترڅ کې چې زموږ د هیواد او هیوادوالو د سیاسي او ټولنیز ژوندانـه یـوه ډیره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د یو شـمیر هغـه هیوادوالـو چـې د ډیرو ستونزو په ګاللو سره، هیواد او هیوادوالو تـه د خـدمت او خـیر پـه نیت د مطبوعاتو او تبلیغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاالله به زموږ د تاریخ یوه مثبته برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تیرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانیت باندې باور او ډیـر صـبر نـه شي تر سره کیدای.

د تیرو دیرشو کلونو راپدیخوا زمـوږ هیـواد د پردیـو او د هغـوئ امربـرو افغانانو د لوبو او تجربو میـدان پـه توګـه کـارول شـوی دی چـې افغـان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډیرو قربانیو او مصیبتونو د ګاللو سره سـګره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصیبت لاس په ګریوان دي. که څـه هـم د نیکه مرغه په هیواد کې دننه تر یو حده دا زمینه مساعده شوې ده چې یو شمیر ازاد نشرات رامنځ تـه شي خـو د هیـواد نـه بهـر میشـته افغـاني موقوتې خپرونې او الکترونیکـې وسـایل د خپرونـې لا اوس هـم خپلـه ځانګړې وظیفه لري او صبا به یې هم ولري.

د افغان ولس اکثریت او موثرې طبقې ښایي چې د خپـل موجـود لـوی مصیبت د جریان نه د واقعیت درك کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حیث نه یوازې د نـورو ولسـونو او هیوادونو څخه په تجرید کې ژوند نه شي کولای، بلکـې دا وظیفـه یـې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهـذیبی هویـت څخه د دفـاع تـر څنـګ د بشـري تـولنې سره د سـوله ییـزو او د هغـوئ مشروع حقوقو او هویت ته د احـترام پـه واسـطه حتـی المقـدور نـژدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

اړيکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هيوادونو د مشروعو حقوقو د تامين په لاره کې د ټکر له پاره زمينه برابره نه شي. زما په نظر د هيواد نه په بهر کې ميشته افغاني ذکر شوی خپروني اصلی نقش په دې اړوند به ځانګړی اهميت ولري.

دا نقش په حقيقت کي په دې اړوند د يو منصف او د يو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.

کوم د انصاف او واقعيتونو پر بنا متکي تنقيدونه چې په هيواد کې دننه ميشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځينو عواملو او محدوديتونو له کبله نشي خپريدلی، بايد د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو په واسطه هرو مرو هيوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو وظيفه به وي، چې په هيواد کې دننه د مثبتو پيښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غير افغاني علاقه لرونکو کړيو په خبرتيا ورسول شي.

په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپرونې د يوې خوا نه د افغان ولس د تنقيدي غبرګون د خپرونې نقش تر څنګ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوا نه به د هيواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړيکو د ټينګولو او پراختيا عامل به وګرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البيني ښو اړيکو د تقويې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.

د دې کبله ښايي چې د هيواد نه بهر ميشته افغانان (که د نورو هيوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درندې خپرونې او نورو په بهر کې ميشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادي او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبريك وايم او درته اجر، ډير صبر او توفيق غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره زما اړیکه
هلمند پردیس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره په خپلو اړیکو وغږیږم، غواړم د دغه رسنیز مرکز په ځینو ارزښتونو او خدمتونو یو څه ووایم. دعوت خپلواک رسنیز مرکز په حقیقت کې یو خپلواک او د رسنیو په ډګر کې یو بې پرې او ازاد رسنیز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختګونه ټول د افغانستان او افغان دردیدلي ولس سره تړلی او د دوی اواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه درووند بار ته دا نهه ویشت کاله کیږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنیز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنګه دغه رسنیز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کامیابۍ راز یې په خپله د دغه رسنیز مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب دی. د ده ډیرې هڅې، زیار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مینه دا هغه څه وو، چې محترم بزګر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړي دي، او دغه رسنیز بهیر یې تر هدف رسیدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن یې موږ تاسې نهه ویشتمه کلیزه لمانځو.

محترم مشر بزګر صاحب سره د ډیرو نورو ښو خاصیتونو لرلو تر څنګ یو بل ارزښتمن خاصیت دا دی، چې هغه ریښتوني وطندوسته شخصیت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر ګامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبیلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنیز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم وروڼه ملګري او همکاري کوي، او بزګر صاحب دا خبره په حقیقت کې په اثبات رسولي ده، چې یو شاعر یې په خپل شعر کې وایي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې
ما ته یو دی که مغل دی که افغان

پوره یوه لسیزه مخکې چې کله ما د مسافرۍ په درشل قدم کیښود د وطن بېلتون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مینې داسې اورونه بل کړل، چې زه یې لیکلو ته اړ ایستم. لیکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلي مین وم، حتا له کلي بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنګیده، خو

(c) ketabton.com: The Digital Library

چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مینه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستۍ احساس او مینه وه، چې ما به د انترنیت له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شریکول. شپږ کاله پخوا د دعوت میډیا خپلواک رسنیز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنیز مرکز ته به مې خپلې نیمګړې لیکنې ورلیږلې او د دغه همکارۍ په نتیجه کې له محترم مشر بزګر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به یې زه هڅولوم، چې زما لیکل ښکلي او په تول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما لیکلو بلا تیروتنې لرلې، کیدای شي اوس یې هم لري، خو زه محترم بزګر صاحب زړه ماتی نه کړم، او هر وخت یې مناسبې لارښونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښونو برکت و، چې څلور کاله مخکې بیا د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخیستي، د دې لپاره ما دوه دلایل لرل، یوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مینه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم یې، ما باید دا په عمل کې اثبات رسولې وای، څکه چې افغان وطن او ولس پر موږ حق لري، چې خدمت یې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوګه شم او بله وجه یې د محترم مشر بزګر د کار او خدمت څخه متاثره کیدل ؤ، چې ده هم له چا څخه په دغه بهیر کې اجوره نه ده اخیستې او خپل وطن او وطنوالو ته یې دا نهه ویشت کاله وړیا خپل رسنیز خدمتونه وړاندې کړي دي.

په پای کې زه مشر ـ بزګر صاحب ته دوعاګانې کوم، چې ستر رب العزت یې عمر ډېر او ارمانونه یې پوره شه، او لوی خدای دې موږ ته هم دا توفیق راکړي، چې په دغه بهیر کې ورسره ریښتوني ملګري پاتې شو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال نشرات جهانی
کمپلکس دعوت تبریک و تهنیت باد

استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است.

دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد وشخصیت برازندهء بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ – ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنونده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزودارم.

شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشهء خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود.

اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه‌ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی‌توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه‌های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خودکامه گی نوع توتالیتر است.

این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمردر اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟

دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به دستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزهء صادقانه وبی الایشانه نموده و

(c) ketabton.com: The Digital Library

شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کردن تمام نیرو های دموکراتیک تا بنای حکومت قانون، تا ختم جنگ و برادرکشی، تا تحقق آزادی، مردم سالاری، سیکولاریزم و خردگرایی در سرزمین درد دیدهء ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطهٔ شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی برای ایجاد ارتباط وطنی، افغانی و روشنفکرانه برای توسعهٔ دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن است. دعوت برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعوت، تریبونی برای آزادی، دموکراسی، روشنفکری، عدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انداز به نام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبی و بر علیه دزدان، چپاولگران، آدمکشان، جنگسالاران، سلاحداران، قاچاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نموده و در این مسیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمی گذارد و آنانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چور و چپاول باشنده گان این خطهء تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پول، کرسی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنان را برای ملت غیور افشاء و رسوا می نماید.

به عقیدهء من، نویسنده گان، قلم به دستان و همکاران رسالت مند دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خواهی و افتخارات میهنی خود را به یاد داشته باشند و در مسیری روشنگری مردم جد و جهد

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیشتر نمایند تا بـار دیگـر بـه پیشـرفت هـایی در زمینـه هـای اقتصـادی، اجتماعی و حقوق انسانی دست پیدا کنند.
مردم ما باید آزاد باشند تا به خود و آیندۀ کشور امید داشته باشند. همـۀ ما باید برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تـا بر نیرو های سلطه گر و چپاول پیشه چیره شویم.
ما باید با امید و میل به دستیابی به رفیع ترین قلل افتخار برای کشـور بـه سمت آینده حرکت کنیم. زمان پیشرفت و ترقی به وسـیلۀ مـا در زمینـه های هنری و فرهنگی فرا رسیده، پیروزی نزدیك است و تغییر اجتنـاب ناپذیر است.
دعــوت بــا پیــروی از اصــول آزادی و حقــوق بشــر و دموکراســی ومردمگرایی به قوی ترین شبکهء جهـانی بیشـتر ازگذشـته مبـدل شـود.
زمانی قدرت‌های بزرگ بـا ورود مسـتقیم بـه کشـورها، جهـان سـوم را غارت می‌کردند، ولی حالا در هـزارهء سـوم در ظـاهر بـه نـام آزادی و دموکراسی می‌خواهند ملت‌ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.
باید در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگ سالاری هوشیارانه عمل نمایم تا آنان عقیـدهء پـوچ و بـی معنـی منطقـه پرسـتی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغـان و افغانسـتانی، شـمالی و جنوبی و ستم طلبی و سلطه خواهی چـون ویـرس مهلـك و کشـنده بـر جامعه تزریق نکنند تا بار دیگـر شـاهد بـدبختی، فلاکـت و سـیه روزی وطن و مردم ستم دیدهء آن نباشیم.
ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما درکشور، تجربهء عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسای وطن حقوقی دارد کـه بداننـد و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حـق نـدارد کـه آنـان را از چنین حقوقی محروم کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقهٔ اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیدهء بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند.

هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدیدآورندهٔ آن هاست، دارد.

در دورهٔ مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالا ترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هرکس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من معتقدم که وظیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیهٔ انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مشتی اوباش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطقوی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی

استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پاڼې د درویشتمې کلیزې په ویاړ

استاد ابوبکر ساپی

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزګر صاحب محنت دئ
څوک صفت د خپلی پاڼی څوک د ځان کړي
د دعوت د پاڼی بی ساری شـــهرت دئ
څوک يي ستايي په شعرونو او نغمو کښی
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښی، همدا يې حقانيت دی
ګوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دین بیان ستر امانت دئ
په وطن باندی يهودو يرغل کړی
بی ګناه وژنی همدا يي ستر خيانت دئ
هرې خوا ته دی ورانکاری را ټول شوي
سر و کار يي شيطانت او ضلالت دئ
د دعوت پاڼی درنو لوستونکو واوری
يي قلم په لاس هم ډير مو مسووليت دئ
له دعوت سره د دين دعوت کښي مل شی
د صافی لخوا همدغه يو وصيت دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک!

محمد امین بسمل

د یو هېوادپال، ولس پال درانه او مـلي هڅانـد افغـان پـه لاس ابښـودل شوی نیالگی (دعوت) ثمر ته ورسېد. دا نیـالگی د هجـرت، غربـت او لاس تنگي په داسې بدو حالاتو کـې کښېښـود شـو، چـې د راتوکېـدو، زرغونېدو، لویېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هېلې یې زیاتې نه وې، خو د یو متین او سنگین انسان په همت یې دا ټول پړاونه او مزلونه په بریا سره ووهل. مبارک دې وي بیا هم مبارک!

درویشت کلن دعوت نن هغه ښایسته او صالح اولاد ته پاته کیږي، چې نه یوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترگو کې خوږ لگي، بلکې کلیـوال او سیمه وال هم سترگې پسې اړوي (له نظره مه شي گرانه دعوته).

احساس مې په غربت کې اوښکې تویه کړي له سترگو
چې لولمه لیکنې د پتمنو په دعوت کې
د هیلو مات وزری مرغی بیا په الوت راشي
امید دی چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هیلو دا مات وزری مرغی به څه وخت سرمنـزل تـه پـه الوت شي، لا خو وخت ډېر دی، خو بیا هم د دې تمه شته، چې یـو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راگرځم د دعوت میوه لرونکي نیـالگي تـه، چـې ایښـودونکی یـې یـو داسـې پـتمن افغـان دی، چـې د توصـیف لپـاره یـې د پـوره الفـاظو په راټولولو کـې ځـان عـاجز گـڼم. زمـوږ دا گـران افغـان محمـد طـارق بزگر نومیږي.

د ښاغلي بزگر صاحب د همـت، هېوادپـالنې او متانـت پـه اړونـد زمـوږ نورو درنو افغان لیکوالو خپل ښایسته نظریات وړاندې کـړي، خـو کـوم څه، چې ما د بزگر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

ـ د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکی.
ـ د پراخې سینې (حوصلې) څښتن
ـ ماهر او هېوادپال ژورنالست
ـ جذاب، حلیم او صابر انسان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ــ پالونکی، مرستندوی او حقبین
ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزګر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره تیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له تیلیفوني اړیکو ما د بزګر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې تیلیفوني اړیکه ورسره ټینګه شوه نو دې ته یې اړېستم، چې یو څو هر اړخېزې پوښتنې ورڅخه وکړم. جالبه خو داوه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.
که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزګر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزګر صاحب خپل تګ لوری سم ټاکلی و.
د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وېیلای شم، چې د دعوت نوښتګر هم بزګر و هم زرګر. زرګر په دې مانا، چې ویې کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپرونې پرې زرینې او رنګینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.
د یادولو ده، چې موږ غم لړلي افغانان (پښتانه) له نېکه مرغه نه یوازې بزګر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لر او بر، تل افغان، بېنوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغۍ او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېبپاڼې چلوونکي لرو، چې د سړي زړه پرې باغ باغ شي.
زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او دردوونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بریالي وي.
د خپلې لیکنې په وروستۍ برخه کې په موږ ګران بزګر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنګ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو ګرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېږي، دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

به په دې مانا وي، چې هغه له يادو ويبپاڼو او ملت سره دغـداري نيـت لري. زما د وړانديز د نه منلو په صورت کې دې بزګر صاحب او دا نـور درانه افغان ويبپاڼې چلوونکي د هغو مرمـوزو او مغرضـو کسـانو ليکنـې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورلېږي يا خپـرې نـه کـړي او يـا دې په داسې يوه ټيټه او ځانګړې کتګـوري کـې خپـرې کـړې، چـې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لګي.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت درانه چلوونکي محمد طارق بزګر ته د زړه په مينه د دعوت د پاخه زلميتوب مباره کي وايم.

محمد امين بسمل
د جرمني له بايرن ايالت څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library

دريم خپرکی:

پيغامونه

د منزل په لور د دعوت ديرش کلن مزل

ولي الله ملکزی

که د نړيوال ستيج په پاسني لوړ کې، د نامي امپراطوريو او تهذيبونو د عروج او زوال تابلو ته ځير شو، نو هرو مرو به مو يقين راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسيدلو لپاره په پيړيو پيړيو مزلونه شوي ترڅو د دوئ د ځواک ځولۍ ډکه، ارته او وغوړيږي.

د رسنيو دنيا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو يو ستومانه او ديته ورته تاريخ لري. د لرغوني چين دنګ ديوالونه، د بغداد منارې، د بيروت کوڅې، د اروپا ښيرازه ورشوګاني او د امريکا سيلکن ويلي، ټول د دې شاهدان دي چې د نړيوال کلي جوړول او يوه ځنډه له بلې سره نښلول څومره ګران، څومره هڅو او څومره شوګيرونوته اړتيا لري؟

له نن ديرش کاله وړاندې، د دعوت په نوم يوه کوچنۍ او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دې ستر کاروان له وروستۍ جوپې سره يوځای شوه او پدې زيره او شګلنه لاره يې قدم وهل پيل کړل. لا د خاړپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کې لمړنۍ شماره چاپ او ځما د ګوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پيسې نه وې او کله به د متوازنو اوغوښنو ليکنو او مقالو کمی وو، خو ټينګ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنګونو وه. دعوت کومه اسماني صحيفه نده چې غلطي او اشتباه به نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننګه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننګوي چې د جګړې سپرغيو ته ببوزی وهي. دعوت د دريو لسيزو پدې اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاړه کړې او نه يې د څه واخله او څه راکړه سودا کړی ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رڼا مبارزه برياله ګڼي او له کرکۍ ځخه، کرکه لري. دعوت د مينې ساندې زمزمه کوي او د پخلاينې له شعار سره ستونې نرموي.

کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت خپروني د رواجي پاڼې په ځای د ويبپاڼې بڼه غوره او د انټرنيټ په نيلۍ سپره شوه، نو غږ يې د نړۍ په ډيرو

(c) ketabton.com: The Digital Library

برخو کي غوړونه پیدا کړل. دا اوسنۍ کلیشه یی د یوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماینده ګي کوي او ښایسته ډیر څه پکې سترګو، سترګو ته کیږي.

څما کشر ورور او د یو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزګر د ښې حوصلي او څرګند لرلید خاوند دی. د مالي او تخنیکي ستونزو سره سره یی و کولای شول تک تنها دومره غټ او درووند پیټي ته اوږه ښکته کړي او دی ځایګي ته یی را ورسوي.

موږ ولیدل چې د روسي ښکیلاک په مهال او بیا وروسته مرحله کې، د خدای بلا ورځپاڼې، مجلي او رقم رقم خپروني را میدان ته شوې، خو په څومره چټکۍ چې راغلي وې په هماغه سرعت سره تری تم شوې. ولې دعوت د وخت او شرائطو ګواښونو وارخطا نکړ، میدان یی پری نښود او د منزل په لور خپل مزل یی همداسی جاري وساته. دعوت نن لوستونکي لري، د افغاني رسنیو په کتار کي خپل پرستیژ لري او د خبر او څیړنو د یوې سرچینې په توګه ور باندی حساب کیږي.

هیله مند یم چې دعوت به د تیر په څیر، په راتلونکي کي هم د خپل دین، ولس او ارزښتونو په څنګ کې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپروني به لا وغوړیږي، لا به وځلیږي او لا به ګړندۍ او میړنۍ شي.

سکرمنتو، کلیفورنیا- امریکا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت سره زما ملگرتیا

استاد عمر پاڅون

دعوت سره زما ملگرتیا ډیره پخوانۍ ده چې لسگونو کلونو تـه رسـیږي. دعوت هغه وخت په خاپوړو کې وو په قلم به په څو محـدودو مخونـو کې په لاس لیکلی چاپېده. دا دی اوس دعوت په کمپیوټر او د انترنـت نړۍ کې لوی او بیل ځای لري. دعوت یواځې یوه چاپي جریده نه ده د دې پـه څنـگ کـې څلـور جـلا ویبپـاڼې، دوه پښـتو او درې: www.dawatmedia24.com، www.afghansabawoon.com، یوه انگلیسي www.dawatmedia.com او یو پښتو ټلویزیوني چینـل www.astv24.com چې لا هـم د کـار لانـدې دی، چـې پـه دې سره دعوت یو رسنیز مرکز دی، یو ځواک دی، یو قوت دی.

زه بوډا شوم خـو خوشـاله یـم چـې دعـوت خپلـه دیرشـمه (۳۰) کلیـزه لمانځي. اوس نو یو سړی په زغرده ویلی شي چې د خپل هېواد څخـه بهر د افغانانو په ځانگړي ډول د پښتنو یوه نړیوال رسنیز مرکـز (دعـوت میډیا) شته. دا ټول د محمد طارق بزگر نه ستړیکیدونکی هلې ځلې دي چې په یـواځې سر د دعـوت جریـده پـه ښـکلی ډول چـاپ او د نـړۍ نېژدې ۵٦ هېوادونو کې خپلو افغانانو او غیر افغانانو ته رسیږي.

د هېواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافرۍ په ژوند کې د خپل شخصي لگښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسـې ډول چـاپ، خپـرول او تـر مینه والو رسول څـه اسـان او د هـر چـا د وس کـار نـه دی چـې دا ټـول محمد طارق بزگر صاحب په یواځې سر پرمخ بیایي. نو د لـوی خـدای (ج) په دربار کې ورته اوږد عمر او قلم یې تاند غواړم.

د دعـوت درنـو قلمـي همکـارانو، لوسـتونکو، مینـه والـو او پـه سر کـې فرهنگیانو او فرهنگپالو څخه هیله لرم چې دعوت درنې میـډیا او پـه سر کې د دعوت دروند مشر محمد طارق بزگر صاحب یوازې پـرې نـږدي لکه چې تر اوسه یې یواځې پریښې نه دی. په راتلونکي کـې همداسـې خپلې ټولې مادي، معنوي او فرهنگي مرستې رواني وساتي، تـر څـو پـه بهر کې زموږ دا فرهنگي / کلتوری شمع تل روښانه وي.

شتوتگارت - جرمني

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده

ډاکټر صلاح الدین سعیدي

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده او د لمر حیثیت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنګه او یا ډېر ضعیفوي.
زه د دعوت د ویبپاڼې سره له یوې لسیزې زیات ډېر کلک روابط او علایق لرم او د دې پاڼې او نشراتو نه مو پوره پوره ګټه اخېستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.
الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکوونکو او تنظیمونکو ته او په ځانګړي توګه جناب محمد طارق بزګر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې بریاوې په برخه کړه. ستاسې با مسؤولیته او ستر تنویري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانیت په ګټه، سولې او ښه تفاهم په ګټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتیژیک مرکز د علمي شورا په نمایندګۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم.
الله (ج) مو نور هم کامیاب او بریالي لره. ومن الله التوفیق

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډير څه مي له دعوته زده کړه،
او ډير څه نه پکې خبر شوم

نجم شينواري

د دعوت خپروني د ۲۹ کليزې په وياړ!

بزگر صيب! زه به درته ووايم، په ۲۰۰۲ کال چې زه مصر تـه د تحصـيل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهيدم، اخبار، تلويزيون هرڅه عربي، يو څه موده و روسته چې مصر کي د پخوانيو افغان محصلينو سره لږ بلد شو، او د هغو کوټو ته تگ راتگ پيـل شـو، يـوه ورځ مـي د يـو افغـان محصل گلاب سيد په کوټه کي د دعوت خپرونه وليده، ښه په غور غور مي ولوستله، ډير مطالب پکي وو چې ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملگـري چـې نـوي راغـلي هغـو ځـان سره د پيښـور نـه يـا افغانسـتان نـه راوړې ده، ملگـري نـه مـې وپوښـتل دا مـو پاکسـتان نـه راوړي..؟ هغه وويل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ويل نو څنگـه راځـي؟ وايي دا په اروپا کي ځيني افغانان چاپوي، او بيا يـي پـر افغانـانو مفتـه ويشي، وايي تر مـا د مخـه دا پـه بنـډلونو راتلـله، چـې چاتـه راتلـه هغـه محصلين تللی، خو خپرونه اوس هم په دي ادرس راځي... بيا بـه نـو زه هم ورته انتظار وم، چې رابه غله نو هغه به ولوستله، وروسـته بـه زمـا وار وو.. ډير څه مي پکي زده کړه، او ډير څه نه پکي خـبر شـوم، او ډيـرې دعاگاني مو درته هلته کولی.. ولو چې ما تاسي نه پيژندلی... خو قسمت مو وو... او د پيژندگلوۍ هم يو جالبه کيسه ده... که تاسي ته ياده وي... ماته خو ياده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هيواد او ملت خـدمت تـه تل تاند اوسې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت رسنۍ، نهه ویشت کلنه شوه

عظیم الدین علیمي

دعوت رسنۍ نهه ویشت کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت میاشتنۍ خپروني د لوستني ویاړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشراتي ژوند بشپړتیایي پړاوونه په ډېره ښه توګه وهلي او د رسنیو په کتار کې یې خپل ویاړلی ځای موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هیواد د ادیبو، ژبپوهو، تاریخپوهو، ټولنپوهو، سیاستپوهو او په نورو برخو د مسلکي لیکوالانو پام ځان ته واړولی او د هغوی همکاري یې خپله کړې چې په پایله کې د نشراتي ډګر ځلانده خپرونه ګرځیدلې او په زرګونو لوستونکي یې موندلي دي.

په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوۍ سره د هیواد ستونزې له ملي دریځه څیړلي او د هیوادوالو د اذهانو په روښانتیا کې یې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.

د دعوت میاشتنۍ خپروني له لارې، د افغانستان ځوریدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنۍ د مؤسس او د امتیاز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزګر، شپه ورځنۍ هڅې او زیار د ډېر قدر او ستاینې وړ دي.

د دعوت خپروني د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت ښاغلي بزګر صیب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وایم او د بزګر صیب د لا زیاتې بریا هیله کوم.

هیره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزګر د دعوت میډیا ۲۴ په نامه د ویبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې یې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي یې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزگر»، دست اندرکاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادتمندی، کامگاری و موفقیت های شمارا تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کار های زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانهء هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت مندانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفهء تو دعا گفتن است و بس

در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همهء تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت له هماغه لومړۍ ورځې
خپل روښانه افغاني دریځ درلود

ډاکټر لطیف یاد

د دعوت درنه پاڼه چې د ۱۹۸۸ زیږدیز کال د دسامبر د میاشتې نه یې د ناروې په هیواد کې خپلې خپرونې پیل کړې دي د هیواد د نامتو ژورنالیسټ او لیکوال ښاغلي محمد طارق بزګر صیب په مشرۍ خپریږي. د خپریدو له هماغه لومړۍ ورځې نه یې خپل روښانه افغاني دریځ درلود او ویې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپریدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځلیږي.

دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دینې، ټولنیزو، تاریخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسیس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ویشت کلونه یې پوره کیږي، ډیر په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي یې دي.

د دعوت میډیا سینټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګریزي ژبو هم خپروني کوي چې دغه ګام یې په رښتیا سره هم د قدر او ستاینې وړبولم.

زه د دعوت د ویاړلې پاڼې د نهه ویشتمې کالیزې په ویاړ ښاغلی بزګر صیب ته مبارکی وایم او ده ته د لا زیاتو بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزګر

عاشق فنا

دعوت، دعوت میدیا او محمد طـارق بزګـر د اوسـنی نړیـوال سـیاسی- کلتوري تاریخ زرینی پاڼی دي. په دی زرینو پاڼو به کتابونه ولیکل شی او د بشری افتخاراتو په خزانه کی به خپل ځلانده او روښانه ځای ولری. طارق بزګر، دعوت او دعوت میډیا د افغانستان او افغانانو په ټولنیز ژوند کی د نوښت، بدلون او مثبت پرمختګ، علمی او منطقی زیری دی.

بزګر، دعوت او دعوت میډیا هغه انسـانی روښـانه څراغونـه دي چـی د ټولنی تاریکو برخو ته د علم، سعادت، پرمختـګ، آزادۍ او خپلـواکۍ رڼا خوروي.

د دعوت هره شیبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشریت تـه مبارک شي!

عاشق لونګین فنا

مبتکر و صاحب امتیاز مدال جهانی «انسانیت، صلح، علم»

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و نُه ساله گی رسانۀ دعوت میدیا پُر میمنت

ف. هیرمند

مدت زیادی نمی شود که نوشته های ناچیزم را به وبسایت «دعوت میدیا» می فرستم که جناب طارق بزگر اداره و رهبری آن را عهد دار می باشد. این رسانه به دلیل نشرات ملی گرایانه اش، خواننده گان بی حساب دارد و با انتشار مسایل و مطالب روشنگرانه و وطنی و ملی خود عطش خواننده گان بی حساب هموطن خود را فرو می نشاند.

رسانه ای که مقتضیات زمان را بداند و به این درک اش مطمئن باشد که سرزمینی که برای خاک و مردمش نشرات دارد، نیازمند دریافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص می باشد.

این کشور در وضعیت وخیمی به سر می برد و نیاز اساسی دارد که در تحکیم و صیانت اتحاد باشنده گان آن کار خالصانۀ نشراتی به عمل آید و با این انتشارات، وحدت آنان هرچه بیشتر استحکام یابد و از ارزش های سرزمین یک پارچه و واحد کشور در هر گام تبلیغاتی، نگهبانی شده و در همین روند از دارایی های مادی و معنوی و هر داشتۀ افغانستان حراست به عمل آید.

وبسایت «دعوت میدیا» در این عرصه ها با مسؤولیت و حساسیت قابل توجه کار و نشرات می نماید و مساعی به خرج می دهد تا این آرمان ها با دقت و مؤثریت مطلوب تحقق یابند.

برای جناب طارق بزگر و سایر گردانند گان نجیب این رسانه دعا و تمنای پیشرفت های بیشتر و بیشتر را دارم. افتخار ماحصل فعالیت رسانۀ دعوت میدیا به همۀ شما مبارک!

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت درویشتمه کلیزه دې مبارکه وې

انجنیر فضل احمد افغان

زما ګران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزګرصاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نیکې هیلی تقدیمه وم.
زه ډیر خوشحاله یم چه د دری کالو را په دیخواه ستاسی د ډیر دروند علمی، دینی، سیاسي او اجتماعی ویبپاڼې نه استفاده او ډیری ارزشمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمینان سره ویلای شم هغو وطنوالو چه په تیرو درویشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نه ګټې پورته کړی وي باید اوس په دینی، سیاسي او اجتماعي علومو کی لکه یو اکادیمسین په څیر د ملي او بین المللی چارو باندیې هر اړخیز بحث او لیکنی وکړی.
زه ویاړم چه د دعوت د ویبپاڼی سره اړیکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځی مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دین، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم او د دعوت درویشتمه کالیزه د زړه له کومی تاسی او ټولو ګرانو وطنوالو ته مبارکی وایم. خدای دی مل شه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال پُر فیض دعوت مبارک باد!

انجنیر فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهایت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخیر با داشتن افتخار استفاده از ویبسایت وزین دعوت، توفیق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاریک، بی علمی خود را با مسائل سیاسی، اجتماعی و علوم دینی منتشرهء ویبسایت وزین دعوت تنویر کنم. به یقین آن خواهران و برادران هموطنم که در بیست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزیز ما در دعوت مستفید شده اند، امروز به حیث شخصیت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظیفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پیشبرد وظیفهء مقدس ملی که عبارت از تنویر و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصیت های ملی هموطن ما، خاصتاً در این مقطع زمانی که مادروطن عزیز در آتش جنایتکاران داخلی و خارجی می سوزد، میباشد. این مؤفقیت بزرگ را به شما برادر عزیز و هموطنان میهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنویر می کنند، از صمیم قلب تبریک عرض و از بارگاۀ خداوند متعال، آرزوی مؤفقیت های مزید شما را می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ادیسی ادبی ټولنې پیغام

پښتون هر وخت د توپک او جنګ په دوستور ویاړلی دی، ده دا دوستور لمانځلی دی، او د تاریخ پاڼې یې هم په د دستور رنګینې کړې دي، نو ځکه د پښتانه په کور کې د جنګ او د دغه ویاړلې تاریخ دغه بدرنګ دستور لا تر اوسه هم لمانځلی کیږي؛ خو بل طرف پوهه او قلم دي چې نني پرمختللي جهان تري برخمن دی او راتلونکې یې هم روښانه ښکاري، مګر پښتنو پدې برخه کې ډیر کم فکر کړی دی چې د پوهې او قلم سړي د سر سړي بلل کیږي، خو دا بیا زموږ ګاونډیو هیوادونو درک کړې ده چې زموږ د پوهې او د قلم سړي یا د مرګ کندې ته ورغورځوي، یا دوی باید د غربت شپې د بل په دیار کې صبا کړي او موږ لا تر اوسه پدې فکر کې نه شوو چې د پوهې او د قلم خاوندان باید ولمانځل شي، ونازول شي، تر څو پدې لار کې نور خواري هم وکړي.

جنګ په هر رنګه حلاتو کې پښتون ګټلی دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلري. علت یې دا دی چې پښتون جنګ ګټلی دی، خو قلم یې بایللی دی.

د افغانستان په ټولنه کې عموماْ ډیرو کمو خلکو دیته پام شوی دی چې علم او پوهه د یوه هیواد راتلونکې مسیر ټاکي. هغه چا چې د علم او پوهې څخه ګټه لیدلې او تري خوشاله دی، ځکه چې ده په دغه لاره کې ډیر زیار او زحمت ایستلی دی چې نورو ته یې هم ګټه ورسیږي، ژورنالیست، لیکوال ښاغلی محمد طارق بزګر صیب یادوم.

ښاغلی بزګر صیب د ژوند په دغه راز پوهیدلی دی چې علم او پوهه د انسان راتلونکې تقدیر او تدبیر کې جوړونکې رول لري، او همدغه علمي پوهه ده چې نن انسان تر مریخه هم رسیدلی دی.

ښاغلی بزګر صیب د پښتنو او پښتو ژبې له حاله خبر سړی دی، او ده محترم دا درک کړې ده چې هر انسان باندې خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لري چې ورته خدمت وکړي، نو ځکه باید سړی په ځان شپه او ورځ یوه کړي او عملي کار وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی بزګر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چې همدم ګړی د دعوت ورځپاڼې او دعوت ویب پاڼې چلونکې مسوول دی، او همدارنګه په علمي سیمنارونو کې برخه اخسیتل، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یې بله بیلګه ده.

ښاغلی بزګر صیب د ملي یوالي په برخه کې هم بې تفاوته نه دی پاتې شوی، او نن یې خپل ځان تر هغه سرحده رسولی چې موږ یې باید قدر وکړو او ستاینه یې وکړو.

د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځ به نورو ته هم دا جرات ورکړی چې دوی به هم په دی لار کې زیار او زحمت وباسي، او په دی به پوه شي چې عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس.

ښاغلی بزګر صیب ته د اوږد ژوند هیله لرو، په علم، پوهه او قلم یې برکت شه او په اخیر کې د سویلن په هیواد کې زموږ مسافر میشتي ورونه ((د زلمو پاڅون)) ته د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځې مبارکې وایو، ستاسو په همت او وطنپرستې افرین. ستاسو د لا نورو بریاو په هیله.

د ادیسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د هر چا نظر او هیلي خپرې کړې دی

نیک هدایت ځاځی

نیکې هیلي او سلا مونه!

زه د دعوت اخبار ۲۳ کلنۍ په اړوند او همدارنګه دعوت وېبپاڼې او د پښتو لمړني انترنېتي تلویزیون په اړوند کوم چه په ډیرو مالي مشکلاتو او کمو امکاناتو د هیواد تکړه او پر افغانستان مین خبریال او لیکوال قدرمن محمدطارق بزګر تر مدیریت او مسئولیت لاندي په کار او فعالیت شروع کړي ده، خورا اغیزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چي د هر چا نظر، هیلې یې په دعوت کې خپرې کړې دې؛ پوره بې طرفي، استقلالیت، رښتینولي او د هیواد د وولسونو، قومونو، لیکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه یې کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نو له دې کبله دعوت ۲۳ کلیزه د دعوت رهبرۍ هیئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وایم. د لوي خدای (ج) له درباره ورته لاډیرې بریاوې غواړم. ورسره هیله کوم چي افغانان دعوت اخبار، ویب پاڼې او د لمړني پښتو ټلویزیون سره تر خپل توان پوري مالي مرستي وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلویزیون لاغني شي. ستاسو لابریاوي زما هیله او ارزو ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم

محمد ایاز نوری

د دعوت د رسنیو د مرکز محترم مشر، افغان ملی شخصیت محمد طارق بزګر او ملګرو ته! سلامونه او شې هیلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ویب پاڼې درویشت کلنه کلیزه د زړه له کومې درته مبارکي وایم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجودیت او خپرونې زمونږ د افغاني ټولنې د اکثرو په ژبه یعنې په ویاړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټیز لوی اهمیت وړ موضوع ده، ځکه زمونږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خیانت ورسره شوئ او دا کرغیړنه لړی همدا اوس هم روانه ده. په دې بهیر کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم او په ځانګړي توګه د خپل ورور د افغان ملت خدمتګار محمد طارق بزګر صاحب زیار او قرباني ډېره ستایم. که د بزګر صاحب ملي احساس او مستمر زیار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ بریالیتوب ته نه وای رسیدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت په ویلو استوار ول او دي. قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې یوه رسنی د یوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کیږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاین ور نشي ورټکولای.

د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختګ کړئ او کافي افغانان یې په دننه د هیواد او بهر کې هره ورځ او شپه ګوري او خپله لازمه استفاده ورڅخه کوي.

د دعوت د ویب پاڼې په هکله زما یو وړاندیز دا دئ، چې د هر لیکوال په نوم، یوه د آرشیف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د لیکوالانو د آرشیف په نوم چې که خپله اړونده لیکوال او یا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تیار او ورپه لاس ورشي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د یوه افغان په حیث، چي هیواد او ملت مي ډېر راته ګران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کلني هر افغان پال او آزادی پال وطنوال ته ورمبارکوم. عالیقدر محمد طارق بزګر صاحب ته شه روغتیایي حالت نوي او نوي بریالیتوبونه په شخصي او ملي ژوند کي د لوی الله څخه غواړم. بزګر صاحب! یوازې نه یې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان یو خدمتګار
محمد ایاز نوری

(c) ketabton.com: The Digital Library

منه، ستاینه او خواله

استاد محمد اسمعیل یون

ښاغلی فرهنګپال او فرهنګپال محمد طارق بزګر ته!
سلامونه او احترامونه مې ومنه، هیله لرم په ټولو نیکو ورځنیو چارو کې بریمن اوسې. تیر کال مې پېښور کې د ((دعوت)) یوه ګڼه ترلاسه کړه> رښتیا خبره ده چې سترګې مې پرې خوږې او د زړه باد مې پرې کیناسته. ډیره موده کېده چې د داسې یوې خپرونې په لټه کې وم چې زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورګره وي، خو د ډیرو خپرونو کتنه او د هغو له چلوونکو سره به مو چې لیدنه وکړه نو چا به د ټاکلې ((پالیسۍ)) په وجه، چا د ((مجبوریت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو په وجه د ټکېدلو زړونو د فریادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د څیرو له ښکارندویۍ څخه اوړې تشولې. خو دلته هم د ځینو اشخاصو له خوا ځینې وختونه یوه نیمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډیرو دردونو د یوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده توګه چې ((دعوت)) د پېښو څرګندونه کوي، زموږ په اوسنیو خپرونو کې یې بیلګې ډیرې لږې دي. په ځانګړي ډول هغه ستر او ملي رسالت چې خپرونې یې باید پوره کړي، هغه په دعوت کې زیاته ځلا او تجلا مومي.
آره خبره خو دا ده چې ډیر کلونه کیږي زموږ د ژبې، فرهنګ او ملي هویت ړنګونې او له منځه وړلو لپاره د نژدې او لرې دښمنانو له خوا ښکاره او پټې هڅې رواني دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول څرګندې او په ډاګه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهیسې هم روان وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې وای، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنګینه ټاپې لګول کېدې. د ((ملحد واکۍ)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړی وای نو هغه خو د ((فاشست)) په نوم یوې کندې ته غورځول کېده، خو د نورو قومونو او ژبو په ځانګړي ډول د ((فارسي)) له پاره بیا خبره سرچپه وه. کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه (انترناسیولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغله نو دوی خو لا

(c) ketabton.com: The Digital Library

نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واړولې او ويې ويل پښتو او پښتونولې خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پر نوم چې کومه اخواني ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بې شميره ورانيو تر څنګ يې د افغاني ـ پښتني ارزښتونو او کلتوري شتمنيو په ړنګوني او لوټوني پيل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سيمې ځينې هېوادونو د افغانستان او په خانګړې ډول د پښتنو لرې او نږدې، نوو او زړو دښمنانو هم ګډون درلود او لري يې.
لکه څنګه چې څرګنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولو کې پښتنو غوڅ او ټاکوونکی رول درلود، خو بيا هم له هغو وروسته د اسلامي حکومت په نوم يو پښتنی ضد نانـدريزه اداره جوړه شوه د ((شنې ليکې)) پيروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونه يې د ((پان اسلامستان)) ګڼل او د خپلې ژبې او قوم په باب يې هغه د چا خبره غوږ هم نه ګراوه. په پايله کې پښتانه په ټوليز (کلي) توګه په څو ډلو وويشل شول: [۱] انترناسيونالستان (د سرې ليکې پلويان)، [۲] پان اسلامستان (د شنې ليکې پلويان)، [۳] بې تفاوتان (بې خبره پښتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه يا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه يې هېره کړې او عملاً د پښتو په ضد ودريږي)، [۵] روڼ اندي (روڼفکره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخې عملاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولۍ ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شمير ډير زيات نه دی، ايله دومره ځواک لري چې له ستمي پښتنو سره يې مقابله کې ولګوي. د انترناسيونالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خو لا پريږده چې وخت په وخت يې پښتو ژبې او پښتنو ته درانه زيانونه اړولي دي.
کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پېښو انځورونه مې پکې ولوستل. د ناوړه پېښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورته اوچته شوې او نوره هم اوچتيږي. موږ خو اوس لاس تړلی، او فکر تړلی اولس يوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي تړلی.
تر کومه ځايه چې په نورو ژبو او لږکيو قومونو پورې اړونديږي، پښتو پالنه او يا پښتونولې د چا له ژبې سره د کينې او تعصب مانا نه لري. روڼ اندي پښتانه په دې اند دي هغه حق چې فارسي ژبو ځان ته

(c) ketabton.com: The Digital Library

حاصل کړی او ساتلی، پښتانه هم باید ورڅخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او ګړېدل جرم نه دی. او که دا کار جرم وګڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.

ښاغلی بزګر صاحب! موږ اوس په هېواد کې له نوموړې ستونزې سره مخ یوو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهیږئ، ځکه چې همدا درد ستاسو په زړه کې هم څپې وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکني درولیږو، خو مونږ او ستاسو تر منځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکني مو ناوخته دررسیدلی، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکې د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی
ستا د پښتنی او انسانی لارې یو بل یون
مارچ ۱۹۹۶/۴- پېښور

(c) ketabton.com: The Digital Library

په سټوکهولم کې ښاغلی محمد طارق بزگر وویاړشو

د زلمو پاڅون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولنې په نوښت، د ژمني سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډيسمبر په لسمه په سټوکهولم کې د گران هيواد افغانستان د وياړمن فرهنگي شخصيت او نوميالي ژورناليست ښاغلي محمد طارق بزگر په درناوی، ستاينغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سويډن د مالمو ښار او د سټوکهولم له بېلابېلو کميونونو څخه افغانانو گډون کړی وو. ډيری گډونوال د هيواد ځوان پښت وو. يو شمير يې د زلمو پاڅون ټولنې غړي او په ټوله کې د هيواد راتلونکي علمي او فرهنگي شتمني ده چې پخپل گډون سره يې غونډه لا پرتمينه کړې وه. د راغلو ميلمنو په منځ کې ښاغلی حبيب الله غمخور له مالموښار څخه دې غونډې سره د مالمو ميشتو افغانانو د يووالي او پيوستون بېلگه انځور کړې وه.

غونډې ته د ناکې کميون (Nacka kommun) د لوړ ښوونځي (ليسه) په کنفرانس هال کې تياری نيول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتيب سره مخې ته بيول کېده.

غونډه په يوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکريم د څو مبارکو ايتونو په تلاوت پيل شوه، ورپسې د افغانستان ملي سرود وغږول شو. روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې يې پر مخ بيولې، ښاغلي محمد طارق بزگر، ښاغلي حبيب الله غمخور او ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دريځ (لوژ) کې خپلو ځايونو ته ولاړ شي. ورپسې ښاغلي هوسا د پاڅون ټولنې يو مشر غړي نصرت الله ننگرهاري ته بلنه ورکړه چې د ټولنې په استازيتوب ميلمنو ته ښه راغلاست ووايي او د زلمو پاڅون ټولنې په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلی ننگرهاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلی قريب الرحمن سعيد پيغام ولوستل شو.

د غونډې وياند ښاغلی سرلوڅ مرادزی ته بلنه ورکړه چې مايک ته راشي، چې ښاغلی مرادزي د سټوکهولم د استوگنو په استازيتوب يې ښاغلي بزگر او د غونډې نور گډونوالو ته هرکلی او ښه راغلاست ووايه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوموړي د بزګر صاحب د ۲۳ کلن وياړمن فرهنګي خدمت ستاينه وکړه. هغه، ښاغلی بزګر د هيواد ملي ګتو او د افغانانو ملي يووالي ته ژمن شخصيت وباله او د مهاجرت په شرايطو کې يې د ښاغلي بزګر په نوښت او ميړانه د د عوت د جريدي او په را روسته کې ورسره د بريښناپاڼې په بريا چلولو کې د نوموړي هڅې او زيار د قدر وړ وګڼه. هغه په وينا کې زياته کړه، دا چې بزګر صاحب غواړي نږدې راتلونکې کې په پښتو ملي ژبه يو نړيوال تلويزيون فعال کړي او په دې لار کې نه ستړې کېدونکې هڅې کوي. داسې زيار يې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوڅ مرادزي له عالمانه او هر اړخيزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د درونډ استاد روستار تره کي پيغام د غونډې ګډونوالو ته واورول شو. له دې روسته يو زيات شمير پيغامونه چې د نړۍ له بېلا بېلو هيوادونو او لويو وچو څخه د هيواد دردمنو ليکوالانو، شاعرانو، ژورناليستانو، د ادبي او فرهنګي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزګر په وياړ او درناوۍ راليږلي وو او په هغو کې د بزګر صاحب ۲۳ کلن فرهنګي هڅې او د ژورناليزم په ډګر کې د نوموړي د زيار او هاند ستاينه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته يو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرګه کيدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سيف الرحمان شيرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت ځواکمن پيغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (ګلستان) پيغام له کوټې څخه، ښاغلي همايون ننګرهاري د نيک هدايت ځاځي پيغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجينر فضل احمد افغان پيغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاويد مومند د عمر پاڅون پيغام له جرمني څخه، د مالمو څخه د ډاکتر حکمت الله حکمت پيغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدين شعر د بزګر په وياړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پيغام، د بلژيک څخه د ښاغلی امين باوري پيغام او د اوکراين د اديسې ادبي ټولنې پيغام. له دې سربېره د وخت د کمښت په لامل د يو شمير نورو پيغامونو لنډيز د غونډې د چارو د کوربه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې ګډونوالو پخپلو تـودو ولولـو بدرګه کړ.

د غونډې وروسته ويناوال له مالموښار څخه راغلی دروند ميلمه ښاغلی حبيب الله غمخور و چې په زړه پورې وينا سره يي د غونـډې ګـډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وينا په يوه برخه کې وويل: زما لـه نظـره ښـاغلي محمـد طـارق بزګـر نـه يـوازې فرهنګـی شخصـيت دی بلکـې يوکارنده ژورنالست او تکړه ليکوال هـم دی. د دعـوت جريـدې لپـاره ټولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلـم ليکـل شـوي چـې د ده د پوهې او وطني مينې ښکاره بېلګه يې ګڼلای سو.

ښاغلی محمد طارق بزګر نه يوازې د بيلوبيلو مقالو په ليکلوسره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توګـه د افغانسـتان د ډلـه ايـزو رسـنيو پـه اسـمان کښې د دعوت په نوم جريدې د خپرولو شـمع روښـانه سـاتلې ده او لـه دې لارې يې نـه يـوازې دا چـې د خپلـو ليکوالـو او سياسي څېړونکـو نظريات تر هيوادوالو او نړيوالو رسـولې، دا دې اوس يـې د ۱۹۹۷ کـال راپه ديخوا د دعوت جريدې د خپرېدو تـر څنـګ دعـوت ويـب پاڼـه پرانيستې او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ پـه ګـوټ ګـوټ کښـې افغان ليکوالو ته د خپلو نظرياتو، علمـي او ادبي ليکنـو د خپرولـو پـوره امکانات برابر کړي دي.

ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په تـرڅ کـې وويـل چـې بزګـر د نړيوالـو ليکوالو او ژورنالستانو له خوا ياد شوي او مننه ترې شوې ده او د خپلـې دې خبرې له پاره يې د امريکايي ليکوال ښـاغلی بـروس ريچاردسـن د کتـاب حوالـه ورکـړه چـې پښـتو ژبـاړه يـې ((افغانسـتان: رښـتيا پلټنـه)) نوميږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د وياړ ځای دی او د دغـه کتـاب ليکوال د ښاغلی بزګر څخه په دغه کتاب کې مننه او يادونه کړې ده.

ښاغلي غمخور، بزګر صاحب ته راوړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزګـر په ډېرې مننې سره واخيسته.

بـل وينـاوال ښـاغلی حفـيظ الـدين پيـرزاده و چـې د بزګـر صـاحب د فرهنګي او ژورناليستي ګټورو خدمتونو ستاينه يي وکړه او د ستر ليکوال او شاعر ګل پاچا الفت په خـوږو شـعرونو سره يـې غونـډه تـوده کـړه.

همداراز ښـاغلي ډګـروال حليمـي صـاحب هـم پخپـل وار سره د بزګـر

(c) ketabton.com: The Digital Library

صاحب د فرهنګي هڅو په وياړ خپلې څرګندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزګر د تېز او غوښنده قلم ستاينه يې وکړه.
د غونډې د چارو کوربه د چای او دمې لپاره نيم ساعت اعلام کړ او له چای روسته د ښاغلي بزګر په ژوند يو لنډ مستند فيلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړی وو.
د غونډې په روستۍ برخه کې بزګر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د ګډونوالو د پوره پاملرنې وړ وګرځېده.
بزګر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنګه ښاغلي بزګر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنګي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رااستولي وو، دوی ته کورودانې ووايه او د دوی له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرګنده کړه.
ښاغلی بزګر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه ګڼم! څه چې ما کړی يوازې د يو افغان او پښتون په توګه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړی دی. او که خبره د دعوت وي د دعوت برياليتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دی چې تل يې د خپل وس په اندازه په تيرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړې دي.
بل خوا بزګر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کوليکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالۍ کړ او په همدې توګه يې يو کوليکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالۍ کړ.
په پای کې د زلمو پاڅون ټولنې لخوا يو ستاينليک ښاغلی بزګر صاحب ته د ښاغلی ډاکټر سرلوڅ مرادزی او د ښاغلی حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د څلور بجو شاوخوا کې پايته ورسېده. د غونډې ويډيويي فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

ګران محمد طارق بزګر

محمد یوسف هیواددوست

یادونه:
د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر، شتون په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد ګل خان مومند:

پښتو د بڼ چوڼی یم شور به کړمه پښتنو ته
تل دوي ته په وینا یم که وم وم که نه وم نه یم

زما خبرې تل سپیني دي او له همدې امله هیڅ مجبور نه یم یا د چا بې ځایه توصیف او تعریف وکړم او یا یې بې ځایه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزګر صیب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هیواد د ژورنالیزم او په تېره بیا له هیواد څخه د باندې د افغاني ژورنالیزم تاریخ به د هغوی نوم هم په زرینو کرښو ولیکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کیږي چې د ګران افغانستان د ژورنالیزم او ادب د ګلالي بڼ دغه عندلیب او د دغه په زړه پورې بڼ دغه مالیار سره له دې چې له هیواده د باندې په ناروې کې د مجبوریت او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زیږونکي هیواد د تاریخ او زموږ د فرهنګپاله ولس د پاینښت او ښایست ترانې غږولي، په لکونو مخه پاڼې یې تورې کړې، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډیزاین، ځرنګوالی او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت یې پر ځان تېر کړی. په لکونو واره یې تا او ما ته ټیلیفونه کړي، فاکس او تیلګرام ته ناست و او له هر چا یې د اخبار لپاره د مطالبو د لیکلو هیله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سیمو کې د مظلوم غږ تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم یې افشا کړی، د افغانستان او له هیواد نه بهر د لسګونو مطبعو دروازې یې ټکولي، او په زرګونو خپرونې یې تر ما او تا رارسولي.
ګران او نه ستړی کېدونکی ژورنالیست ښاغلی محمد طارق بزګر یادوم!
همدغه د یوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغاندوسته فرهنګیال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې یوه شیبه هم د

(c) ketabton.com: The Digital Library

((دعوت)) د ملي او درنې خپروني له په زړه پورې خپرېدو لرې پاتې نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، میړانې، پاڅونونو، سرلوړیو، ښادیو او رازونو سره ملګری پاتې شو. ((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شین)) ښامار، بدمرغه مخ او ناوړه نیتونه یې ولس او نړیوالو ته بربنډ کړل. ((دعوت)) و چې په سیمه کې یې د ښکېلاک او زبېښاک د ((سترې لوبې)) ټول اړخونه او ((تیاره)) ګوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو یې پردې لرې کړې. دغې خپروني پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موږه راورسول.

((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړیوالو لیکوالو او غوره څېړونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، څېړنو، راسپړنو، مرکو، رپوټونو، خبرونو او تحلیلونو رنګین کړل. د ژورنالیزم ټول بنسټونه او اصول یې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، ګونګه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معیاري ده، په تېره بیا تل یې پښتو ګرامر او په ځانګړې توګه پښتو ((ی)) ګانې سمې کارولې دي.

لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت یوه اړتیا ده. د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر شتون، په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی.

زه په دې توګه ګران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزګر ته د ((دعوت)) د ۳۱ کلنۍ مبارکي وایم او د دې خبرې څرګندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کې ځان شریک بولو. بزګر صیب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

څلورم څپرکی:
د بزګر څېره

در مستند ناروېژی «پناهنده»

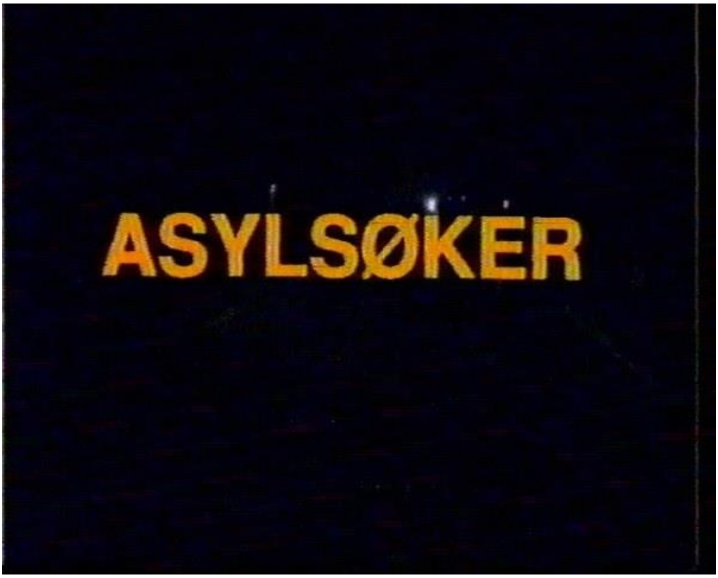

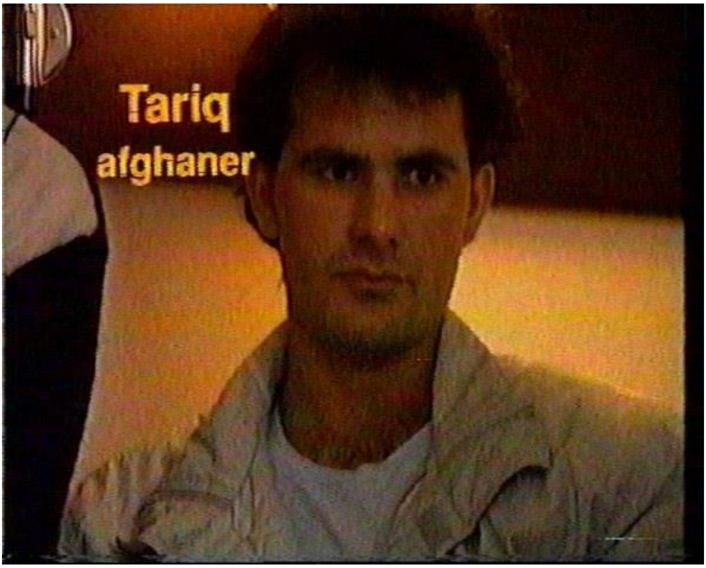

(c) ketabton.com: The Digital Library

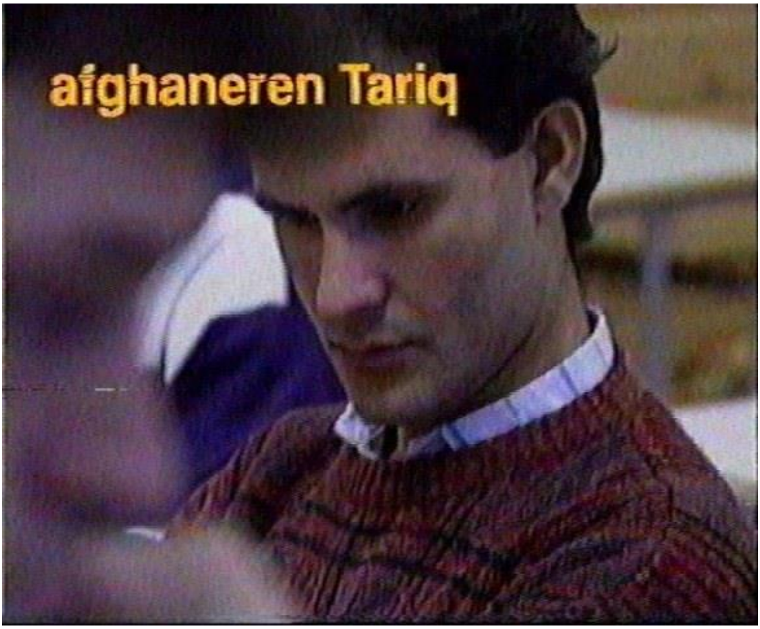

(c) ketabton.com: The Digital Library

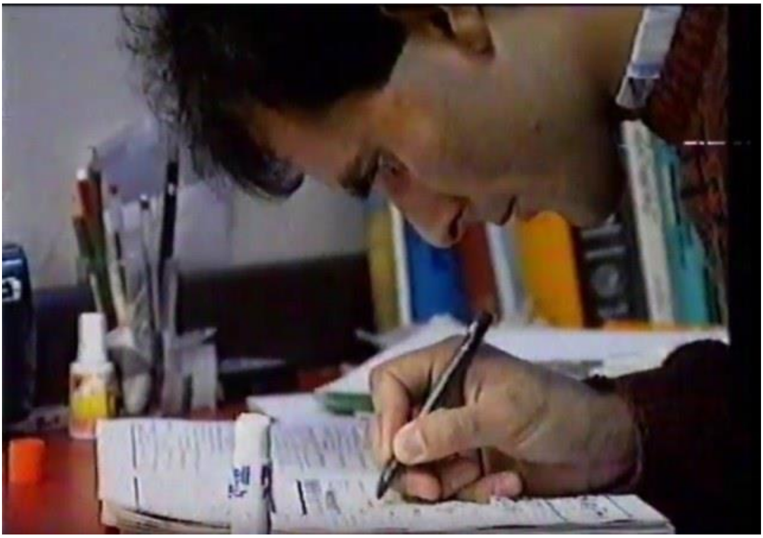

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

در مطبوعات غربی

Romerikes Blad

– Takker Gud for at DATTEREN MIN LEVER

Strømkabel drepte hunden

Niåring fikk strøm gjennom seg

SIDE 8 OG 9

SØNDAG 3. DES. KL. 14.30

KONSERT MED SANGKORET

CON AMORE

SØNDAG 3. DES. KL. 17.00

KJETIL OG KJARTAN

14-19

Er du på boligjakt?

– Misbrukte Shahs gjestfrihet

KRITISKE: *Afghanske Tariq Bazger og kona Nooria har lest Åsne Seierstads bok. – En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.*

Av GURO HOFTUN GJESTAD og JANNE MØLLER-HANSEN (foto)

Redaktør Tariq Bazger forstår godt at hans venn, bokhandler Shah Mohammad, ble sjokkert da han leste Åsne Seierstads bok.

– Forstår? Jeg mer enn forstår at han ble sjokkert, sier Tariq Bazger. Han har [illegible] for avisen [illegible], som kommer ut til afghanere i 45 land.

– Åsne Seierstad har misbrukt Shah Mohammads gjestfrihet ved å beskrive hans familie og hans privatliv. I Afghanistan heter det at «hvis jeg har spist ditt salt, er jeg en del av din familie. Jeg er takknemlig overfor deg og respekterer deg». Det betyr at hvis du har vært noens gjest, ønsker man ikke vertskapet noe vondt, forklarer Tariq Bazger.

Tariqs kone Nooria leste boken i sommer og reagerte på hvordan Åsne Seierstad beskrev et helt land ut ifra møtet med en familie.

– Åsne Seierstad gir en del feilaktige bilder i boken. En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

– Man skal huske på at [illegible] mel og jord. Det finnes dårlige mennesker og gode mennesker [illegible] han [illegible] i Oslo [illegible] og la han beskrive det han ser. Da vil han kanskje si at norske kvinner er billige. Rett og slett fordi han ikke kjenner kulturen, sier Tariq Bazger.

Han har truffet Shah Mohammad i Pakistan og kjøpt mange bøker av ham.

– Han gjør en veldig bra jobb. Det finnes mange bokhandlere i Kabul, men han er det eneste som selger bøker til utlendinger i Afghanistan, sier Tariq Bazger.

Overrasket

Som journalist og redaktør er Tariq Bazger svært kritisk til Åsne Seierstads fremgangsmåte:

– Skriver man om Afghanistan og dets politikk, skal man ikke ta hensyn til om makthaverne liker eller ikke liker det du skriver. Men hvis man

(c) ketabton.com: The Digital Library

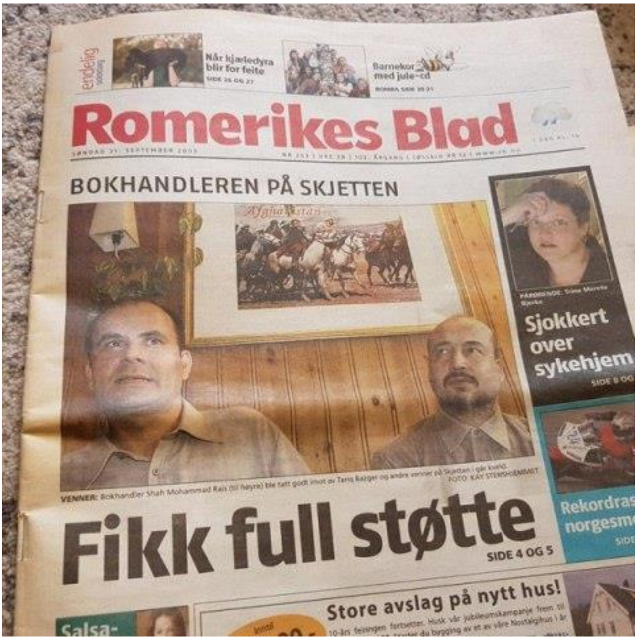

Når kjæledyra blir for feite

Barnekor med jule-cd

Romerikes Blad

BOKHANDLEREN PÅ SKJETTEN

Sjokkert over sykehjem

VENNER: Bokhandler Shah Mohammad Rais (til høyre) ble tatt godt imot av Tariq Karger og andre venner på Skjettan i går kveld.

Fikk full støtte

SIDE 4 OG 5

Store avslag på nytt hus!

Vikebladet/Vestposten

LAURDAG 28. OKTOBER 1989 11

Den stolte, høgreiste 23-åringen frå diplomatfamilien i Kabul prøvde seg på kroppsarbeid for første gong i sitt liv på Skaarfish i Hjørungavåg - med svært dårleg resultat! Ja, det stemmer, det var faktisk første forsøk - om vi då ser bort frå den gongen far til Tariq sette han til å hogge ved i tre samfulle dagar i sprengkulden, som straff for ein dårleg matte-karakter.

• Mads Kvamsøn

I geografibøkene som Tariq hadde i barneskulen heime i Afghanistan, stod det om Norge at landet hadde tre millionar innbyggarar som for det aller meste levde av fiske og å tilverke fisk, at her var vinter seks månader av året, og at ...

Geriljaleiaren likar ikkje lettvinte jenter

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

Afghanarane ved asyl-mottaket

Flytter frå Hareid

Ved asylmottaket på Hareid er åtte afghanarar i oppbrots-stemning. Frå Skedsmo kommune utanfor Oslo har dei fått beskjed om at dei er velkomne til å etablere seg. No ventar dei berre på endeleg avreisedato.

ANNE GRY EILERTSEN

Vikebladet Vestposten

Nr. 48 62. ÅRGANG TORSDAG 3. MAI 1990

Flott 25-års jubileum

Fotballen rullar...

INSTALLASJON

Ulstein Elektro AS

Billig på dagligvarer

(c) ketabton.com: The Digital Library

LOKAL HØYRING OM AFGHANARANE SIN SITUASJON

RESULTERTE I LOKALT POLITIKAR-OPPROP

Tredje steget

afghanarar

I november kom 10 afghanarar til Hareid. To av desse har i nærare 14 dagar sete i varetekt i Oslo, og i går vart dei sendt attende til Pakistan, som vart sett på som deira første møtekar-land. Den eine 15, den andre 19 år gamal. Dei åtte som er attende på Hareid ventar no i spenning på kva svar dei vil få.

PEDER MASSEIDE:

Folk å minnast

KR. 80,—

Afghanistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vikebladet/Vestposten

Tareq har fått svar

Avslag etter 11 månader

Inga Hareide

Sist fredag fekk Tareq Bargzah frå Afghanistan melding om at søknaden hans om opphaldsløyve her i landet var avslått. I elleve månader har han venta på svaret, vona på at tida var til hans fordel. Han er redd for at det kan bli gjort alvor av dei trugsmåla han har motteke for skrivinga si om han blir sendt attende til Pakistan. Men UDI vurderer saka annleis, dei viser til brudd på 14 dagars-reglen og meiner difor han må reise attende til Pakistan. Framleis held altså departementet fast på at 14 dagars-regelen også skal gjelde for Afghanarane, sjølv om det er allment kjent at det lot seg ikkje gjere å flykte direkte frå Afghanistan til eit europeisk mottakarland.

Tareq har si utdanning frå universitetet i Kabul med politikk og juss som fag. I hovedsak var han opptatt av politikken i sør- og sentral-Asia. I studietida virka han som distributør av illegal propaganda mot det kommunistiske regimet. Men han vart oppdaga og sett i fengsel i Kabul. Etter ti månader her vart han flytta til eit fengsel i den austlege delen av landet. Men under ei bombing av fengselet makta han å flykte, og kom då seg med ei mujahedin gruppe. [illegible] han leiar for ei avdeling geriljasoldater.

Allereie då fekk han åtvaringar mot skrivinga si. Ein høgtstående leiar av ein annan gruppe, såg med misstro på denne soldaten som hadde si utdanning frå universitetet og ikkje den religiøse skulen. Tareq byrja føle seg truga, og flykta til Pakistan. Men heller ikkje her følte han seg trygg. Den mektige leiaren hadde og ein høg posisjon i dette landet. I tillegg hadde både KGB og HAD folk plassert i flyktningemiljøa. Tareq såg inga anna løysing enn igjen å kome seg på rømen.

Her i landet har Tareq målmedvete arbeidd for heimlandet sitt, og har ikkje vore redd for å stå fram med meiningar si. [illegible] god-ord, han har blitt truga på livet både over telefon og pr. brev.

Tareq vil anke avgjerdala. Så er han i alle fall trygg i denne tida. Lenger fram tør han ikkje tenkje.

– Venstre vil inn i regjeringa med sin miljøprofil, med konkrete handlingar som også vil kunne gi Norge verdfulle arbeidsplassar dersom ein no grip sjansen, med ein målretta sosialpolitikk med sikte på dei yngste og dei eldste årsklassene, og gi rom for privat helseteneste under offentleg styring.

Ein vil gi marknadskreftene friare vilkår, men der dei ansvarlege styresmaktene skal gi rammene. Venstre vil også gjere [illegible] ikkje redusere [illegible] meir av skatten over på forbruksvarer, men samstundes gi kompensasjon til t.d. barnefamiliar, sa Holm, som sia fekk fleire tilleggsspørsmål å svare på frå eit interessert publikum.

Meldar

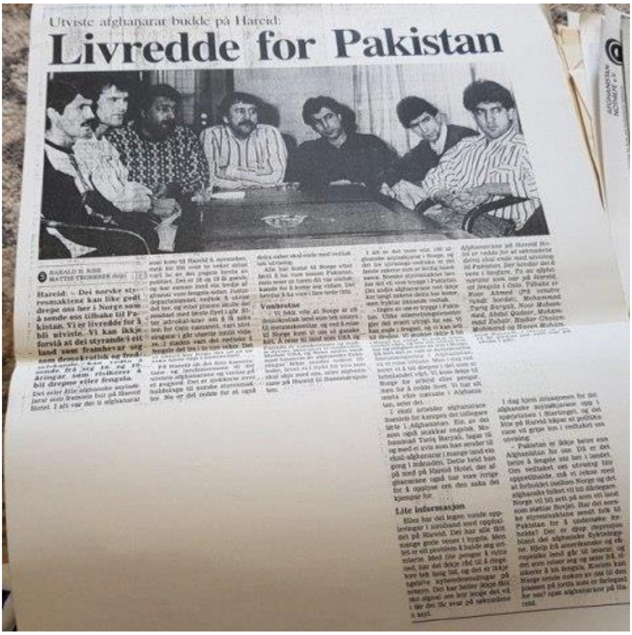

Utviste afghanarar budde på Hareid:

Livredde for Pakistan

HARALD H. [illegible]
MATTIS [illegible]

Hareid: – Dei norske styresmaktene kan like godt drepe oss her i Norge som å sende oss tilbake til Pakistan. Vi er livredde for å bli utviste. Vi kan ikkje forstå at dei styrande i eit land som framhevar seg som demokratisk og fred[illegible] å sende [illegible] 19-åringar som risikerer å bli drepne eller fengsla.

(c) ketabton.com: The Digital Library

AFGHANARANE PÅ HAREID HOTEL

PARTIARBEID I EKSIL

MARIT KVAMMEN

Han er høg og senesterk, i trettiårsalderen, hans engelske ordforråd er upåklageleg, men aksenten gjer at han stundom er litt vanskeleg å forstå. Men Mohammed Tariq snakkar gjerne, forklarar tolmodig tilhøva i heimlandet Afghanistan - til alle som vil høyre på og sjå utstillinga han og dei ni andre afghanarane som for tida er på hotellet, har laga i stand.

For desse asylsøkjarane er det maktpåliggande å drive politisk agitasjon, same kvar i verda dei er. Det opptek dei i mesteparten av fritida.

Mohammed Tariq er tidlegare geriljaleiar, det vil seie han har hatt kommandoen over ei av ti-mannsgruppene som geriljaen i hans område er inndelt i. Spør vi kva han gjorde i det sivile liv, er svaret student. Jus og politikk er faga hans. Den russiske etterret-

Det tur ikkje på Gorbatsjov for det om han har gitt ordre om tilbaketrekking av troppane, i Kabul har han sine folk som kontrollerer at det ikkje skal haldast frie val likevel, hevder Tariq. Soviet måtte trekke seg tilbake no, og det var vi som tvinga dei!

«Vi» er Den islamske union av den Afghanske Mujahideen, som er det fullstendige namnet på sa- mansluminga av dei mange islamske partia.

Og det er ikkje berre Gorbatsjov desse muslimane har skepsis til. Den andre stormakta, USA, har vore lite til hjelp, meiner dei. På den sida fryktar dei ei utvikling som i Khomeinis Iran dersom Mujahideen kjem til makta.

-Men det er utelukka, kan Tariq fortelje. I Iran er det Shia-muslimane som rår, i Afghanistan høyrer berre 10 prosent av folket til denne religionen, 90 prosent er Sunni-muslimar. Det forklarar alt, slik han ser det. Sunni-muslimane ville aldri la ein førar som Kho-

Dei 5 afghanarane som er plasserte på Hareid Hotel, har alle ei fortid i geriljaen, med unntak av den yngste, ein blid 15-åring. Han går på ungdomsskulen på Hareid, draumen er å kome tilbake til Afghanistan om eit års tid - og til geriljasoldat.

I motsetning til dei tamilske og iranske asylsøkjarane er afghanarane slett ikkje opptekne av å vere anonyme, tvert om. I romjula arrangerte dei eit større informasjonstreff på hotellet, med plakatar, fotomontasjar og omvisning. Dei vil tale Mujahideen si sak kvar som helst, både desse og dei 150 andre afghanarane som for tida oppheld seg i Norge.

Men Muhammed Tariq har ei spesiell oppgåve som han arbeider med dag og natt. Han lagar informasjonsavis. «Dawat» skriv han sjøl, mest for hand, og får avisa mangfoldiggjord på kopimaskinen ved Ulstein Nor. Avisene blir så sende til adresser over heile Europa, til landsmenn i eksil.

mot Pakistan, afghanske byar etter sovjetisk bombing, lemlesta barn...

-Her er mine brør, viser Tariq på eit bilete av ei geriljagruppe. -Har du mange søsken? -Fire brør og fire søstre, svarar han stolt. -Og søstrene, er dei også med i geriljaen? Han drog på det. -Dei er

HAREID:

Kyrkjelydsarbeidar i permisjon

Vest Posten

NR. 21 ONSDAG 15. MARS 1989 — 20. ÅRGANG KR. 4

Fem av ni afghanarar er att på Hareid Hotel

KVA SKJER MED OSS ? SPØR DEI

Dei fem afghanarane som no bur på Hareid Hotell. Sitjande: Noor Ahmad, Noor Mohammad. Ståande: Mohammad Tariq Bargali, Farhad Muhmand, Ghulam Haider Muhmand.

I redsle og uvisse sit fem afghanarar att på Hareid Hotell. Etter hendinga sist torsdag, då to av landsmennene deira vart henta av politiet, er det uvissa om framtida som igjen slit i dei. Forrige gong politiet henta to afghanarar var 2. januar i år. Kva lagnad desse to har fått, er uvisst. I alle fall veit ikkje kameratane deira her på Hareid om dei framleis sit fengsla, eller om dei er sende heimatt.

Naseem og Zubair, dei to som torsdag vart frakta til Oslo og som no sit fengsla på Fornebu, har innleia ein svelte-streik og vil rette søkelyset på korleis tilhøva er for afghanarane i eksil, anten det er her i landet eller i Pakistan.

Vestposten i påskal

Vestposten tek ferie i neste veke.
Annonser til fredagsnr. må vere oss i hende innan kl. 10 torsdag f.m.
Første nr. etter påske blir onsdag 29. mars.

Red.

Kva slags ekteskap lever du i?

FRÅ HEIMANE – VÅRE-KVELDEN SIDE 4

Ulf Myhre ved Vegkontoret:

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vest Posten

NR. 25 - ONSDAG 5. APRIL 1989 — 20. ÅRGANG. KR. 4,-

Godt utvalg i golvbelegg
Hareid Ror a/s.

TOK BERGEN MED STORM.

Komisk Teater frå Hareid! Her representert ved ... Gjerde. Reportasje s. 9.

rungavåg-slaget ... ørundfjorden!

Anders Hustadnes
...ndfjord-brosjyra

Erling Ljodhorn. Den fremste hærføraren til Håkon Jarl var Arnmod Ørundarfjord frå Standal. Han fall i Hjørungavåg-slaget, og sonen Arne, far til Arnungane, flytte til Giske etter slaget.

Det er gjort rike funn på Store-Standal, mellom anna armringar i sølv, sverd og gullbelagte perler. I ei bågrav på Kvistad frå år 900

Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -

Møte mellom afghanarar og politikarar sist måndag

Etter initiativ frå afghanarane som bur på asylmottaket på Hareid Hotel, fann det måndag kveld stad eit møte mellom representantar frå dei politiske partia i kommunestyret og desse seks asylsøkjarane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakesendingane av afghanske asylsøkjarar til Pakistan som har funne stad tidlegare i år. Ein har idag ikkje sikre informasjonar om kva som har skjedd med desse i Pakistan.

Dei politiske representantane viste forståing for afghanarane si sak, og møtet resulterte i at dei var samde om å oppmode styresmaktene om ikkje å sende attende fleire afghanske asylsøkjarar før ein i det minste får sikre informasjonar om lagnaden til dei som alt er sende tilbake. Det var og brei semje om at det snarast råd vart arbeidd ut eit politisk opprop der dei vil be dei sentrale styresmakter på nytt å vurdere afghanarane sin situasjon.

Referat frå møtet vil vi kome attende til.

Vel-

Bet lokalpolitikarane om hjelp:

Dagleg frykt blant asylsøkjarane

Med Tone Skorgenes som tolk orienterte Mohammad Tariq Baryali (i midten) Hareidpolitikarane om kva afghanarane har å bli sende tilbake til. Noor Mohammed sekunderte. Spørsmålet er kva dei kan nytte i den store samanhengen å engasjere seg. Når partia på Hareid får diskutert saka og teke kontakt med sine respektive stortingsfolk, vil det bli eit opprop til Justisministeren.

MARIT KVAMMEN

Dei seks afghanarane som er att på Hareid Hotel, skjelv i redsle for kvar framand bil som stansar utanfor. Er det og som skal hentast no?

Måndag kveld møtte dei Hareidspolitikarane frå alle parti for om mogleg å få dei til å reagere mot regjeringa sin politikk andsynes den vesle gruppa afghanske flyktningar som har kome til Norge frå Pakistan.

Gjennom avisene har det blitt kjent at 60 av dei ca 150 afghanske asylsøkjarane i Norge har fått ...

Kven må reise?

Det som ikkje er opplyst, er kven av afghanarane som har fått handsama opphaldssøknaden sin. Og frykta breier seg. Hittil har ingen afghanar fått løyve til å opphalde seg i Norge, ikkje ein gong på humanitært grunnlag ... land det vert vist til. Regjeringa støttar seg også til uttale frå FN's høgkommisær for flyktningar, som seier at afghanarar er trygge i Pakistan. Den forsikringa fekk også den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

Farleg i Pakistan

Men afghanarane sjølve veit ...

... afghanske eksilmiljøet verkar. Han kan fortelje om kameratar som har vorte likviderte, om eit system av leigemordarar og soner der «alt er tillate». -Du kan få gjort kva som helst for pengar i Pakistan, seier Tariq.

Dei to siste afghanarane som vart henta frå hotellet like før påske og på rekordtid sende ut av landet, har enno ikkje late høyre frå seg. Kameratane som er att på Hareid, trur at dei anten er fengsla i Pakistan alt, eller dei kan vere på sjukehus som fylgje av sveltestreiken - begge alternativ er «i beste fall».

Feigt å vere flyktning

... slike som «stikk av». Dei blir merka, og kan vente seg uhaldbare tilstander når dei kjem tilbake.

Kvifor ikkje Pakistan

Det er ikkje noko afghanarar ...

... glede. Men dei politiske ... der er ikkje slik i dag at det er ... gleg. 5,5 millionar afghanarar le... ver i dag utanfor landets grense... dei fleste i Pakistan og Iran, ... dei har flyktningestatus. Bå... KGB og den afghanske etterre...ningstenesta, Khad, opererer i flyktningemiljøet. Fleire høgt... ande afghanarar i eksil i Pakis... har vorte tekne av dage. Dette ... maktkampen mellom dei afgh...ske grupperingane som dei ...

(c) ketabton.com: The Digital Library

...areq under afghanistan-kvelden på Hareid bedehus:

Afghanistankrigen ikkje s...

• ANNE GRY EILERTSEN

Det vart fullt hus under «Afghanistan-kvelden» på Hareid bedehus tirsdag. Det var afghanarane ved asylmottaket på Hareid som stod både for mat og program denne kvelden. For å takke for seg, sidan dei snart skal flytte til Austlandet, og for å informere om forholda i Afghanistan.

Og det var redselsfulle scener frå krigen dei frammøtte vart vitne om på videoskjermen. Nokre av opptaka var faktisk berre 2 månder gamle. Og dei viser at sjøl om russarane no har trekt seg ut av landet, så styrer dei i teddane likevel, mange kallar regjeringa i Kabul for ei «majorinette-regjering», nettopp fordi den blir styrt frå Russland.

Frå Afghanistan-komiteen var Laila Grimstad frå Ålesund til stades. Ho fortalde at Afghanistan-komiteen vart oppretta i årsskiftet -79-80, då russarane invaderte Afghanistan. Afghanarane hadde ingen ting å hjelpe seg med, mange av dei kasta seg framfor dei russiske tanksa som kom køyrande.

Frå 1983 har Afghanistan-komite-gruppene i Norge i første rekke konsentrert seg om sende helseteam til det hardt råka fjellfolket. Dei er då vekke i 3 månader om gongen. Men nokre er stasjonerte også for lengre perioder, og dei driv i tillegg til lækjararbeidet, med opplæring av afghanske helsearbeidarar. Elles driv komiteen skular i Afghanistan og for flyktningar i Pakistan, og dei er med på vatningsprosjekt.

Vesle Yalda på 6 år kunne synge både på afghansk, jugoslavisk og norsk. Her saman med Tareq.

Eit av dei største problema i Afghanistan no, etter at russarane har trekt seg ut, eller alle minene som ligg rundt i landskapet. Ca. 15-20 millionar miner ligg i landskapet, mange forma som fine leikety, og afghanistan-komiteen har bede regjeringa i Sovjet om å få landminekart for å rydde dei vekk. Dette har dei ikkje fått utlevert. Dagleg døyr det endå små barn på grunn av desse minene.

Tareq, som har vore geriljasoldat i Afghanistan, fortalde at sjøl om Russland er ute av Afghanistan, og viser eit blidt ansikt utover, så held dei fast på støtta si til «Quisling-regimet» i Kabul. Kvar månad blir regjeringa der støtta med 28 millionar kroner i våpen.

- Gorbatsjov blir sett på som ein god mann i Vesten, men vi afghanarane som opplever dagleg at 3000 ... blir drept på grunn av ... har eit anna syn på Gorbatsjov.

Tareq la vidare at dei ikkje vil ha kommunismen dei i første rekke vil til livs, men dei vil ha eit demokrati. Ein folkevald president, ikkje eit majorinette-regime styrt frå Sovjet. Og når 75% av bygningsstrukturen i Afghanistan er øydelagt på grunn av krigen, er det mykje som må byggast opp att. Då hjelper det lite at regjeringa i Sovjet sender pengar som blir brukte i Kabul, medan dei utover landsbygda ikkje får hjelp.

- Ingen hadde trudd at Afghanistan kunne kjempe mot supermakta Sovjet. Gorbatsjov har fått æra av at Russland har trekt seg ut, men det er det afghanske folket som har kjempa dei ut, sa Tareq, og la til at Afghanistan var første landet som torde å tale Gorbatsjov imot.

Folk i Afghanistan har sjølsagt forskjellige mål, men dei fleste er samde om ein ting, russarane skal ut av Afghanistan. Og korfor er det kommunistiske regjering i Afghanistan i dag, viss russarane har trekt seg heilt ut? spurde Tareq møtelyden.

- Vi har hatt ei fin tid på Hareid avslutta han kvelden med. Vi ...

I Bigset Vest

Kommunestyrerepresentantane på talarstol

Johanne Blindheim

Erling Hareide leiar for fotballgruppa

SVEIN SMØRDAL HUSSTYREFORMANN

Minneord

Ingebjørg Woldal

Informasjonskveld om Afghanistan

Mohammad Tariq Baryali, ein av dei 10 afghanistanarane som bur på Hareid Hotel og som no inviterer til informasjonskveld.

27. desember 1979 invaderte russarane Afghanistan. Sidan har afghanistanarar i eksil markert denne dagen.

Førstkomande tirsdag vil dei 10 afghanistanarane som no bur på Hareid Hotel invitere bygdefolket til ein opplysningskveld om heimlandet sitt. Dei vil fortelje gjennom film, bilete og samtale om kulturen sin, kva som har skjedd og kva som er i ferd med å skje i heimlandet.

Idag er det omlag 5 millionar afghanske flyktningar. Ein del av desse er på stadig flukt i sitt eigeland. Dei som bur her i bygda måtte rømme frå landet for 3 månader sidan. Tilstanden har altså ikkje roa seg sjølv om russarane har byrja tilbaketrekkinga.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

FREDAG 6. JANUAR 1995

reportasje

11

Fører kamp med pennen

DAWAT

- Jesus ville ikke tifte noen religion

Slakter boka om skogfinnene

Akershus

ROMERIKES BLAD

NR. 5 - FREDAG 6. JANUAR 1995
LØSSALG KR. 8.00

Tariq byttet gevær med avis

Afganske Tariq Bazger kjempet med våpen mot den russiske okkupanten i hjemlandet. Nå fører skedsmosokningen kamp for fred gjennom sin egen avis. Avisen har 2.500 abonnenter i 40 land.
SIDE 11

Birger med grovt skyts

Museumsbestyrer Birger Nesholen angivelig slakter Asbjørn Fossens bok «Historien om de norske skogfinnene». Birger Nesholen er bestyrer ved Gruetunet museum i Grue, og han regnes som spesialist på finneinnvandringen.
SIDE 11

Kari på hjemme-

Volvo-kontra til Dyno Cip

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال۲۰۰۰م

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

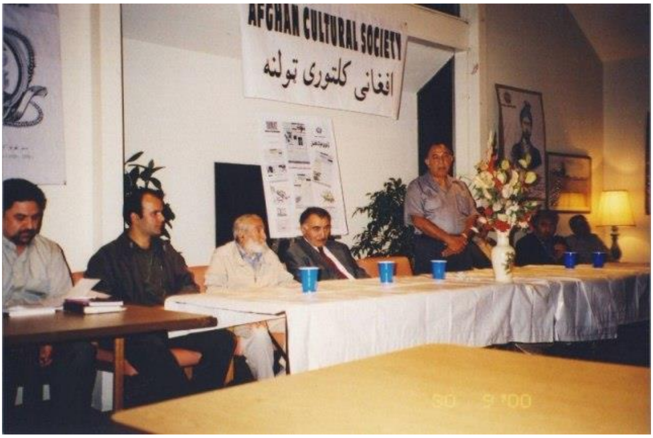

(c) ketabton.com: The Digital Library

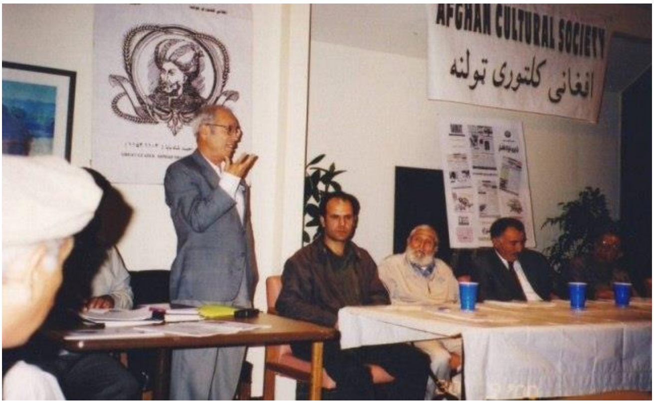

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در برنامه ی تلویزیونی
ستاره های درخشان ادب و هنر

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

در گزارش تلویزیون ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش نامه ها

پیل د بېښونکي څښتن تعالی په نوم

ستاینلیک

سویډن کې د زلمو پاڅون ټولنه د ګران هېواد افغانستان وياړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست **ښاغلي محمد طارق بزګر** ته ، د هغوی د نه ستړي کېدونکو خدمتونو په درناوی دا ستاینلیک ورکوو او نوموړي ته د لا نورو بریالیتوبونو هیله کوو.

نېټه : ۲۰۱۱,۱۲,۱۰

پته : ستوکهلم سویډن

I Guds, den Barmhärtiges, den Nåderikes namn

Diplom

Föreningen Zalmo Pason vill härmed tacka Herr **Mohammad Tariq Burger** för sitt stora engagemang och outtröttliga journalistiska arbete. Vi känner en stor tacksamhet och ser fram emot nya framgångar och önskar honom all lycka med sina framtida projekt.

10.12.2011

Stockholm, Sverige

لاسلیک

(c) ketabton.com: The Digital Library

افغاني کلتوري ټولنه
شمالي کلیفورنیا، امریکا

Afghan Cultural Society

نیټه: د تلې اتمه ۱۳۷۹

منن لیك

قدرمن هیوادپال ښاغلی محمدطارق بزګر

څرنګه چه تاسو دیوغښتلي هیواد پال په توګه په تیره لسیزه کی دهیواد
ملي ګټی او کلتور د ژوندی ساتلو په لار کی نه ستړي کیدونکی هلی
ځلی کړی د ښلی خوا د ګدعوت" زرینه میاشتنی خپرونه مو د یو ځلانده
ستوری په توګه دافغانستان دمطبوعاتو په اسمان کی روښانه سا تلی.
دادی افغانی کلتوري ټولنه ستا سو د دی سپیڅلی خدمتونو او
ستاینه کوی اوکور ودانی درته وایی.هیله ده چه دا کلتوری پاڅون ترپایه
تعقیب کړی . دلوی خدایه در ته په دی ملي خدمت کي بری غواړو.

په درنښت

پوهاند ډاکټر شاه ولي ابراکوزی
د افغاني کلتوري ټولني مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

IN THE NAME OF ALLAH

دلوی خدای (ج) په نامه

ددوستی فرهنګي ټولنه

ددوستی فرهنګي ټولنه

Cultural association of the friendship in Malmo of the Sweden!

د سویډن هیواد د مالمو ښار د دوستۍ فرهنګي ټولنې له خوا

Mis/Mr.............................

تاسو اغلې / ښاغلي طارق بزګر ....

Our association worthy of appreciation your
Excellent cultural activated
For Afghan people out and inside of Afghanistan

د هغو فرهنګي هڅو له کبله ستاینه کیږي چې
په افغانستان کې دننه او بهر مو تر سره کړيدي

We wish more successfulness for you.

ستاسو دلابريو په هيله

ددوستی فرهنګی ټولنه

Thanks
Habibullah Ghamkhoor
President of Cultural association of the friendship

په درنښت
حبيب الله غمخور
ددوستي فرهنګي ټولني مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

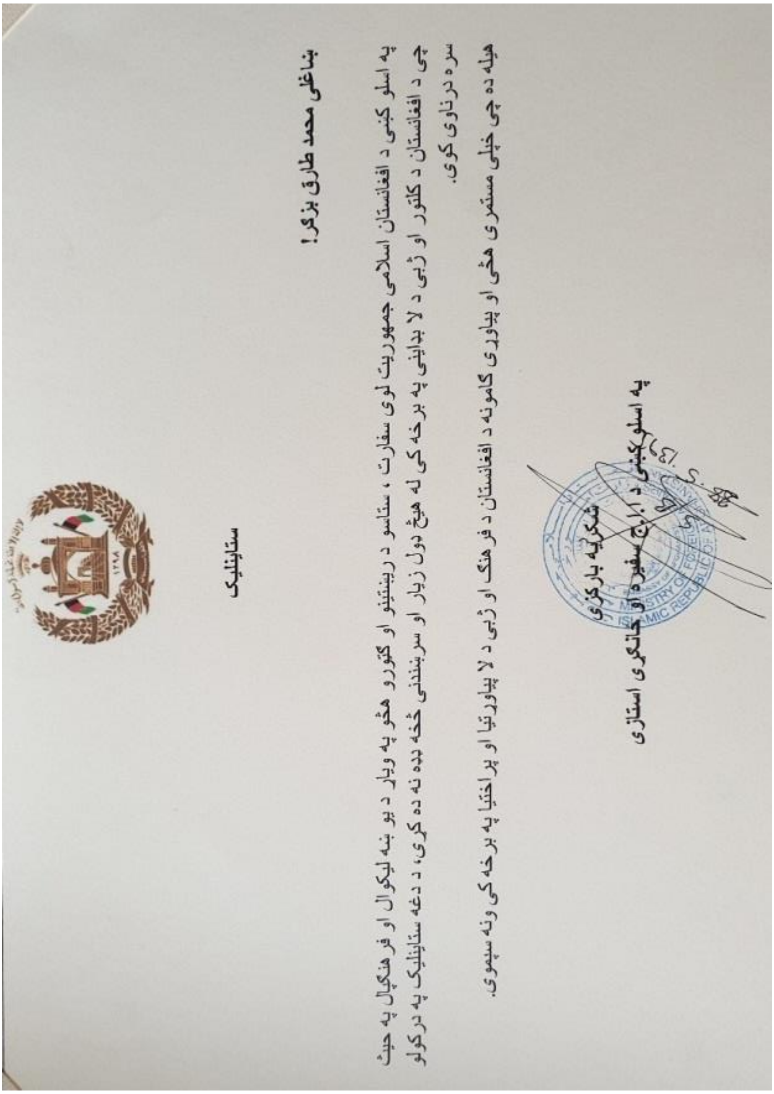

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښې د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ریښتینو او ګټورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بداینې په برخه کې له هیڅ دول زیار او سربښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په درکولو سره درناوی کوی.

هیله ده چې خپلې مستمرې هڅې او پیاوړې ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموی.

شکریه بارکزی

په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړې استازې

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کې د افغانستان اسلامي جمهوریت لوی سفارت، ستاسو د ریښتینو او ګټورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بډاینې په برخه کې له هیڅ ډول زیار او سرښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په ورکولو سره درناوی کوي.

هیله ده چې خپلې مستري هڅې او پیاوړي ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموي.

شکریه بارکزی

په اسلو کې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړې استازې

(c) ketabton.com: The Digital Library

پنځم څپرکی:

د دعوت نوستالژی

(c) ketabton.com: The Digital Library

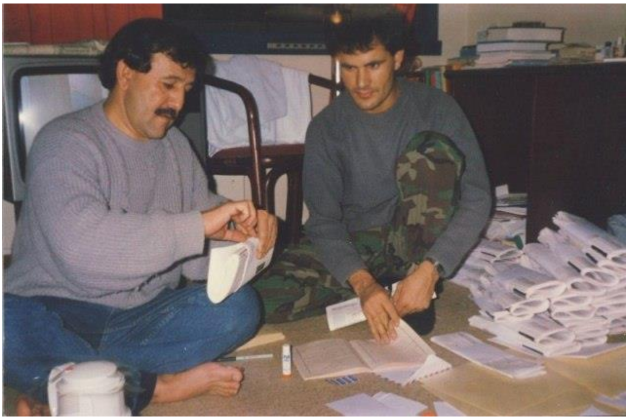

(c) ketabton.com: The Digital Library

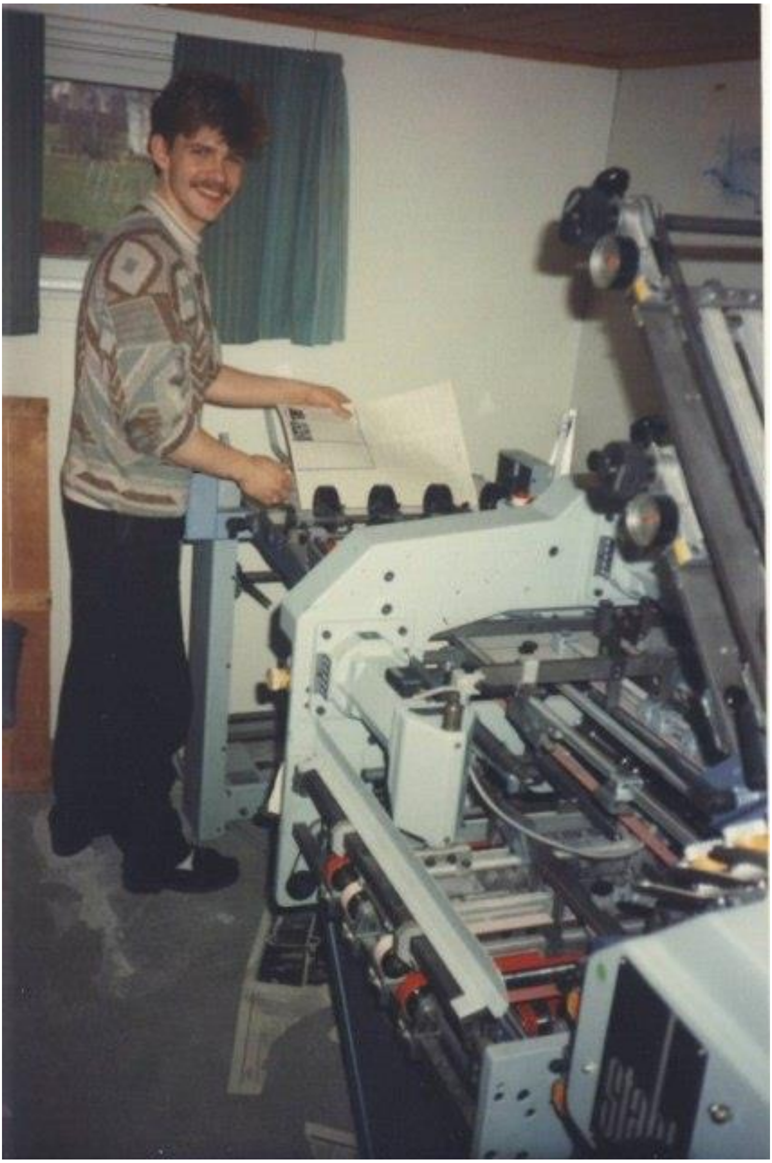

مسوول نارویژی چاپ نشریه ی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

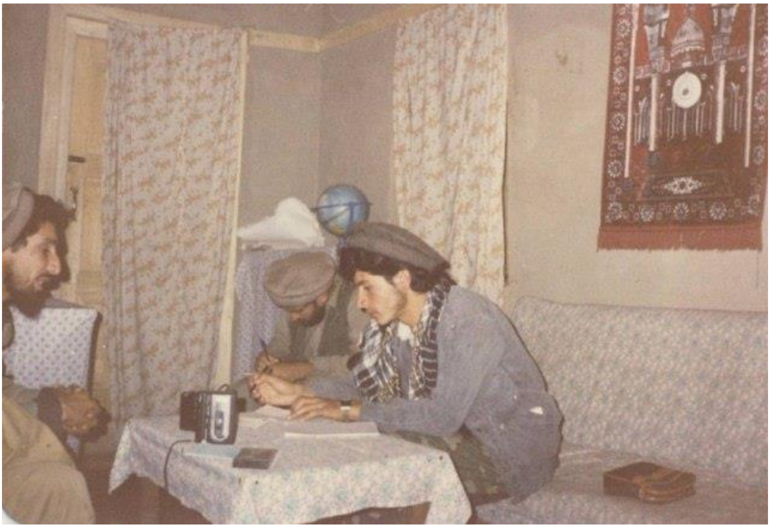

گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود

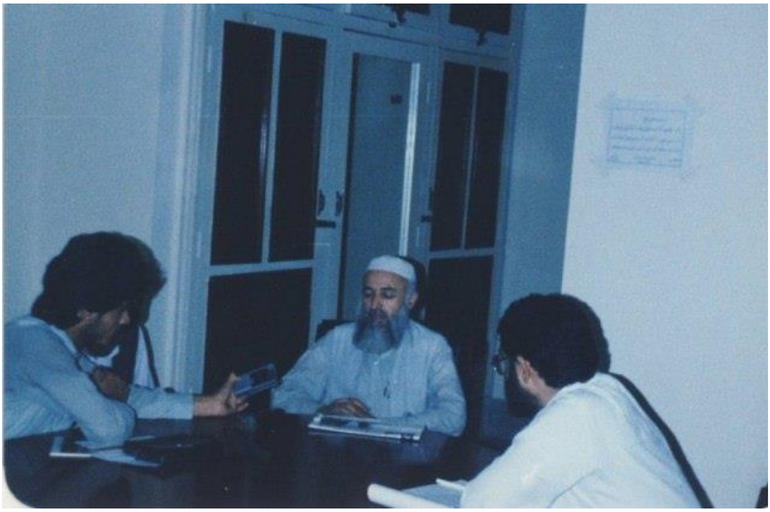

گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

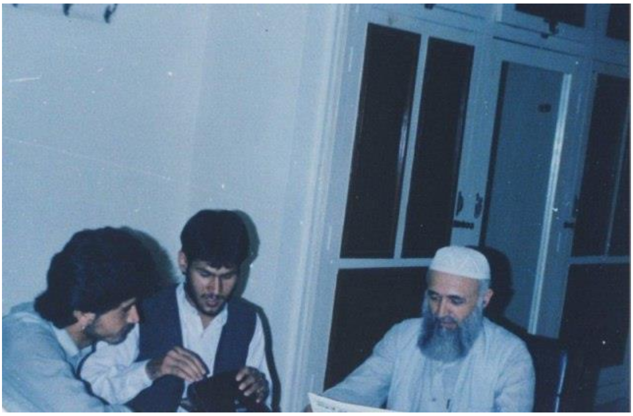

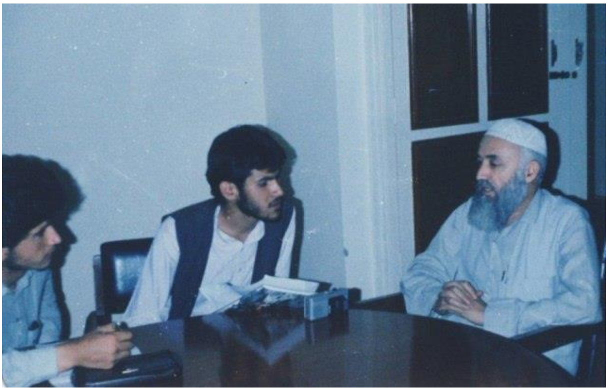

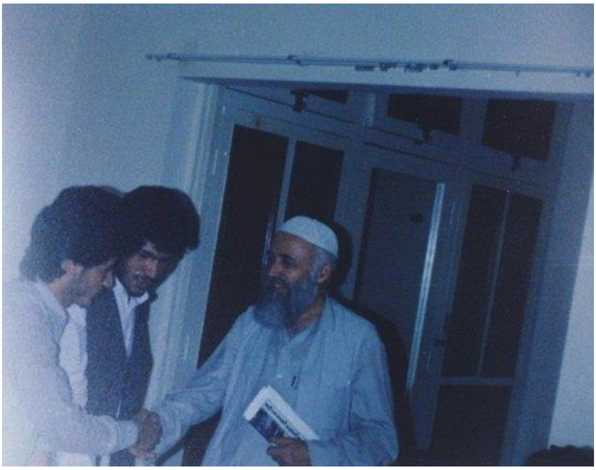

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم علی احمد خان پوپل

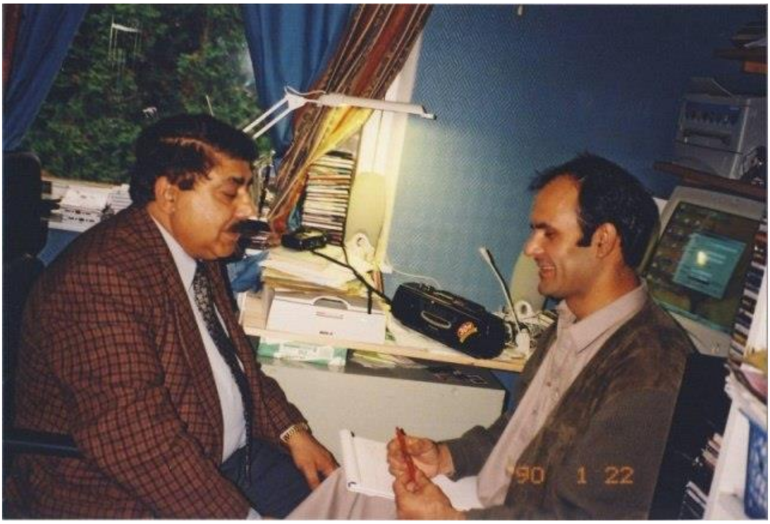

فاروق میرنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

الحاج فضل الکریم فضل

(c) ketabton.com: The Digital Library

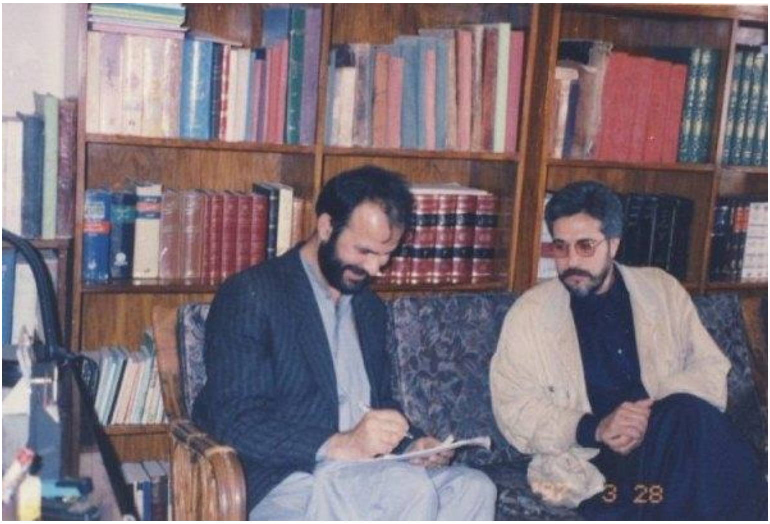

سید اسحاق گیلانی

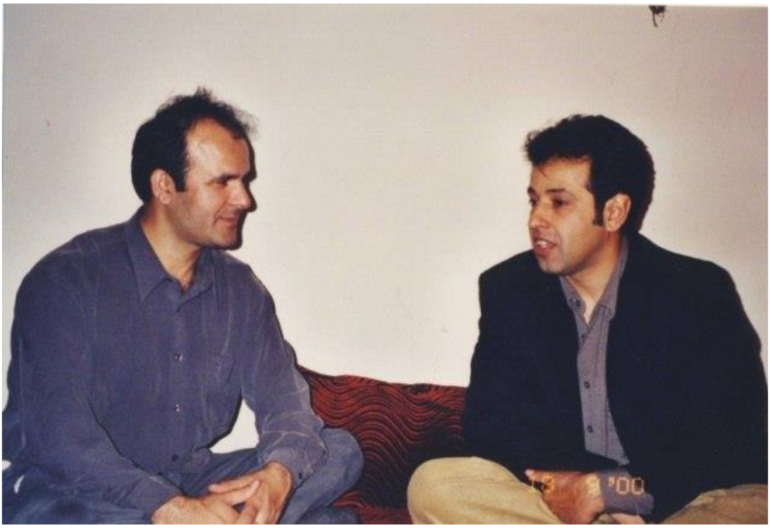

خالق عزیز

(c) ketabton.com: The Digital Library

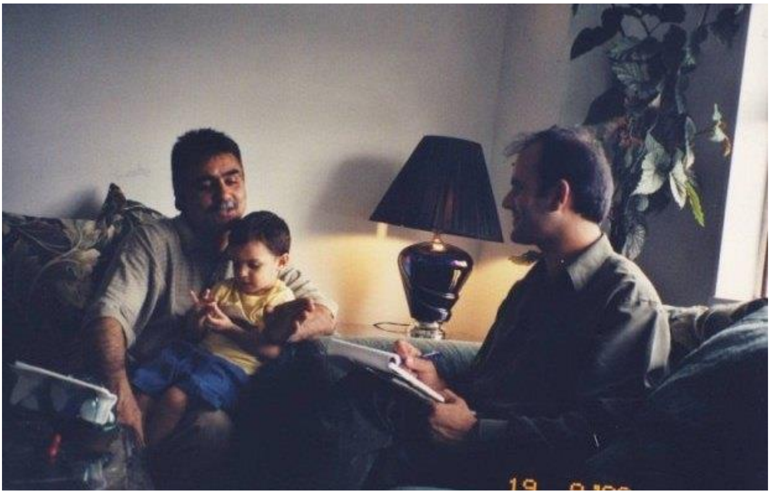

لطيف جان بابی

محمد گل دیانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

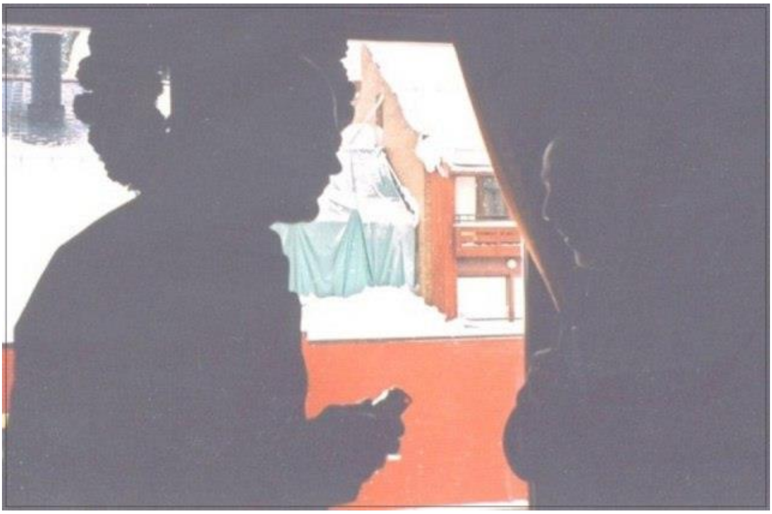

حامد کرزی

شينکی کروخيل

(c) ketabton.com: The Digital Library

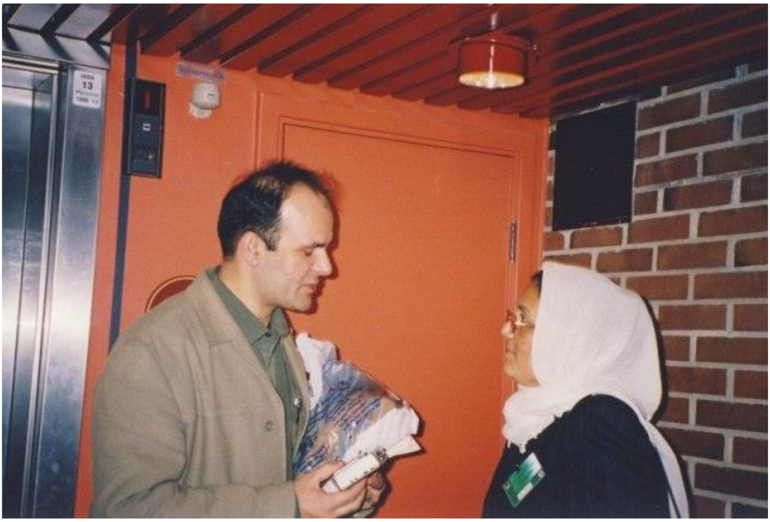

حبيبه سرابی

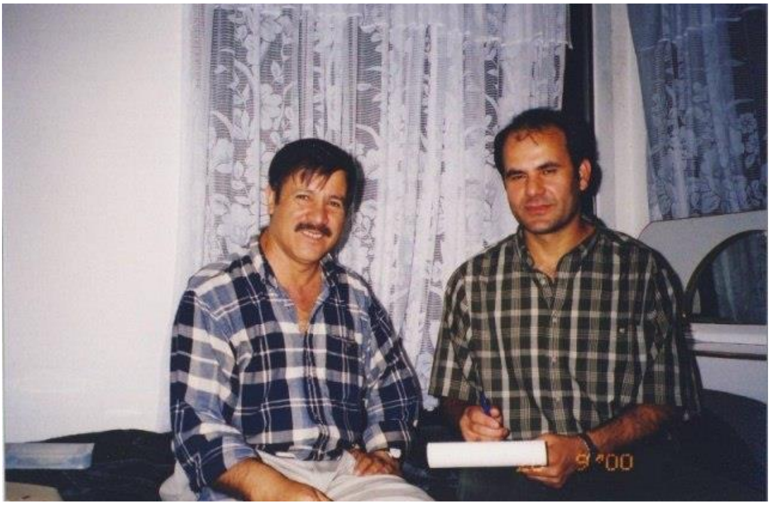

زمریالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

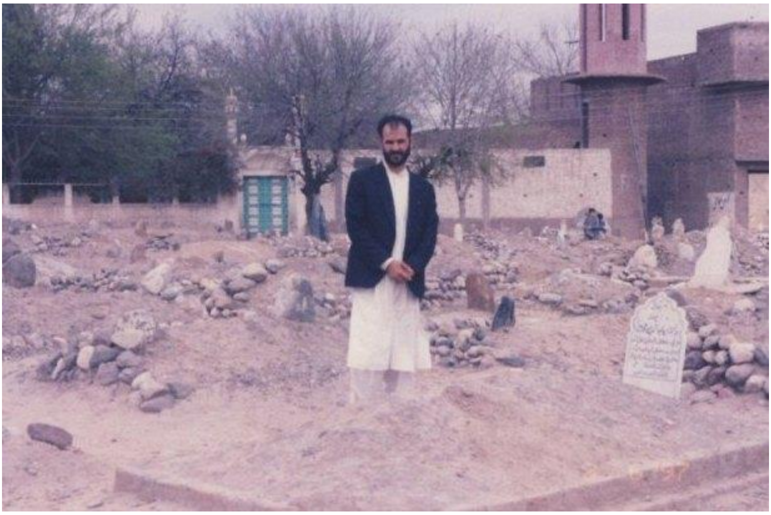

پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدین مجروح

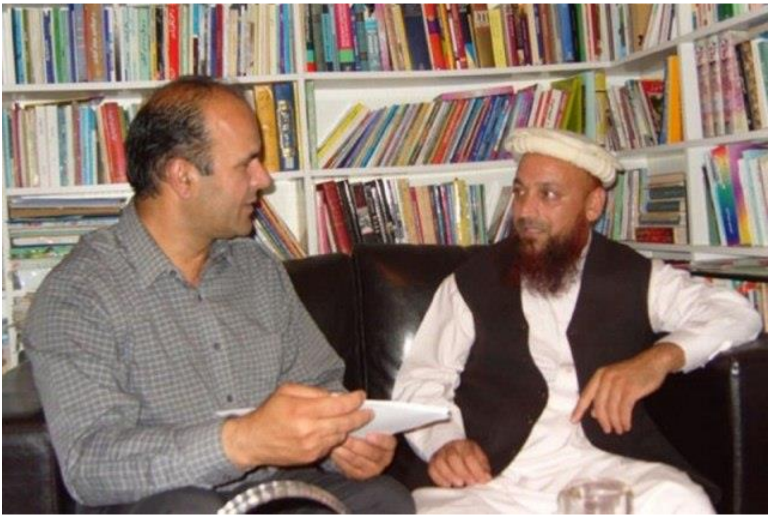

ساپی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کبیر ستوری

بی نظیر بهوتو

(c) ketabton.com: The Digital Library

داکتر فرید بزگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

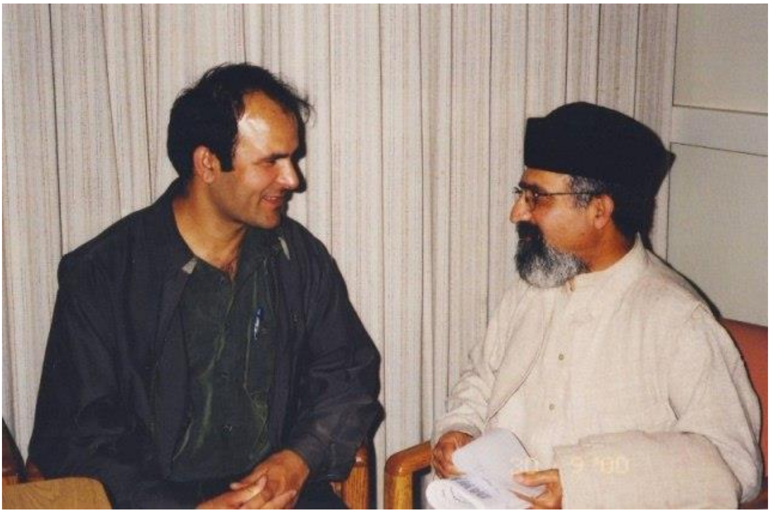

داوود مومند

(c) ketabton.com: The Digital Library

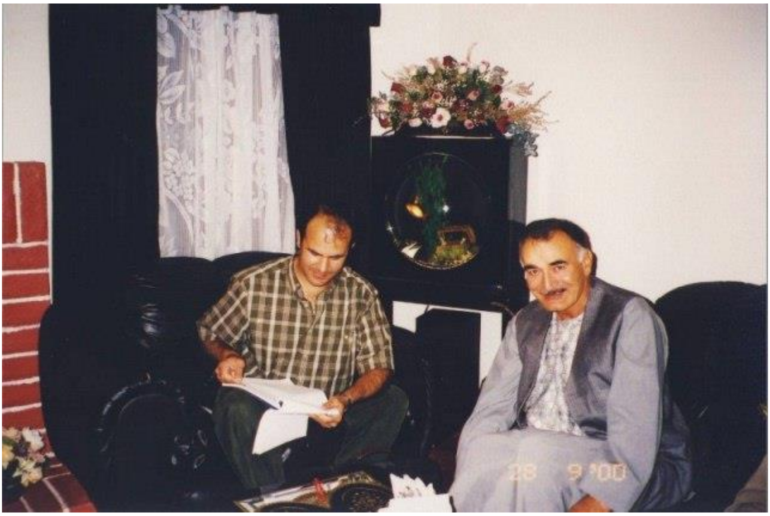

داکتر عبدالقیوم کوچی

داکتر نبی مصداق

(c) ketabton.com: The Digital Library

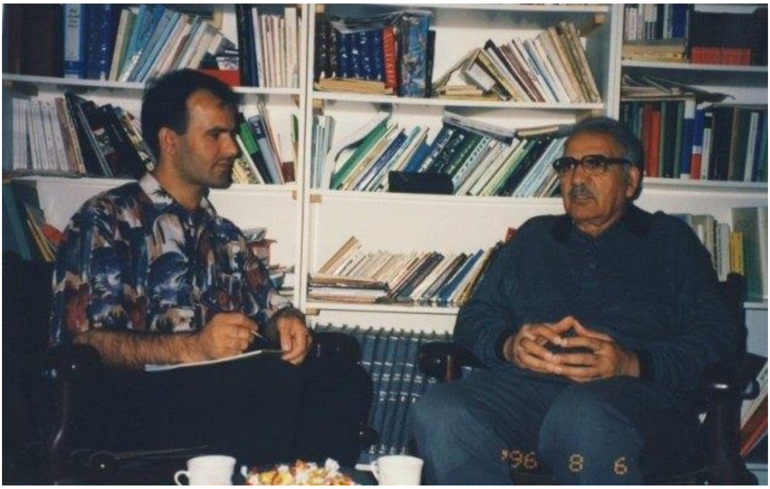

مرحوم داکتر عبدالصمد حامد

هاشم زمانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

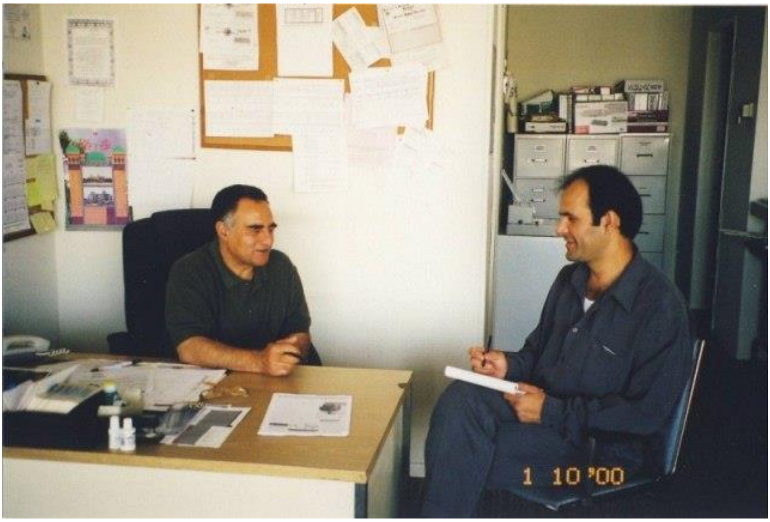

عبدالله مجروح

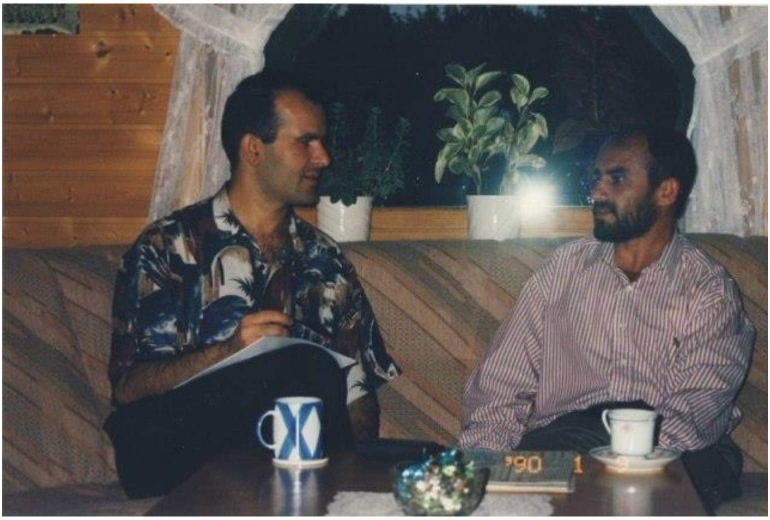

شینواری

(c) ketabton.com: The Digital Library

سراج الدين منگل

ريود ليبور

(c) ketabton.com: The Digital Library

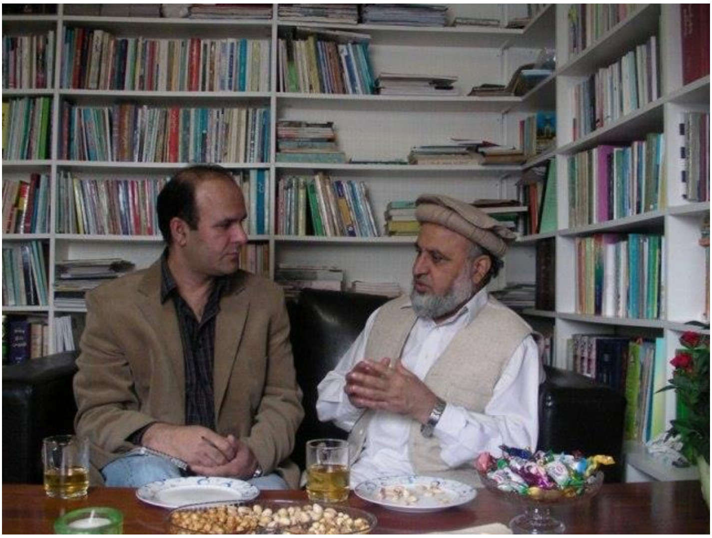

سیما ثمر

(c) ketabton.com: The Digital Library

شپږم څپرکی:

د انځورونو البم

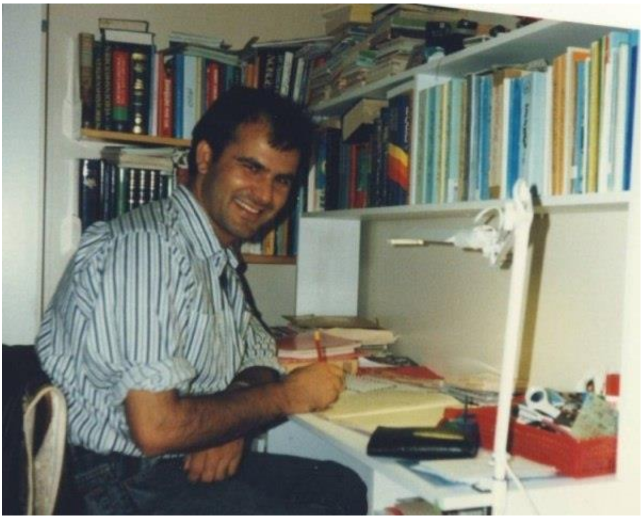

(c) ketabton.com: The Digital Library

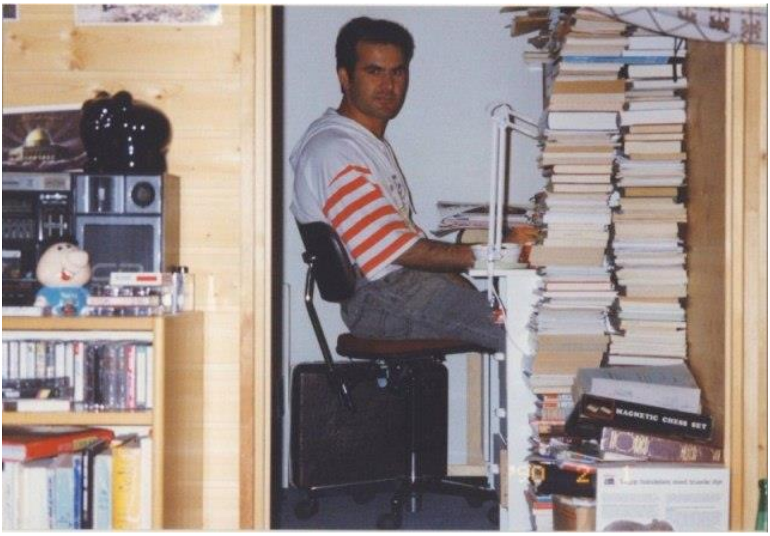

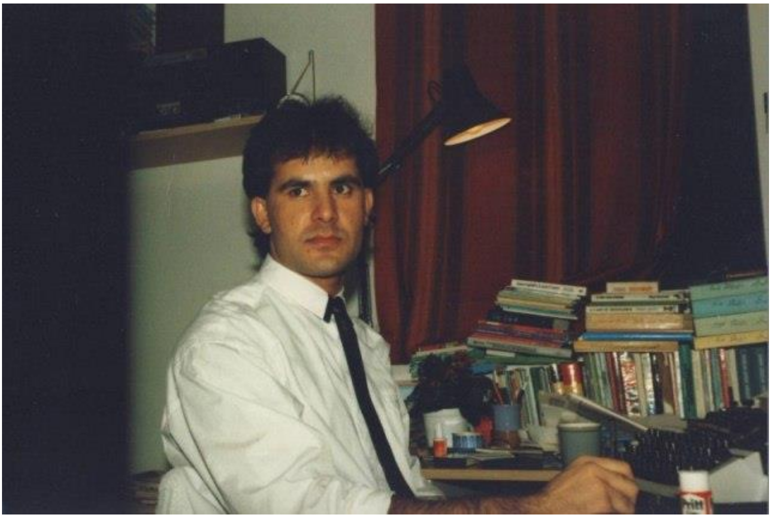

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

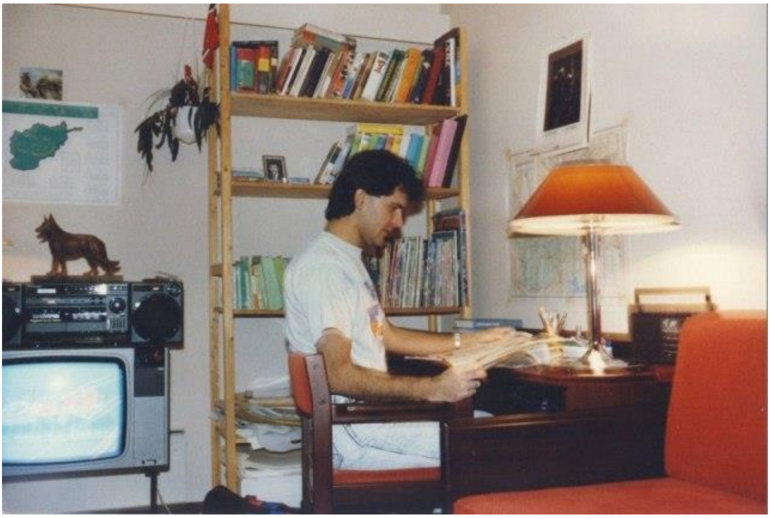

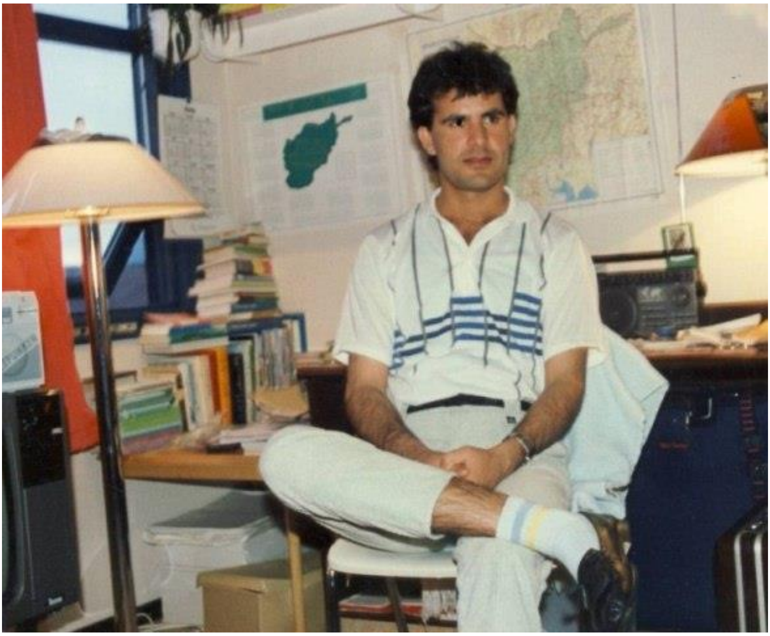

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

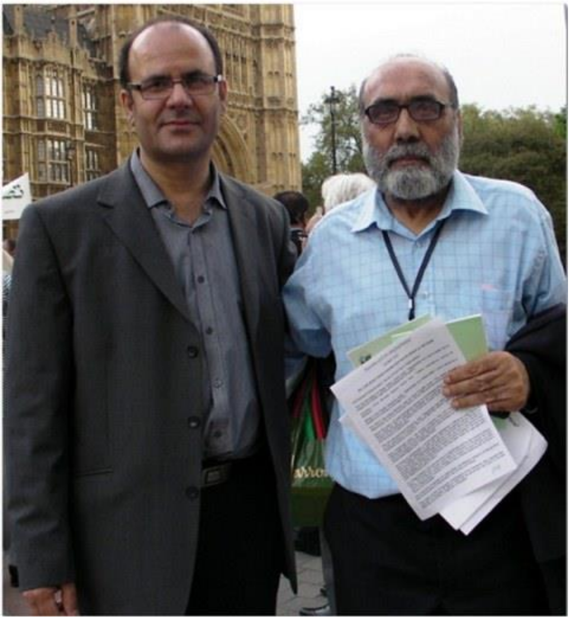

غلام محمد زرملوال

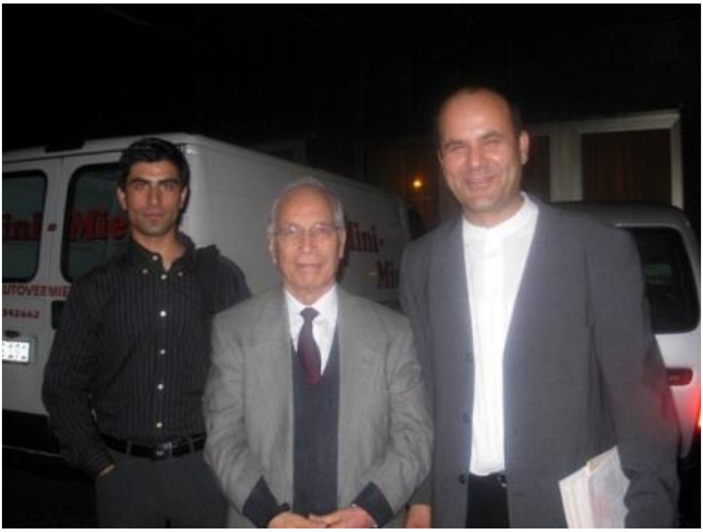

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

(c) ketabton.com: The Digital Library

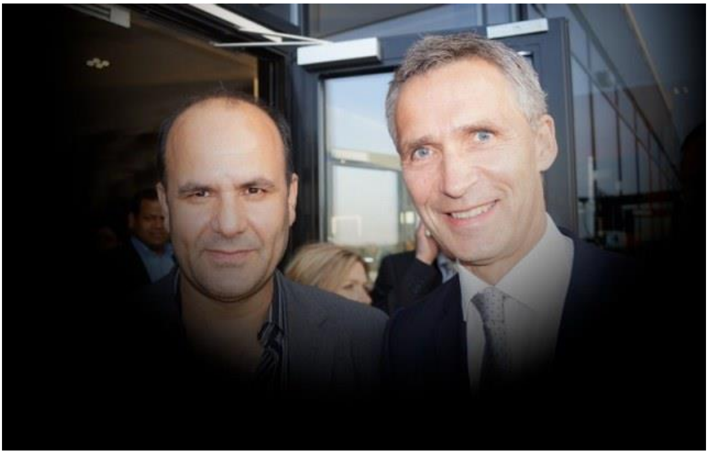

ستولتنبرگ

سفیر امریکا در ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم عبدالصمد حامد

باندویک

(c) ketabton.com: The Digital Library

از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری

ادوارد جیراد

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:
عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون«۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «پتول افغان»، وب سایت «پتول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».
آفرینش های کاری- فرهنگی
برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:
۱- برنامه ی مستند تاریخی«یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۲- برنامه ی مستند تاریخی «آیینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.
۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.
۳- مرز و بوم (تاریخی).
۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.
۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.
۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.
۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.
۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی- اجتماعی).
۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط)- منتشر شده است.
۱۳- با زبان دری (تحقیقی- تحلیلی)- منتشر شده است.
۱۴- روزگار (نوستالژی).
۱۵- پاسخ (واکنش ها).
۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
۹- دریَ افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
۱۳- آرکاییسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۱۱- مشی «تحریک ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.
۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.
۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.
۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.
۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها
کتاب ها و نشریات:
«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواک؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالک قادری).
فلم ها و برنامه های تلویزیونی:
«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی »همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).
تاییدات فرهنگی- مدنی:
- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

(c) ketabton.com: The Digital Library

National mission

By:
Mustafa Omarzai

ISBN: 978-82-691395-3-2

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library